

پایان زشت یک نمایش زشت!

۵

پادداشت
گذر از وقایع نگاری به تاریخ نگاری انقلاب اسلامی

ابوالفضل حسن‌آبادی
 محقق و پژوهشگر



مشهد، محور توسعه تجارت ایران و تاجیکستان

به بهانه سفر رئیس جمهور به تاجیکستان، شهرآرا ظرفیت‌های این کشور در مراودات اقتصادی با خراسان رضوی را بررسی می‌کند

۹



مشهدی‌های حرم‌ساز

روایتی از تلاش خیران شهرمان برای توسعه و بازسازی حرم حضرت زینب (س)

۱۳

آیت‌آ... علم‌الهدی

در دیدار وزیر ارشاد مطرح کرد

ضرورت تقویت کارگروه ملی زیارت برای خدمت به زائران

۲

بررسی فزاینده‌ای مهم زندگی عقیده ولایت، حضرت زینب (س) که محور مقاومت را زنده نگه داشت

حامی ولایت، ناجی مقاومت

۱۴

تاریکی معابر شهر؛ افزایش تصادفات موتورسیکلت‌ها

۲۴ درصد تصادفات فوتی، در معابر و بزرگراه‌ها در بازه زمانی ۸ تا ۱۲ شب است

۲

قطع و وصل‌های بی‌برنامه کابوس جدید بیماران کلیوی در حاشیه شهر

بیماران دیالیزی زیر فشار قطع برق!

۴

گفت‌وگو با آکروبات‌کار قدیمی که یک عمر مردم را در پارک «ملت» مشهد سرگرم کرد

ژانگولربازی از چشم همه افتاده است

۱۵



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بازدید از مؤسسه فرهنگی شهرآرا:

مزیت شهرآرا ایجاد حافظه تاریخی مشهد است

۱۱



وزیر امور خارجه در دیدار استاندار خراسان رضوی تأکید کرد

شهر مشهد؛ ظرفیتی بزرگ برای تعامل با دیگر کشورها

۲



گل‌کار و گل‌فروش محله آزادشهر از هنرش برای دستگیری از دیگران استفاده می‌کند

گل‌کردن نوع دوستی

محله (۱۲)



پرستار اورژانس هوایی مشهد در روزهای معالجه بیماران در حرم مطهر رضوی روی زمین بند نیست

پرواز روی بانند خدمت

محله ثامن



شهرآرا نیوز
 SHAHRARANEWS.IR

اینجا همان جایی است که «خبرخوان» پایش را چندگام فراتر می‌گذارد و «خبردان» می‌شود. در این راستا و برای بازخوانی سریع‌ترین رخدادها خبری تحلیلی مشهد و ایران «کیوآر کدها» روی هر یک از گزاره‌های خبری را اسکن کنید.

ویدئو | آخرین پیامکی که برای پدرتان فرستادید چه بود؟

گاهی آن قدر همه چیز برایمان عادی می‌شود که فکرش را هم نمی‌کنیم با عزیزانمان چطور رفتار می‌کنیم. همیشه این رفتارها بد نیستند! درست مثل رفتار عادی با پدرها. وقتی با خودمان فکر کنیم می‌فهمیم درست است حضورشان برایمان عادی شده اما زمانی که خدایی نکرده نباشند قدرشان را می‌دانیم! باور ندارید، دوباره آخرین پیامکی را که برای پدرتان فرستادید مرور کنید.

ویدئو | رانندگی در برزیل

در پی باران‌های سیل‌آسا در جنوب شرقی کشور برزیل، هشت سانتی‌متر بارش در یک ساعت گزارش شده است، رانندگی در زمین در دو محله مختلف به کشته شدن ۹ نفر منجر شده و یک نفر هم ناپدید اعلام شده است.

ویدئو | به یاد پدرها روی پل میدان امام علی (ع)

پدرها حضورشان نعمت است و رحمت، اما اگر حتی در قید حیات هم نباشند، خاطره‌شان در ذهن فرزندانمان تا همیشه زنده خواهد ماند.

اینفوگرافی | ریه‌های تنفسی شهر در کمربند سبز مشهد

کمربند سبز ریه‌های تنفسی مشهد است و از رشد بی‌رویه شهر مشهد، نفوذ ریزگردها و سیل جلوگیری می‌کند.

رویداد مبتدا (ویژه تشکلهای مردمی)
 • مسأله‌شناسی و تکنیک‌های شناخت مسائل
 • ریشه‌یابی مسائل
 • ظرفیت‌شناسی محلی
 • طراحی عملیات اجتماعی

ارتباط با ما: ۳۱۲۹۷۱۹۰
 برای شرکت در این رویداد عدد ۱۲ را به ۱۰۰۰۱۰۸ ارسال نمایید

وزیر امور خارجه در دیدار استاندار خراسان رضوی تأکید کرد
شهر مشهد؛ ظرفیتی بزرگ برای تعامل با دیگر کشورها



وزیر امور خارجه در دیدار با استاندار خراسان رضوی با اشاره به ظرفیت‌ها و امکانات خوب این استان، بر تلاش برای تسهیل برگزاری رویدادهای مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی در استان خراسان رضوی تأکید کرد.

به گزارش روابط عمومی استانداری خراسان رضوی، سیدعباس عراقچی با اشاره به وجود دفتر نمایندگی وزارت امور خارجه در مشهد به عنوان ظرفیتی مهم برای گسترش مراودات بین‌المللی استان، ابراز امیدواری کرد که با همکاری و تعامل نزدیک بین وزارت امور خارجه و استانداری خراسان رضوی، از توانمندی‌های بالقوه و بالفعل استان خراسان رضوی و شهر مقدس مشهد برای ارتقای تعاملات اقتصادی، تجاری و فرهنگی کشور با دیگر کشورها به ویژه کشورهای عضو آکوپا آسیای مرکزی کمال بهره‌برداری شود.

همچنین استاندار خراسان رضوی در این دیدار با تشریح ظرفیت‌های استان به ویژه شهر مقدس مشهد و حضور سالانه میلیون‌ها زائر و گردشگر، درخصوص همکاری با وزارت امور خارجه برای توسعه و تسهیل خدمات به ایشان و زائران و گردشگران خارجی اعلام آمادگی کرد.

غلامحسین مظفری ضمن قدردانی از وزارت و وزیر امور خارجه بابت برگزاری اجلاس شورای وزیران آکو، به بیان مواردی از جمله آمادگی استان برای برگزاری همایش‌های مشترک و میزبانی رویدادهای بین‌المللی در استان پرداخت.

وی همچنین خواستار تداوم حمایت وزارت امور خارجه از طرح‌های زیربنایی و توسعه‌ای استان خراسان رضوی با هدف ارتقای خدمات بیشتر به زائران حضرت علی بن موسی الرضا^(ع) از طریق دیپلماسی فعال و موفق حسن همسایگی شد.

خبر

تشکیل شعب ویژه فرهنگیان در شورای حل اختلاف استان

معاون اجتماعی و پیشگیری از جرم دادگستری خراسان رضوی گفت: در جلسه کمیته تخصصی اجرای پروژه ملی نما، مقرر شد تا پیگیری‌های لازم برای ایجاد شعب ویژه در شورای حل اختلاف استان برای فرهنگیان انجام شود. به گزارش روابط عمومی دادگستری خراسان رضوی، حسین شفیعی گفت: در طرح ملی نما که پروژه ملی نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان است نقش سه گروه مهم است؛ ابتدا خانواده که باید تمرکز و توجه در این مسائل را داشته باشند، دوم معلم‌ها باید آموزش‌های لازم را طی و در رفع آسیب‌های اجتماعی مداخله‌گر باشند و سوم دانش‌آموزان در معرض آسیب که به موقع شناسایی شوند و در این زمینه تبیین لازم باید صورت گیرد. وی افزود: تمامی دستگاه‌های همکار در این طرح باید نماینده تام‌الاختیار داشته باشند که در تمامی جلسات شرکت و اشراف کافی به امور داشته باشند تا از موازی‌کاری بین ادارات پرهیز و هماهنگی لازم بین دستگاه‌ها و آموزش و پرورش انجام شود.

اخبار کوتاه

بهبود وضعیت نظام سلامت در سال آینده

رئیس دانشگاه علوم پزشکی مشهد با اشاره به موافقت رهبر معظم انقلاب مبنی بر برداشت یک میلیارد دلار از صندوق ذخیره ارزی و اختصاص آن به حوزه سلامت، اظهار کرد: با اختصاص این مبلغ به دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، وضعیت حوزه سلامت در سال آینده بهبود می‌یابد. به گزارش وبدا، دکتر محمود شبستری در نشست با معاون و مدیران حوزه معاونت غذا و دارو با اشاره به برگزاری اجلاس رؤسای دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم پزشکی کشور که با حضور وزیر بهداشت در تهران برگزار شد، اظهار کرد: در این نشست ضمن اعلام اختصاص یک میلیارد دلار از محل صندوق ذخیره ارزی به حوزه سلامت، از اختصاص ۸۰ هزار میلیارد تومان اوراق مشارکت به حوزه سلامت خبر داده شد.

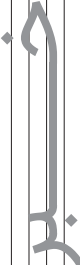
روند کاهشی آب در سدهای مشهد

عضو شورای راهبردی روابط عمومی بخش آب کشور گفت: هم‌اکنون تنها ۱۲ درصد از حجم سدهای مشهد آب دارد و این میزان همچنان در حال کاهش است. به گزارش ایرنا، کاظم جم‌افزود، هم‌اینک ۱۵۷ میلیون متر مکعب آب در سدهای مشهد شامل «طرق»، دوستی، اردک و کارده، وجود دارد که حجم خیلی کمی است. وی اضافه کرد: منابع سطحی و سدها، منبع اصلی تأمین‌کننده آب مشهد هستند و از ابتدای سال آبی جاری (مهرماه امسال)، نزدیک به سه میلیون و ۶۰۰ هزار متر مکعب آب وارد سدهای مشهد شده است.



شنبه ۱۳۰۳
۱۵ رجب ۱۴۴۴
شماره ۴۴۱۰

۵۲
SHAHARANNEWS.IR



دیدار

نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی گفت: تقویت کارگروه زیارت می‌تواند نقشی کلیدی در ارتقای کیفیت خدمات رسانی به زائران رضوی و رفع چالش‌های موجود ایفا کند. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی امام جمعه مشهد، آیت‌ا... سید احمد علم‌الهدی در دیدار با سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که در دفتر نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی برگزار شد، بر لزوم توجه ویژه به هويت زیارتی شهر مشهد تأکید کرد و این مهم را از الزامات اصلی مدیریت شهری و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی دانست. وی با اشاره به جایگاه مشهد به عنوان پایتخت معنوی ایران افزود: مشهد باید هویتی منسجم و متناسب با نام امام رضا^(ع) داشته باشد. این هویت نباید صرفاً در معماری یا ظاهر شهر خلاصه شود، بلکه باید در تمام ابعاد فرهنگی، اجتماعی و

خدماتی نمود پیدا کند. نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی ادامه داد: همان‌طور که می‌دانید مشهد در ایام خاصی مانند دهه آخر صفر، میزبان بیش از شش میلیون زائر است که نیازمند اقدامات اساسی، به ویژه



در حوزه اسکان زائران داخلی و خارجی است، فراهم‌سازی این امکانات و زیرساخت‌ها برای زائران خارجی از اهمیت ویژه‌تری برخوردار است. وی در ادامه به دغدغه‌های مرتبط با سامان‌دهی حاشیه شهر مشهد پرداخت و تصریح کرد: بر

آیت‌ا... علم‌الهدی در دیدار وزیر ارشاد مطرح کرد

ضرورت تقویت کارگروه ملی زیارت برای خدمت رسانی به زائران

اساس دستورالعمل ویژه‌ای که رهبر معظم انقلاب برای سامان‌دهی حاشیه شهر مشهد ارائه کردند. اقدامات خوبی در این زمینه به ویژه درباره وضعیت فرهنگی این منطقه صورت گرفته، نیازها و چالش‌های آن نیز به خوبی شناسایی شده است که البته همچون سایر بخش‌ها مانند حوزه عمرانی و محرومیت‌زدایی نیازمند توجهات ویژه دولت است. آیت‌ا... علم‌الهدی با تأکید بر اهمیت توسعه زیرساخت‌های جاده‌ای و حمل‌ونقل، تشکیک و تقویت کارگروه زیارت را اقدامی ضروری دانست و افزود: این کارگروه می‌تواند نقشی کلیدی در ارتقای کیفیت خدمات رسانی به زائران رضوی و رفع چالش‌های موجود ایفا کند. وی خاطر نشان کرد: تحقق این اهداف مستلزم تعامل سازنده و برنامه‌ریزی دقیق میان تمامی نهاد‌های مرتبط است تا بتوان مشهد را به عنوان شهری با هویت رضوی برجسته‌تر کرد.

تاریکی معابر شهر؛ افزایش تصادفات موتورسیکلت‌ها

براساس اعلام رئیس پلیس راهور مشهد ۲۴ درصد تصادفات فوتی، در معابر و بزرگراه‌ها در بازه زمانی ۸ تا ۱۲ شب است



گفت و گو



زولانه نگار طین هنر

بر اساس آمار پلیس راهور مشهد ۲۴ درصد تصادفات فوتی در معابر و بزرگراه‌ها در بازه زمانی ۸ تا ۱۲ شب است که روشنایی در این معابر و بزرگراه‌ها نقش بسزایی در کاهش میزان تصادفات و افزایش دید رانندگان و موتورسواران دارد.

رئیس پلیس راهور مشهد در گفت‌وگو با خبرنگار شهراُرا با بیان اینکه با قطع برق خیابان‌ها و تقاطع‌ها به شدت مخالف هستیم، افزود: اگر چه با همکاری شرکت برق، قطعی برق در این نقاط محدود شده اما بخش بزرگی از تصادفات معابر بزرگراهی ما مثل بزرگراه سلسله‌الذهب، بزرگراه امام علی^(ع)، بزرگراه پیامبر اعظم^(ص) و حتی بزرگراه شهید سلیمانی مربوط به ساعت ۸ تا ۱۲ شب است بنابراین روشنایی معابر بسیار پراهمیت است.



توجهی روبه‌رو شده است. در همین بازه زمانی تعداد راکبان موتورسیکلت رشد ۲۵ درصدی داشته است. او بیان کرد، اگر چه در بحث کاهش

تصادفات رشد ۱۵ درصدی داشتیم اما در بحث موتورسوارها خوب عمل نکردیم و متأسفانه در این زمینه شاهد رشد ۲۵ درصدی آمار متوفاکان، بر اساس تحلیلی که جان‌باختگان بر اثر سوانح مربوط به موتورسیکلت هستیم به‌گفته‌او، در بحث تصادفات موتورسیکلت دوموضوع حائز اهمیت است، خوب دیدن و خوب دیده شدن. موسی‌آبادی در این زمینه گفت: در همین راستا طرحی در حاشیه شهر در حال اجراست که با نصب علائم شیرنگ بر روی موتورسیکلت‌ها سبب بهتر دیده شدن آن‌ها در خیابان‌ها می‌شود. این موضوع موجب کاهش تصادف خودروها با موتورسیکلت می‌شود.

- مناطق ۶، ۳، ۱۰ و ۴ در صدر تصادفات موتورسیکلت رئیس پلیس راهور مشهد ادامه داد: بیشترین تصادفات فوتی در منطقه ۳، منطقه ۶ و منطقه ۱۰
- ۲۵ درصد تصادفات در بازه سنی ۱۶ تا ۲۵ سال او با اشاره به اینکه ۲۵ درصد تصادفات موتورسیکلت در بازه سنی ۱۶ تا ۲۵ سال است.

بهماهروی شهرداری مشهد صورت گرفت
افتتاح سه اتاق تربیت‌بدنی ویژه دانش‌آموزان خاص مهدی

خبر

آل ابراهیم امروز گذشته با حضور تعدادی از مسئولان، سه اتاق تربیت‌بدنی ویژه دانش‌آموزان استثنایی تجهیز شد. رئیس آموزش و پرورش استثنایی خراسان رضوی در این مراسم، اظهار کرد: اتاق تربیت‌بدنی در پیش دبستانی امام‌رضا^(ع) و ویژه‌نواآموزان آسیب‌شنوایی، پیش‌دبستانی سوم شعبان ویژه‌نواآموزان با آسیب‌ذهنی و در دبستان ام‌الائم^(ص) و ویژه دانش‌آموزان با نیاز ذهنی افتتاح شد که به همت شهرداری منطقه ۱۰، این سه اتاق که موجود بودند با هزینه ۶۰۰ میلیون تومان تجهیز شدند.

جواد روحانی با اشاره به اینکه با افتتاح این سه اتاق، تعداد اتاق‌های تربیت‌بدنی در استان به سیزده مورد افزایش یافت، در خصوص اهمیت وجود چنین اتاق‌هایی، اظهار کرد: در واقع کودکان با نیازهای ویژه و خاص نمی‌توانند از مکان‌های تفریحی سطح شهر استفاده کنند و نیاز است که این اتاق‌ها در مدارس آن‌ها ایجاد شود تا به توان بخشی آن‌ها نیز کمک کند. او با بیان اینکه توان بخشی در آموزش و پرورش استثنایی مقدم بر آموزش است.

رئیس سازمان بهزیستی کشور اعلام کرد

۱۱ درصد جمعیت کشور زیر پوشش بهزیستی



گزارش روز

یکی از برنامه‌های رئیس سازمان بهزیستی کشور در سفر اخیر خود به مشهد تجلیل از ناشنوایان مدال‌آور خراسان رضوی در بازی‌های آسیایی ۲۰۲۴ بود که در این مراسم، اظهار کرد: بیش از ۸ میلیون نفر زیر پوشش بهزیستی هستند که حدود ۱۱ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. به گزارش روابط عمومی بهزیستی استان، سید جواد حسینی با اشاره به اینکه ارتباطات و مهارت‌های ورزشی در فرایند اجتماعی شدن، ترفیق، ادغام اجتماعی و... افراد معلول نقش بسزایی ایفا می‌کند، افزود: برای گسترش توان بخشی توأم با ورزش باید اتفاقاتی در سازمان بهزیستی رقم بخورد که یکی از آن‌ها این است که نباید ورزش منحصر به ورزشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی بماند.

فضای مجازی، ورزش را به درون محلات و منازل مددجویان ببریم، رئیس سازمان بهزیستی کشور وعده داد که در راستای اشتغال ورزشکاران قهرمان تلاش خواهد کرد و افزود: اتفاق خوشایند دیگر کسب‌مقام اول‌رأبیت‌های آسیایی در مالزی توسط ناشنوایان بود. به تمام مدال‌آوران طلا مبلغ ۳۰ میلیون تومان و مدال نقره ۲۵ میلیون تومان و مدال برنز ۲۰ میلیون تومان اهدا خواهد شد. اما اقدام اساسی‌تر پیگیری حق اشتغال این قهرمانان خواهد بود. در این مراسم از علیرضا قزی، داندزه مدال طلای جهانی و نقره آسیایی در رشته فوتبال، علی سلحشور دارای مدال طلای آسیایی در رشته جودو، مصطفی سفیدی نقره

- شهدا، بهترین الگوی هویت‌آفرینی معاون وزیر و رئیس سازمان بهزیستی کشور، شهدا را بهترین الگوی هویت‌آفرینی و اتصال نهاد نسل‌ها دانست و گفت: باید زندگی و حیات شهدا در دنیا استمرار داشته باشد و باید سیره شهدا مهم‌ترین کانون، مبدأ جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری باشد. ارزش‌ها، اندیشه و رفتار شهدا باید به مثابه یک الگو به ویژه برای نسل جدید آموزش داده شود.
- ۵۷ هزار کودک زیر پوشش بهزیستی کشور مراسم بزرگداشت شهدای هویزه، برنامه دیگری بود که با حضور استاندار خراسان رضوی و رئیس سازمان بهزیستی کشور و خانواده‌های شهدا در مؤسسه خیریه توان بخشی دختران بی‌سرپرست و کم‌توان ذهنی همدم برگزار شد.
- حسینی به زندگی ۵۷ هزار کودک در بهزیستی کشور و در مراکز شبانه‌روزی اشاره کرد و گفت: باید برای ترویج اندیشه شهدا، فرهنگ ایثار و مقاومت

برای فرزندان بهزیستی اقدام کنیم. او به عملیات هویزه در جنگ اشاره کرد و افزود: یکی از مهم‌ترین نبردهای دوران دفاع مقدس است که با وجود پیروزی باز هم به محاصره رزمندگانمان منجر شد که شاهد رشادتها و دل‌آوری‌های آنان در این حماسه بودیم. در این عملیات، باقی‌مانده بسیاری از شهدا فقط یک پلاک بود.

- شهدا، بهترین الگوی هویت‌آفرینی معاون وزیر و رئیس سازمان بهزیستی کشور، شهدا را بهترین الگوی هویت‌آفرینی و اتصال نهاد نسل‌ها دانست و گفت: باید زندگی و حیات شهدا در دنیا استمرار داشته باشد و باید سیره شهدا مهم‌ترین کانون، مبدأ جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری باشد. ارزش‌ها، اندیشه و رفتار شهدا باید به مثابه یک الگو به ویژه برای نسل جدید آموزش داده شود.
- ۵۷ هزار کودک زیر پوشش بهزیستی کشور مراسم بزرگداشت شهدای هویزه، برنامه دیگری بود که با حضور استاندار خراسان رضوی و رئیس سازمان بهزیستی کشور و خانواده‌های شهدا در مؤسسه خیریه توان بخشی دختران بی‌سرپرست و کم‌توان ذهنی همدم برگزار شد.
- حسینی به زندگی ۵۷ هزار کودک در بهزیستی کشور و در مراکز شبانه‌روزی اشاره کرد و گفت: باید برای ترویج اندیشه شهدا، فرهنگ ایثار و مقاومت

نظافت بی خطر



گزارش خبری



روزنامه‌نگار
مهرداد کارمان

تقریباً از زمانی که جان و سلامتی چند پاکبان درحال نظافت بزرگراه‌های شهر به دلیل بی احتیاطی رانندگان و سرعت بالای آن‌ها گرفته شد. تغییر شیوه و مدل نظافت بزرگراه‌ها و تأمین ایمنی پاکبان‌ها برای مدیریت شهری به یک دغدغه

جدی تبدیل و طرح‌های زیادی هم در این یکی دو سال اخیر برای این ماجرا تهیه و اجرایی شد. تغییر گاردیل‌های بزرگراه‌ها در منطقه ۴ و ۵ - که بیشترین حادثه را داشتند - افزایش تجهیزات ایمنی پاکبان‌ها، اضافه شدن یک خودرو اسکورت در زمان نظافت بزرگراه‌ها و... فقط چند نمونه از این طرح‌ها بود که امروز اجرایی شده و فعلاً به قول معروف جواب داده است؛ اما درحالی‌که شورای شهر دستور خرید خودرو ویژه نظافت بزرگراه‌ها را برای کاهش و حتی صفر شدن حضور پاکبان‌ها در این معابر داده است و معاونت خدمات شهری هم درکش و قوس خرید این خودروهاست. شهرداری منطقه ۴ در یک اقدام خلاقانه و با ۱۶۰ میلیون تومان اعتبار، جاروی نظافت بزرگراه طراحی کرده‌اند که برخلاف جاروهای مکانیزه، توانایی نظافت کانیوهای موجود در بزرگراه‌ها را دارد و با تعداد نیرو و پاکبان بسیار کمتر در هر نوبت می‌تواند ۳ هزار متر از معابر بزرگراهی را نظافت کند.

گفت که دلیل اصلی ساخت این جارو در وهله اول تأمین ایمنی پاکبان‌ها بوده است. محسن نعیمی مقدم توضیح داد: در پنج سال گذشته چهارده نفر از پاکبانان خدمت مشهد مقدس در بزرگراه‌های شهر، هنگام انجام کار نظافت، جان خود را از دست دادند و تعدادی دیگر هم در حالی‌که با حفظ مسائل ایمنی مشغول انجام وظایف خودشان بودند، در تصادف‌هایی که رخ داد، دچار صدمات جدی و گاهی جبران‌ناپذیر شدند. به دلیل همین اتفاقات و مسائل و البته افزایش ایمنی پاکبان‌ها سراغ یک ایده خلاقانه برای نظافت بزرگراه‌ها رفتیم.

یک جاروبرقی برای نظافت بزرگراه‌ها

ساخت یک جاروبرقی برای نظافت بزرگراه‌ها و تقاطعی که جاروهای مکانیزه چند میلیاردی توانایی نظافت آن را ندارند، ایده‌ای بود که با حداقل هزینه در شهرداری منطقه ۴ تعریف و اجرایی شد. محسن



نعیمی مقدم درباره جزئیات این ایده و طرح خلاقانه توضیح داد. ماشین آلات و جاروهای موجود امکان نظافت مکانیزه کانیوهای حاشیه بزرگراه‌ها و بولوارهای اصلی را ندارند و برای همین چاره‌ای جز استفاده از عوامل کارگری برای نظافت آن‌ها نداریم. اداره خدمات شهری منطقه در کنار رعایت همه اصول ایمنی و تأمین تجهیزات ایمنی حفاظت فردی مثل فلاشر، چراغ هدلایت، گاری افرادی چراغ‌دار کلاه ایمنی و پرچم مناسب و از همه مهم‌تر آموزش همه پاکبانان مشغول در بزرگراه‌ها و حضور شبانه‌روزی کارشناس ایمنی، طرح خلاقانه ماشین جاروی بزرگراه را برای افزایش ایمنی و پیشگیری از حوادث ناگوار برای پاکبانان ارائه و اجرایی کرد. در این طرح از دو جاروبرقی که هرکدام سه موتور ۱۲۰۰ واتی دارند، یک دستگاه مولد برق که در پشت خودرو نصب می‌شود و یک شلنگ شش متری برای نظافت بزرگراه‌ها استفاده می‌شود.

ایمنی پاکبان‌ها افزایش پیدا کرد

وی با اشاره به مزایای اجرایی شدن این طرح

خلاقانه در شهرداری منطقه ۴ ادامه داد. با استفاده از این روش نیمه‌مکانیزه برای نظافت بزرگراه‌ها، در گام اول ایمنی پاکبان‌های مستقر در بزرگراه‌ها افزایش پیدا کرده است و اکنون از نیروی بسیار کمتری در نظافت بزرگراه‌ها استفاده می‌شود، در کنار این موضوع با این روش تقریباً به سمت نظافت مکانیزه معابر بزرگراهی رفتیم و آن را عملیاتی کردیم و از همه مهم‌تر اینکه با اجرای این طرح، هزینه‌های ماکاهش پیدا کرده است.

فقط ۱۶۰ میلیون تومان

اما نعیمی مقدم در ادامه و در پاسخ به این سؤال که اجرایی شدن این طرح چقدر برای شهرداری منطقه ۴ هزینه داشته است، گفت: برای اجرایی کردن این طرح فقط ۱۶۰ میلیون تومان هزینه کردیم و حالا با این میزان هزینه‌کرد از ۲۷ هزار مترمربع معابر بزرگراهی در محدوده منطقه ۴، در هر نوبت ۳ هزار مترمربع و در هفته تقریباً ۶ هزار مترمربع با این روش نظافت می‌شود.

به مناسبت اعیاد رجبیه، شعبانیه و دهه مبارک فجر صورت می‌پذیرد

عیدی مدیریت شهری برای پرداخت عوارض با تخفیف ۲۵ درصدی

محمد هادی محمدی مقدم گفت: لایحه تخفیف مناسبتی پرداخت نقدی عوارض به مناسبت اعیاد رجبیه و شعبانیه و دهه مبارک فجر که پیش‌تر به تصویب شورای اسلامی شهر رسیده بود، با تأیید در هیئت تطبیق مصوبات شهرستان، لازم‌الاجرا شد.

به گزارش روابط عمومی معاونت مالی و پشتیبانی شهرداری مشهد، او ادامه داد: بر اساس مصوبه جدید، از ۲۵ دی‌ماه تا ۲۵ بهمن‌ماه امسال، تخفیف پرداخت نقدی عوارض در کلیه درخواست‌های گروه پروانه و پایانکار از ۱۶ درصد به ۲۵ درصد افزایش خواهد یافت و از تاریخ ۲۶ بهمن تا ۱۹ اسفند، میزان تخفیف به ۲۰ درصد کاهش خواهد یافت و از تاریخ ۱۰ اسفند‌ماه تا پایان سال ۱۴۰۳ نیز به میزان تخفیف روزه (۱۶ درصد) باز خواهد گشت.

سرپرست معاونت مالی و پشتیبانی شهرداری مشهد عنوان کرد: قبوض عوارض بر مشاغل (صنفي)، بهای خدمات مندرج در قبوض نوسازی و عمران شهری و تهاات مطالبات پیمانکارانی که تا تاریخ ۱۹/۰۳/۱۴۰۳ در سیستم مالی ثبت شده باشند، مشمول تخفیف‌های مذکور است.

محمدی مقدم افزود: این تخفیف علاوه بر متقاضیان صدور مجوز و گواهی‌های ساختمانی، فرصت مناسبی برای عموم شهروندان است که نسبت به تسویه بدهی معوق و جاری قبوض نوسازی و صنفی خود اهتمام ورزیده و از مزایای آن برخوردار شوند.

وی یادآور شد: با عنایت به امکان افزایش تعرفه‌های سال ۱۴۰۴ تا سقف تورم اعلامی سالانه بانک مرکزی (۳۷ درصد)، تسویه بدهی مؤذیان محترم در بازه زمانی ۲۵ دی تا ۲۵ بهمن ۱۴۰۳ توجیه اقتصادی مناسبی دارد.

شایان ذکر است متن کامل مصوبات در پرتال سامانی شهرداری و شورای اسلامی شهر مشهد به نشانی www.shora.mashhad.ir و www.laws.mashhad.ir بارگذاری شده و قابل مشاهده است.

با معاونان

اجرای ۲۲ پروژه فضای سبز در منطقه ۷

منطقه ۷ به‌عنوان یکی از مناطق بزرگ مشهد، به دلیل قرارگیری در سه محور ورودی مشهد، وجود بوستان زائرپذیر غدیر و ایستگاه استقبال از زائر از اهمیت بالایی برخوردار است. اکنون ۲۲ پروژه فضای سبز در منطقه ۷ در حال اجرا هستند که در مجموع ۲۹ درصد پیشرفت فیزیکی دارند و بوستان بانوان طرق یکی از پروژه‌های با اهمیت در این حوزه است. این بوستان با ۵۰ هزار مترمربع وسعت، ۵۶ درصد پیشرفت فیزیکی دارد و با برنامه‌ریزی صورت‌گرفته روند ساخت آن تسریع خواهد شد و به‌زودی در اختیار شهروندان قرار خواهد گرفت. علاوه بر این دوازده پروژه در حوزه خدمات شهری این منطقه در حال اجرا هستند که شامل تعمیر و تجهیز انبار حوادث، لای روبی کانال‌ها، احداث سرویس بهداشتی و... می‌شوند؛ البته یکی از چالش‌های این منطقه محل‌های تجمع آب در زمان بارندگی است که یازده محل شناسایی شده‌اند و با تعریف پروژه‌های مختلف در حال رفع مشکل هستند.



مهم‌ترین بفرقونی
معاون مدیریت است و خدمات شهری
شهریاران مشهد

کابل‌های برق خط ۳ رسید

با اعلام مدیرعامل شرکت قطار شهری مشهد، ۸۰ درصد کابل‌های مورد نیاز خط ۳ مترو وارد مشهد شده است



کاملان



کار ساخت و ساز ایستگاه‌های فاز اول خط ۳ قطار شهری مشهد مدتی است که سه شیفته و روی دور تند انجام می‌شود و هم‌زمان با احداث و تکمیل ایستگاه‌ها، قطعات و لوازم مورد نیاز مترو هم یکی از پس دیگری وارد مشهد می‌شود. تقریباً هفت هشت روز پیش بود که پله برقی‌های ساخت داخل برای خط ۳ به دست شهرداری رسید و روز گذشته هم ۸۰ درصد از کابل‌های برق مورد نیاز این خط - که آن‌ها هم تولید ایران هستند - به مشهد وارد و تحویل شرکت قطار شهری شهرداری شد تا آن‌طور که شهرداری وعده داده است، فاز اول این خط، یعنی از پایانه مسافربری تا حرم مطهر رضوی، تا پایان سال افتتاح شود.

۷۵ کیلومتر کابل نیاز داریم

مدیرعامل شرکت قطار شهری مشهد در گفت‌وگو با شهرآر، از نیاز خط ۳ به بیش از هفت کیلومتر کابل برق خبر داد و گفت: ما برای تأمین برق ناوگان فاز

جهانی را رعایت کنند. این استانداردها توسط کارشناسان قطار شهری مشهد بررسی شده و مورد آزمایش‌های دقیق قرار گرفته است. وی ادامه داد: شبکه بیست کیلوولت خط ۳ قطار شهری به صورت رینگ‌های مستقل در طول تونل امتداد دارد و دارای امکان بی‌برق شدن در شرایط اضطراری را هم دارد که احتمال حادثه را به کمترین حد ممکن می‌رساند.

عملیات‌های ساخت و نصب تجهیزات هم‌زمان

پیش می‌رود کیامرز در ادامه و با اشاره به هم‌زمانی عملیات‌های سازه‌ای و نصب کابل‌ها و سایر تجهیزات مورد نیاز برای تسریع در اتمام فاز اول خط ۳ مترو مشهد توضیح داد: برای تحقق برنامه زمان‌بندی که در اختیار ما قرار گرفته است، پیمانکاران و سایر عوامل پروژه خط ۳ به صورت هم‌زمان با عملیات سازه‌ای و معماری ایستگاه‌ها، کار نصب کابل‌ها و سایر تجهیزات مترو را هم آغاز خواهند کرد تا در زمان مقریر این خط به بهره‌برداری برسد و در اختیار مردم قرار بگیرد.

مشهد به کابل هم توسط تولیدکنندگان داخلی تأمین شده است. تصریح کرد: شرکت‌های تولیدکننده کابل در کشور، در حوزه تجهیزات صنعت مترویی سال‌ها تجربه و تخصص دارند و توانسته‌اند در تولیداتشان استانداردهای

بهره‌گیری از یافته‌های جدید پژوهشی در بازآفرینی شهری

مدیرعامل سازمان بازآفرینی فضاهای شهری از برگزاری نشست تخصصی بررسی دستاوردهای تشکیل دبیرخانه انتقال تجارب بازآفرینی و انعقاد تفاهم‌نامه همکاری‌های علمی و پژوهشی میان مدیریت شهری مشهد و دانشگاه حکیم سبزواری در زمینه کاهش مسائل و چالش‌های محلات هدف بازآفرینی شهری خبر داد.

محمود عبد...زاده با بیان اینکه سازمان بازآفرینی فضاهای شهری شهرداری مشهد، متولی دبیرخانه انتقال تجارب برتر بازآفرینی شهری منطقه ۵ کشور شامل استان‌های خراسان رضوی، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و کرمان است، بیان کرد: ما تلاش می‌کنیم با برگزاری دوره‌های تخصصی علمی و آموزشی، سطح دانش کارشناسان حوزه بازآفرینی شهری را ارتقا دهیم. تشکیل دبیرخانه‌های بازآفرینی نقطه عطفی در ارتقای سطح دانش کارشناسان فعال در این حوزه است و توانسته است در کاهش درخورملاحظه اثرات نامطلوب اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی در محلات هدف بازآفرینی مؤثر باشد. وی با اشاره به اهمیت ارتباط مستمر دانشگاه با حوزه اجرایی سامان دهی یافت‌های ناکارآمد تصریح کرد: اهمیت ارتباط مستمر محیط‌های دانشگاهی و حوزه اجرایی سامان دهی یافت‌های ناکارآمد شهری، باعث شده است ارتباط تنگاتنگ با مجموعه‌های دانشگاهی فعال در این حوزه، یکی از اولویت‌های شاخص سازمان بازآفرینی فضاهای شهری شهرداری مشهد باشد و باتوجه به جایگاه دانشگاه حکیم سبزواری در شرق کشور و مأموریت تخصصی ابلاغی از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای فعالیت این دانشگاه در زمینه بازآفرینی شهری، انعقاد تفاهم‌نامه همکاری میان مدیریت شهری مشهد و دانشگاه حکیم سبزواری در دستورکار قرار گرفت.

مدیرعامل سازمان بازآفرینی فضاهای شهری در ادامه و با بیان جزئیات این تفاهم‌نامه سه‌جانبه تأکید کرد: به همین منظور تفاهم‌نامه همکاری سه‌جانبه میان دانشگاه حکیم سبزواری، دفتر خلاقیت و نوآوری شهری شهرداری مشهد و سازمان بازآفرینی فضاهای شهری شهرداری مشهد به مدت سه سال منعقد شد. تلاش برای شناسایی مشکلات و بهره‌گیری از یافته‌های جدید پژوهشی، کمک به شکل‌گیری شبکه دانشی بین مراکز علمی و دستگاه‌های اجرایی مرتبط با انتقال تجارب بازآفرینی شهری شرق کشور و همکاری در اجرای پروژه‌های تحقیقاتی و طرح‌های پژوهشی مشترک، بخشی از اهداف این تفاهم‌نامه است.

خبر

کاشت ۱۵۰ هزار پیاز لاله برای بهار

باتوجه به محبوبیت بالای گل لاله در بین شهروندان، فرایند کاشت ۱۵۰ هزار پیاز لاله در بوستان‌های ملت و باغ گل‌ها از مدتی پیش آغاز شد. امسال تنوع رنگ‌ها و گونه‌های گل لاله را افزایش داده‌ایم و خادمان شهر در سازمان پارک‌ها همه تلاش خودشان را برای استقبال پیروش از بهار ۱۴۰۴ به کار گرفته‌اند. سال گذشته ۱۰۰ هزار گل لاله در شهر کاشته شد و امسال کاشت ۱۵۰ هزار پیاز لاله را در دستورکار داریم. گل لاله با وجود محدود بودن زمان گل‌دهی‌اش به شهر جلوه‌ای زیبا و بهاری می‌دهد و ماه‌های آذر و دی زمان کاشت پیاز این گل باتوجه به شرایط آب‌وهوایی شهر است؛ زیرا در این بازه زمانی، خاک خنک می‌شود و لاله‌ها بهتر می‌توانند رشد کنند و در فصل بهار گل‌بدهند و شکوفا شوند.



حسین موشاغی
مدیرکل سازمان پارک‌ها و فضای سبز
شهرداری مشهد

خبر

سفیر ژاپن در ایران: مشهد قطب مدیریت پسماند در ایران است



سفیر ژاپن در ایران که چند روز است در مشهد حضور دارد، علاوه بر دیدار با شهردار مشهد، بازدیدهای مختلفی از امکانات و ظرفیت‌های شهرداری مثل کارخانه نوآوری داشت و در روزهای پایانی سفرش به سازمان مدیریت پسماند که همکاری‌های گسترده‌ای با ژاپن همکارهای بین‌المللی ژاپن، جایکا، دارد رفت و از فعالیت‌ها و پروژه‌های سازمان «مپ»، به ویژه خط تولید کمپوست چرخان که برای اولین بار با همکاری جایکای ژاپن و سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، طراحی، احداث و تولید انبوه شده بود، بازدید کرد. تسوکادا تا ماکمی در پایان این بازدید در مرکز پایش و مراقبت سایت پسماند شهرداری مشهد به نشانه دوستی یک نهال غرس کرد. تسوکادا تا ماکمی در حاشیه این بازدید چند ساعته مشهد را قطب پسماند ایران معرفی کرد و گفت: مشهد قطب مدیریت پسماند در ایران است و اقدامات و فعالیت‌های این حوزه در مشهد بسیار شگرف و مثبت است و همکاری‌های میان ایران - و شهر مشهد - با دولت ژاپن در زمینه مدیریت پسماند ادامه پیدا خواهد کرد. این شهر نقطه عطف و شاخص در مدیریت پسماند در ایران است و اقدامات و همکاری‌های گذشته ژاپن همکارهای بین‌المللی ژاپن، جایکا، با ایران کاملاً مثبت بوده است و اثرات آن مشهود است و قطعاً این همکاری دو جانبه بیش از قبل ادامه پیدا خواهد کرد. دولت ژاپن آماده است تجربه‌های خودش را در حوزه مدیریت پسماند به ایران و به ویژه سازمان پسماند شهرداری مشهد منتقل کند.

بیماران دیالیزی زیر فشار قطع برق!

پنجمین پیگیری
قطع برق



خبرنگار
لااله عداوات الا لله

«درخواست دارم صدای ما را به مسئولان مربوطه برسانید. مادر همسرم بیمار دیالیزی است و هر دو روز باید دیالیز شود. امروز صبح که به درمانگاه طبرسی شمالی ۱۷ مراجعه کردیم، درست نیم ساعت بعد از اینکه دستگاه دیالیز را برای پاک سازی خون بیمار متصل کردند (ساعت ۸:۳۰ صبح) برق قطع شد. منتظر ماندیم تا جریان برق دوباره وصل شود. ساعت ۱۰ دوباره برق متصل شد. همین فرایند نبود برق و اتصال و قطع کردن دستگاه حدود دو ساعت از وقت بیمار را گرفت. بیماری که خودش به تنهایی برای هر بار دیالیز باید چهار ساعت از کل یک روز را روی تخت بیمارستان و درمانگاه برای دیالیز باشد حالا باید دو ساعت دیگر هم به خاطر قطعی برق علاف شود. مسئولان فکر کنند.»

این طرح گلایه یکی از شهروندان در شبکه مجازی ارتباط ما با مخاطبان است. گفته هایی که با محور قطعی برق است. موضوعی که بارها در همین صفحه و از زوایای مختلف مشکلات شهروندی به آن پرداخته شد. اما این گلایه محتوایش با دیگر گلایه های روزهای بی برقی متفاوت است. قطعی برق این بار سلامت و روان تعدادی از بیماران با شرایط سخت را نشانه گرفته است. بیمارانی که سال ها رنج عفونت های مکرر و سموم مختلف موجود در بدن حال و روزشان را مکرر کرده است. اکنون علاوه بر رنج داشتن بیماری کلیوی و نارسایی کلیه و درد دیالیز اسیر بحران بی برقی نیز شده اند و به دلیل قطعی های مکرر و بدون برنامه جریان برق این روزها باید در صف انتظار دیالیز باقی بمانند.

مشقت ساعت ۴ صبح آمدند اما در کمال ناباوری دیدیم آن روز برق اصلا قطع نشد. قانع با بیان اینکه این بخش با خون مریض در ارتباط است. ادامه می دهد: در بخش دیالیز خون به دلیل همین قطع و وصل برق. ناچاریم دستگاه را از بیمار جدا کنیم و با وصل شدن دستگاه به برق تمام مراحل شست و شو و اتصال دستگاه به بیمار را دوباره انجام دهیم. تمام این مراحل برای بیمار حساس و درد آور است. درست است که در صورت قطعی برق وقفه ۵ تا ۱۰ ثانیه ای ایجاد می شود اما تا اینکه شبکه ما به ژنراتور وصل شود و دوباره دستگاه راه بیفتد حداقل یک ربع زمان می برد. سرپرستار بخش دیالیز در مانگاه شبانه روزی طبرسی شمالی بیان می کند: حداقل شرکت برق ساعت و روزی قطعی برق به طور منظم را به ما اعلام کند. این افراد، بیمارانی هستند که برای انجام دیالیز به صورت مستمر مراجعه دارند. شرکت برق این هماهنگی را با ما ندارد. حتی در ساعاتی که خوشان نیز اعلام کرده اند نامنظم قطعی و وصلی جریان برق وجود دارد. قانع یادآوری می کند که مرکز ما حتی ترانس جداگانه از بیرون دارد. به عبارت دیگر شرکت برق اگر قرار است برق کل این منطقه را قطع کند می تواند به صورت مشخص برق درمانگاه را قطع نکند ما حتی پیشنهاد و درخواست هایی داشتیم که ترتیب اثری به آن ندادند.

دستگاه با هر بار قطع شدن جریان برق و وصل شدن حداقل ۱۰ دقیقه در تست باقی می ماند
بنابر این مریضی که چهار ساعت قرار است دیالیز شود، حداقل یک ساعت بیشتر باید بماند

بیماران دیالیز زیر فشار قطع برق!
در بیست روز اخیر چندین و چند بار از قطعی های بی برنامه جریان برق در محلات مختلف مشهد نوشتم. از قطعی هم زمان برق و گاز در برخی محلات گرفته تا خاموشی های نامنظم در بانک ها. دفاتر پیشخوان و مراکز پلیس +۱۰. اما همه این مشکلات به وجود آمده برای شهروندان آن هم برای کارهای مختلف یک روی سکه است. تهدید سلامتی بیماران روی دیگر سکه این بی برنامه ای است که نیاز به توجه ویژه دارد.

روزانه ۷۵ نفر دیالیز می شوند
سرپرستار بخش دیالیز می گوید: خواستار این هستیم که

قطعی برق، بجان بیماران دیالیزی
آقای درخشانی شهروند مطرح کننده این گلایه است. همین پیام چند خطی اما در آرزو این شهروند. سبب می شود تا در گفت و گویی اختصاصی مشکل را جدی تر واکاوی کنیم. این شهروند در پاسخ به سؤال ما مبنی بر چرایی این موضوع و مشکلات بیماران دیالیزی برای بی برقی، می گوید: مادر همسرم سال ها است که دیالیز می شود. درمانگاه شبانه روزی طبرسی واقع در بولوار طبرسی شمالی یکی از درمانگاه های مجهزی است که بخش دیالیز دارد و تعداد زیادی از بیماران کلیوی را برای دیالیز پذیرش می کند. کادر پرستاری و حمایتی این درمانگاه عالی است. اما این روزها همه بیماران دیالیزی این درمانگاه اسیر بی برقی شده اند. او ادامه می دهد: برای بیماران به منظور انجام دیالیز روز و ساعت تعریف شده است. خودروبی که از طرف بنیاد بیماری های خاص تعریف شده نیز در همان ساعت و روز تعیین شده به دنبال بیمار می رود و وی را برای انجام عملیات دیالیز به درمانگاه می رساند.

درد دیالیز، رنج بی برقی

این شهروند تأکید دارد: مادر همسر من روزهای فرد ساعت ۸ برای دیالیز باید به درمانگاه مراجعه کند. در این روزها تقریباً هر بار که مراجعه می کند هنوز نیم ساعتی از شروع دیالیز نگذشته که برق قطع می شود. با این شرایط باید حدود یک ساعت منتظر بماند. او در ادامه بیان می کند: سؤال ما این است که مگر نباید درمانگاه ها و بیمارستان ها خارج از فهرست قطعی برق باشند؟ یا اگر قرار می گیرند مگر نباید برق اضطراری داشته باشند؟ سؤال دیگرمان این است که بیماران دیالیزی باید خونشان با دستگاه تصفیه شود در غیر این صورت ریه هایشان اذیت می شود و در کمترین حالت تنگی نفس به سراغشان می آید. مادر همسر من در تمامی این روزهایی که گرفتار بی برقی شده اند کار درمان و دیالیز نصفه نیمه انجام و دچار عوارض زیادی شده است. این شهروند ادامه می دهد: از طرف دیگر بیماران نمی توانند درخواست کنند دیالیزی ها در این درمانگاه شیفته هستند و بعد از بازه زمانی برای یک بیمار، نوبت بیمار دیگری است. مسئولان برای این دست بیماران فکری بکنند و واقعاً یک بیمار دیالیزی که در خونش سم وجود دارد چگونه ممکن است این شرایط را تحمل کند.

برق اضطراری داریم، اما وقفه دارد

برای پیگیری موضوع با بخش دیالیز درمانگاه شبانه روزی طبرسی ارتباط می گیریم. خانم قانع، سرپرستار بخش دیالیز این درمانگاه در پاسخ به این سؤال که چرا باید در یک مرکز درمانی آن هم برای بخش دیالیز برق اضطراری وجود نداشته باشد؟ می گوید: درمانگاه برق اضطراری دارد. اما با هر بار قطع شدن و وصل شدن جریان برق اصلی شبکه شهری، ۵ تا ۱۰ ثانیه طول می کشد تا دستگاه ها به این برق متصل شوند. گاهی نیز خاموشی می شوند. او ادامه می دهد: ما خودمان به شرکت برق مراجعه کردیم و چندین بار خواهش کردیم. توقع داشتیم اگر قرار است قطعی برق اتفاق بیفتد درمانگاه مستثنی شود حال که نمی شود و تصمیم ملی است حداقل ساعت درست و روز منظم قطعی برق اعلام شود. اگر روز و ساعت قطعی برق منظم باشد و به ما اعلام شود حداقل ما هم می توانیم برای ارائه خدمات مطلوب به بیماران برنامه ریزی کنیم.

قطعی های نامنظم

سرپرستار دیالیز این درمانگاه تأکید می کند: قطعی برق در این محدوده دل خواهی شده است. در ابتدا به ما اعلام کردند ساعت قطعی برق ۱۰ تا ۱۰ صبح است ما هم بر اساس این موضوع تعدادی از بیماران را به صبح منتقل کردیم. بیماران هم با هزار

با ما در ارتباط باشید

۳۰۰۰۷۲۸۹

shahraramdorm

شماره اینستاگرام: ۰۹۰۵۴۴۶۵۸۰۶۰

شماره تماس: ۰۹۰۵۴۴۶۵۸۰۶۰

شماره فکس: ۰۹۰۵۴۴۶۵۸۰۶۰

شماره تلگرام: Shahraranews@ Mashhad.ir

شماره پست: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

شماره پستی: ۹۱۳۷۵

ش

روز حساس مشهدی ها در لیگ های فوتسال

لیگ های برتر و دسته اول فوتسال کشور امروز و فردا ایگیری می شود و سه نماینده مشهد در این رقابت ها باید مقابل حریفان به میدان بروند. در لیگ برتر فوتسال فرش آرا در چارچوب هفته نوزدهم این مسابقات میهمان کراپ الوند است و از ساعت ۱۶ امروز به میدان خواهد رفت. شاگردان زرخانلی که با یازده امتیاز قهرتشین جدول هستند، در حالی به دیدار کراپ رده سومی با ۴۱ امتیاز می روند که برای بقا در لیگ به تک تک امتیازات باقی مانده فصل نیازمندند. در سویی دیگر، دور برگشت لیگ دسته اول فوتسال از امروز شروع می شود و طبق برنامه، امروز تیم ۳۷۷ نراچای مشهد در خانه میزبان سیمین کک شاهرود خواهد بود. تیم مشهد در جدول گروه چهارم این رقابت ها با هفت امتیاز در مکان ششم است. دیگر نماینده مشهد در این رقابت ها هم که در گروه سوم قرار دارد، فردا از ساعت ۱۶ در سالن کارگران مشهد میزبان خواهد بود. تیم جنگی با ۱۰ امتیاز در مکان دوم جدول گروهش ایستاده و میهمانش، آرمان زنجان، با هفت امتیاز سوم است.

حضور تیم فوتوالی استان در جام ستارگان کشور

دبیر هیئت ورزش روستایی و بازی های بومی محلی استان از حضور تیم فوتوالی خراسان رضوی در جام ستارگان کشور خبر داد. با اعلام محمدرضا خوش باطن، پنجمین دوره جام ستارگان جوان فوتوالی ایران به میزبانی استان کرمان با حضور تیم شهرداری نقاب جوین، نماینده خراسان رضوی، برگزار خواهد شد. این رقابت ها با حضور ۱۰ تیم از کشور تا بیست و هشتمی در کرمان برگزار خواهد شد. گفتنی است مرحله چهارم اردوی تیم ملی فوتوالی پس از این رقابت ها در کرمان برگزار خواهد شد.

نماینده مشهد در لیگ برتر بسکتبال امروز در نبردی حساس به مصاف آینده سازان می رود

فینال بزرگ پیش روی آسمان ولایت

هفته هجدهم لیگ برتر بسکتبال امروز برگزار می شود و نماینده مشهد در دیداری فینال گونه از ساعت ۱۸ در تهران میهمان آینده سازان این شهر است؛ دیداری که برای هردو تیم حکم مرگ و زندگی را دارد و بازنده به احتمال زیاد سقوط کرده این فصل رقابت ها خواهد بود.



۱۹۸۳
شنبه
۱۶ دی ۱۴۰۳
۲۷ رجب ۱۴۴۴
SHAHRARANEWS.IR



تیم سپهرصدرا با غیبت خود خواسته در دیدار خانگی، حضور پر حاشیه اش در لیگ برتر والیبالی را تمام کرد

پایان زشت یک نمایش زشت!

بازی برگزار نمی شود! «وقتی وارد سالن می شویم، ستاره های میهمان سیرجانی مشغول گرم کردن و توپ زدن هستند. کنار زمین هم کادرفنی آن ها، کادر داوران و مسئولان برگزاری مسابقات همراه سه مرد از تیم سپهرصدرا ایستاده اند.»

● وقتی هواداران می آیند

پس از دقایقی، وقتی برگزار نشدن بازی قطعی می شود، مسئولان مجبور می شوند درهای سالن را باز کنند تا هواداران مشتاق مشهدی به میدان بیایند. در کمتر از چند دقیقه سالن پر می شود. هواداران عصبانی وقتی باورشان می شود آب از سرشان گذشته است و دیگر تیمی در لیگ برتر ندارند، شروع به سردادن شعار می کنند. آن ها با حمله مستقیم به مسئولان ورزش استان، می گفتند: «سپهرصدرا آوردین، آبروی شهر رو بردین» و شاید این قابل انتشارترین شعاری بود که عصر دیروز در فضای غم بار سالن مهران طنین انداز شد.

● خالقی: هیچ کس دست این تیم را نگیرد

رضا خالقی سرمربی سپهرصدرا در چند بازی برگزار شده نیم فصل بود؛ مردی که در کنجی از سالن کز کرده بود و به اتفاقات سالن مهران با دیده تأسف نگاه می کرد. رضا خالقی درباره این اتفاق گفت: ما از یک هفته قبل می دانستیم که اگر امروز مدیران باشگاه و مسئولان ورزش شهر به تعهداتشان عمل نکنند، بازیکنان به میدان نمی روند. صبح

مرتضی اخوان

قطار لیگ برتر والیبالی خیلی زودتر از موعد و در ایستگاه نوزدهم برای نماینده مشهد ایستاد تا سپهرصدرا بی ها سرافکنده و با کارنامه ای غم بار از آن پیاده شوند. سپهرصدرای مشهد در هفته نوزدهم لیگ برتر قرار بود دیروز در سالن مهران میزبان فولاد سیرجان باشد، اما بازیکنان این تیم حاضر به حضور در میدان نشدند. مشهدی ها پیش از این در نیم فصل اول و در هفته هشتم هم مقابل طبیعت به میدان نرفته بودند تا با تکرار این اتفاق، حالا طبق قوانین فدراسیون والیبالی، هم از جدول لیگ کنار گذاشته شوند و هم به دو دسته پایین تر سقوط کنند. جو خاص مهران در بعد از ظهر تلخ والیبالی شهر، سوره این گزارش است که در ادامه از نظر خواهیم گذراند.

● غوغای بیرون خبر می دهد از سر درون!

ساعت ۱۵:۴۵ است. یازده دقیقه تا زمان رسمی آغاز دیدار تیم های سپهرصدرای مشهد و فولاد سیرجان مانده و باید خیل هواداران والیبالی دوست مشهدی در سالن باشند، اما همه پشت درهای بسته مانده اند. یکی از مسئولان امنیت برگزاری مسابقه به یکی از هواداران که جویای علت بسته بودن درهاست، می گوید: «تیم مشهد نیامده است و

او بود. با این حال، علیرضا تاج فیروز درباره اتفاقاتی که منجر به تعطیلی بازی شد، این گونه به شهرآرورزشی توضیح داد: امروز صبح دو نفر به نمایندگی از بازیکنان سپهرصدرا همراه کادرفنی و یکی از مدیران باشگاه به دفتر من آمدند و جلسه ای داشتیم. در این جلسه نمایندگان بازیکنان گفتند اگر همین امروز پولی به حسابشان واریز نشود، حاضر به حضور در زمین نیستند. آدینه، یکی از مدیران تیم، گفت ما به بازیکنان گفتیم یک چک برای تیر و مرداد سال آینده می دهیم، اما گویا بازیکنان قبول نکرده اند. بعد از جلسه من با مجتبی یوسفی که در جلسه بود، تماس گرفتم و گفتم مدیران باشگاه می گویند شما طبق قرارداد فدراسیون آن مبلغ ۸۶ میلیون را دریافت کرده اید و غیبتتان می تواند با شکایت مالک همراه شود و بعدا با محرومیت های جدی فدراسیون مواجه می شوید اما ایشان گفتند با بازیکنان صحبت می کنند. در نهایت خبری نشد و تیم به میدان نرفت. ما به دوستان گفتیم با یکی دو اسپانسر صحبت کرده ایم و قرار است تا یکشنبه خبر دهند. شما این بازی به زمین بروید و اگر تا یکشنبه و دوشنبه خبری نشد، بازی بعدی به میدان نروید، اما قبول نکردند. تاج فیروز در پاسخ به اینکه آیا مسئولیت آوردن سپهرصدرا به والیبالی مشهد را قبول می کند، اظهار کرد: من این اسپانسر را نیاوردم. روزی که آقای حسینی پیش من آمد، اولین بار ایشان را دیدم و او هم سپهرصدرا را معرفی کرد. خیلی ها می گویند چرا بدون راستی آزمایی قبول کردید که این مجموعه وارد ورزش شود!

امروز به اداره کل ورزش و جوانان رفته ام و جلسه ای داشتیم. چند جلسه دیگر هم پیش از این داشتیم، اما هر جا رفتیم، کسی دست تیم ما را نگیرد. الان مطمئنم از ساعت ۶ عصر به بعد آقایان می آیند و تازه دنبال مقصر می گردند. خالقی گفت: امروز با همه توان آمده بودیم تا در برابر تیم مشهد بازی کنیم، اما متأسفانه امکان برگزاری این بازی مهیا نشد و از این بابت ناراحتیم. بهروز عطایی افزود: واقعیت این است که امروز جو آزاردهنده ای در مهران بود و من از اینکه هواداران خون گرم و پرشور مشهدی این قدر ناراحت شدند، دلم گرفت.

● عطایی: وضعیت مهران آزاردهنده بود

سرمربی تیم ملی والیبالی فولاد سیرجان پس از آنکه یک دور کامل با درخواست تماشاچیان در سالن سلفی گرفت، گفت: امروز با همه توان آمده بودیم تا در برابر تیم مشهد بازی کنیم، اما متأسفانه امکان برگزاری این بازی مهیا نشد و از این بابت ناراحتیم. بهروز عطایی افزود: واقعیت این است که امروز جو آزاردهنده ای در مهران بود و من از اینکه هواداران خون گرم و پرشور مشهدی این قدر ناراحت شدند، دلم گرفت.

● تاج فیروز: من این اسپانسر را نیاوردم!

مدیرکل ورزش و جوانان استان یکی از متهمان اصلی اتفاقات اخیر برای والیبالی استان از نظر هواداران اصلی به شکلی که جو سالن بعد از برگزار نشدن بازی بد جور علیه

● بازی های کم گل مشهدی ها

در چرخش چهارم لیگ دسته دوم آزادگان و در گروه دوم، صنعتی الکتریک پنجشنبه، بیست و سوم مهرماه ۱۳۷۷، همراه ۱۵۰۰ تماشاگرش در ورزشگاه سعدآباد میزبان فجر ارومیه بود که با گل دقیقه ۲۷ جاسم شاهرودی بر میهمانش غلبه کرد و با این پیروزی جزو صدرنشینان گروه دوم شد. آن ها نیمه دوم به اداره بازی پرداختند و البته میهمان هم ناتوان تر از آن بود که خطری داشته باشد. نکته ای که درباره صنعتی الکتریک می توان گفت، خاموش شدن موتور گل زنی این تیم با آمدن سیدکاظم غیاثیان بود. محمدعلی فلاحی، مربی سابق این تیم، به شدت به فوتبالی تهاجمی اعتقاد داشت و در بیشتر دیدارها با دو سه مهاجم (یک مهاجم کاذب) تیمش را روانه میدان می کرد، اما غیاثیان تیمش را تک مهاجمه می بست و بیشتر بر استحکام کمر بند میان تیمش تأکید داشت. فلاحی به سائتر از جناحین و استفاده از کناره ها اصرار داشت، اما غیاثیان به شوت از راه دور و زدن به عمق دفاع میانی حریف. در همین چارچوب پیام و آدنیس نیز جمعه، بیست و چهارم مهر، به مصاف حریفانشان رفتند. پیام در کاشان مقابل پرسپولیس این شهر قرار گرفت و آدنیس در زمین شماره ۲ شیروزی تهران با نارنجی پوشان آرات سرشاخ شد که نتیجه هردو دیدار تساوی بدون گل بود. دو تیم مشهدی با بستن بازی و انجام بازی تدافعی، باعث خشم تماشاگران شدند و البته از فحاشی هم بی نصیب نماندند، به ویژه در کاشان که ظرفیت ورزشگاه هم تکمیل بود و تماشاگران جو وحشتناکی ایجاد کرده بودند.

● صنعتی الکتریک انتقام پیام را گرفت

در پیکارهای هفته پنجم که پنجشنبه، ۳۱ مهر ۱۳۷۷

برگزار شد، آدنیس مقابل میزبانش، بهپاک بهشهر، به تساوی بدون گل دست یافت تا با هشت امتیاز در رتبه سوم قرار بگیرد. آبی پوشان مشهدی با هدایت حسین گازرانی و علی سیف در این بازی هم کاملاً تدافعی بازی کردند و همین باعث شد تماشاگران بهشهری در پایان بازی با انواع و اقسام بطری و میوه و... آن ها را بدرقه کنند. در این بازی جواد قزوینی، دروازه بان آدنیس، بیشترین وقت ممکن را کشت و البته بیشتر از همه هم توسط تماشاگران نوازش شد. در این هفته پیام مقاومت در مشهد با گل های فزاد سادگی (۱۳)، مجید حسینی پور (۲۵) و مرتضی بزرگی زر (۶۹) از سد استقلال شهرداری رشت با مربیگری فرهاد کاظمی گذشت و با هشت امتیاز به رتبه سوم رسید. رشتی ها که توقع این شکست سنگین را نداشتند، با اعتراض به داوری و وضعیت میزبانی، سعی در توجیه شکستشان داشتند. اما بهترین نتیجه این هفته را صنعتی الکتریک کسب کرد. آن ها در حالی که تا دقیقه ۸۶ مغلوب میزبان قهرمانیشان، نوشا شهرداری اردبیل بودند، موفق شدند در هوایی سرد با دو گل محمد محمدزاده در دقایق ۸۶ و ۹۰ به برتری برسند و با ۹ امتیاز در جایگاه دوم گروه دوم بنشینند. اعتراض تماشاگران میزبان باعث شد مشهدی ها با بد خالت نیروی انتظامی، اردبیل را ترک کنند و تا گردنه حیران اتوبوسشان تحت الحفظ باشد. اعتراض میزبان به گل دوم بود که اعتقاد به خطا داشتن و البته داور را نیز بد جور به خاطر آن نوازش کردند. بعد از بازگشت به مشهد، در جلسه محرمانه ای در رستوران شوروزی، رضا محمدی، سرپرست پیام، به دیدار سیدکاظم غیاثیان رفت تا او رضایت مدیران تیمش را بگیرد؛ امری که فلاحی رفت تا او رضایت مدیران تیمش را بگیرد. امری که به سادگی محقق شد تا غیاثیان روانه پیام شود.

تاریخ نگاری حضور تیم های مشهدی در مسابقات فوتبال باشگاهی کشور / سال ۱۳۷۷ / قسمت پانزدهم

پیام هم پول داد هم باخت!



حسین نغی شریفی در مرور رقابت های لیگ دسته دوم، جایی که سه نماینده مشهد به نام های پیام، آدنیس و صنعتی الکتریک حضور داشتند، به چگونگی برگزاری لیگ منطقه ای، آماده سازی و نتایج دو هفته ابتدایی نمایندگان خراسان پرداختیم. در این شماره رقابت های هفته سوم تا پنجم و اتفاقاتی پشت پرده را نشانه رفته ایم.

● پیروزی پیام در شهرآورد مشهد در سومین هفته و با حضور ۴ هزار نفر، شهرآورد پیام و صنعتی الکتریک ۲بر۱ به سود پیامی ها خاتمه یافت. نیمه اول بازی سرد و بی هیجان بود و جنب و جوش سکو ها بیشتر از داخل زمین بود؛ به ویژه که طرف داران ایومسلم

وقتی رسیدم، خانه آتش گرفته بود

یکی از شاهدان این پرونده پسر مقتول بوده که در یکی از شب های تابستان با همسرش زمانی به خانه پدرش می رودکه متوجه آتش خانه می شوند. این مرد جوان به عنوان شاهد در بازسازی صحنه جرم حضور داشت و در پاسخ به مقام قضایی گفت: من هر روز به پدرم سر می زدم؛ در این میان سه روز بیمار شدم و در باغ بودم. شب که بیرون آمدم گفتم بروم از پدرم سر بزنم. زنگ زد م گفتم: «سلام بابا، چطور ی و کجایی؟» گفت که به خانه دیگرش رفته است و ناگهان بلندگفت «آخ» وگوشی قطع شد. ساعت نزدیک ۱۰ شب بود. دوباره زنگ زد م. گوش ی زنگ می خورد. اما جواب نمی داد. وضعیتم مناسب نبود. خودم را به خانه رساندم. دو سه مرتبه دیگر نیز چنین اتفاقی برای بابا افتاده بود که گوش ی اش خراب شده بود. حالم مساعد نبود و مجبور بودم در خانه بمانم. در همین لحظات خانمم با بچه ها به خانه آمدند و موضوع راگفتم و بعد با همسر به سمت خانه پدرم رفتم. شماره این خانم (همسر پدر)، رانداشتم و شماره او را از همسرم گرفتم و زنگ زد م که گوش ی اش دردسترس نبود. همین طوره که داشتم می آمدم، این خانم زنگ زد که جواب دادم و گفتم: زحمت نکش. من خودم پنج دقیقه دیگه خانه بایاهستم.

مرد جوان ادامه داد: وقتی آمدم، هر چه در زدم، جواب نداد. در را بازکردم و دیدم که دود از پنجره طبقه بالا بیرون می آید. از پله ها بالا دویدم که متوجه آتش سوزی شدم. بالگد در را شکستم که دود زیادی خارج شد. بعد ما دویدیم داخل. بوی گاز می آمد. آشپزخانه آتش گرفته بود و پدرم در اتاق خواب روی تخت بوده که همسر رفت بالای سرش. دو مشعل اجاق گاز بدون اینکه روشن باشد، تا آخر باز بود و گاز زیادی توی خانه درگرددش بود. سماور هم روشن بود و می جوشید. فرش کف آشپزخانه آتش گرفته بود که من آب سماور را ریختم روی آتش و خاموشش کردم و شیرگاز را بستم. گوش ی تلفن همراه پدرم توی پذیرایی شکسته و افتاده بود. بعد رفتم داخل اتاق خواب که دیدم بابا دست و پایش قفل شده است و می لرزید. او را بردیم درون حیاط و زنگ زدیم. اورژانس که ۱۰ دقیقه بعد آمدند. امدادگران گفتند او زودتر کرده است. من همان جا وقتی دیدم پدرم دندان مصنوعی اش را بیرون آورده، چون سابقه نداشت، مشکوک شدم. اما آن قدر سردرگم بودم که به درستی متوجه نمی شدم.

فرزند مقتول درباره سرفت از خانه که یکی از بخش های این پرونده جنایی بود، بیان کرد: بابای من عاشق پول نقد بود و همیشه در خانه پول نگه می داشت. مقداری طلا هم داشت. مطمئنم که مقداری پول و طلا داشته، اما دیگر نیست.

من را وادار به همکاری کرد

یکی از متهمان این پرونده، «علی اصغر»، معروف به «اصغر» است. همسر این پیرمرد سال ها همسر موقت اصغر بوده است و پس از جدایی از او با پیرمرد ازدواج کرده است. بعد از این ازدواج آن ها برای قتل پیرمرد نقشه کشیده و دو مرد جوان را اجیر می کنند تا کمک پیرمرد را بکنند. اصغر در برابر دوربین قوه قضائیه به تمام اقداماتش اعتراف کرد.

- چطور شد که این تصمیم را گرفتید؟

این خانم (همسر مقتول) هفت هشت سال قبل صیغه من بود. اوایل امسال بوده که گفت می خواهد ازدواج کند و دیگر از من جدا شد. من بعد از آن به مسافرت رفتم، وقتی برگشتم، دوباره این خانم با من تماس گرفت و گفت: «می خواهم ببینمت». گفت ازدواج کرده و همسرش را دوست ندارد و می خواهد جدا شود. گفتم خب جدا شو کهگفت: «حقوقم را چه کار کنم؟ من قبلا ز شوهر قبلی ما حقوق داشتم که قطع شده، حالا بدون پول چه کار کنم؟» گفتم: «برو خیاطی کن». اما قبول نکرد و بعد آمد روی اعصاب و گفت: «بیا یک داستانی برای پیرمرد درست کنیم که بیاید توی خانه و من می توانم یک سری کارها را بکنم و داروهایش را جابه جا کنم تا تمام شود و حقوقش به من برسد. بعد مهریه وارث و میراثم را می گیرم». داستان از اینجا شروع شد و بعد به من گفت: «کسی را نداری؟» اول موافقت نکردم و این قدر گفت تا اینکه محمد (یکی از متهمان) را معرفی کردم. اول قرار شد تصادف درست کنند، اما گفتند گفت: «من چون گواهی نامه ندارم و موتورم مسفطی است، موتور را از دست می دهم». بعد خود خانم پیشنهاد داد: «وارد خانه شوید. من نگاهش می دارم و شربت متادون به دیدم بخورد. از حال که رفت و کار به بیمارستان کشید، وقتی به خانه بیاورند، من خودم می دانم چکنیم». شب اول خواستند بیایند داخل خانه که گفتند: «دیوار بلند است و نمی شود». بعد خود این خانم پیشنهاد داد که «من با دخترم می رویم درون خانه، بعد خبر می دهم و در را باز می کنم، بیایید داخل». بعد آن شب که در را باز کرد، این دو نفر آمدند داخل خانه.

- چه کسی آن دو نفر را تا اینجا آورد؟

خودم با پرایدم آوردم. آن ها را از مهرآباد سوار کردم و سرکوچه پیاده شان کردم. از در آمدند داخل. چون نیم ساعت زمان می برد و من برای اینکه تابلو نشوم، برگشتم مهرآباد. همین که رسیدم مهرآباد، خانم به من زنگ زد که پسر مشکوک شده و دارد می آید خانه.

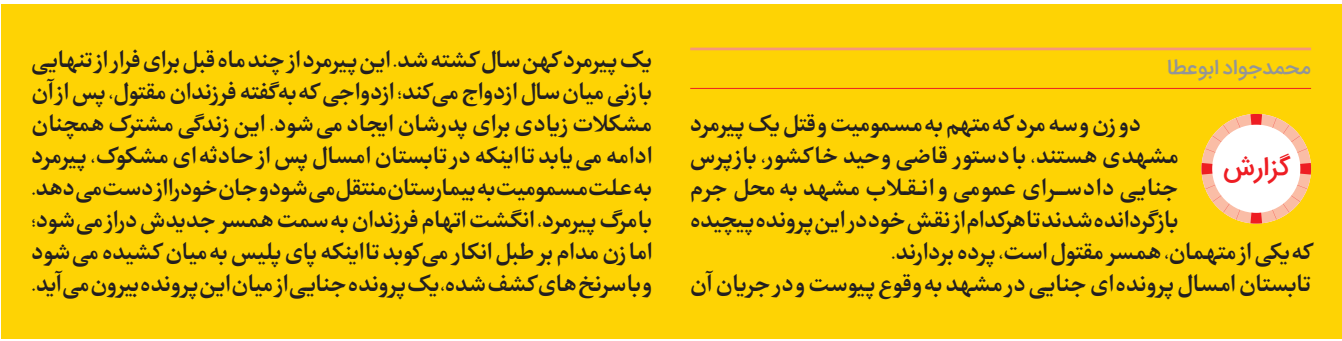
- متادون را از کجا آوردید؟
- قیلش خریده بودیم. زهره به من پول داد و خریدم. نصفش دست خودش بود و نصفش را توی شیشه آب معدنی ریختم و گذاشت توی خانه و گفت: «شاید نشود توی خانه بهش بدهم». محمد و سعیده آمدند داخل. متادون را به او خوردانند. بعد همین خانم زنگ زد و گفت: «پسر دارم می آید و به بچه ها بگو سریع بیایند بیرون و قیلش یک موکت درون آشپزخانه را آتش بزنند و شیرگاز را هم باز بگذارند تا خانه منفجر شود و آثار جرم نماند». درباره گوش ی هم گفت که جشش کنید. من برگشتم و سرکوچه سوارشان کردم و از اینجا بردم.
- قضیه شیره ها چه بوده؟

خانم گفت: «درون خانه شیره است که پیرمرد از پری خریده است، اگر پیدا نکردید بهش بگویید شیره هایی که از پری خریده ای کجاست؟» من این حرف را انتقال دادم و نگفت مقدارش چقدر است. بچه ها گفتند یک نخود شیره پای تخت پیدا کرده اند و انداخته اند توی حلقش.



اعترافات تکان دهنده ۵متهم به قتل که با مسمومیت یک پیرمرد، زمینه مرگ او را مهیا کردند

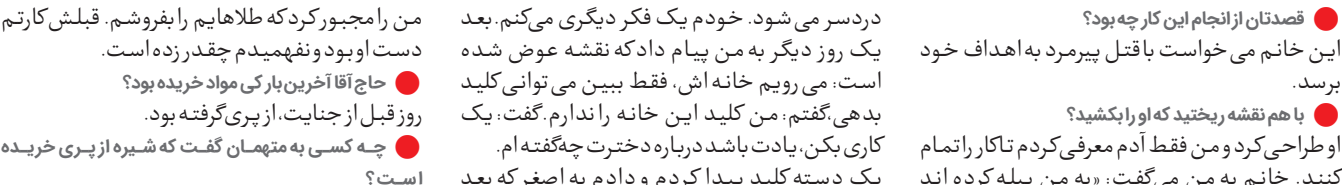
دسیسه پیچیده برای قتل پیرمرد!



محمد جواد ابوعلی

دو وزن و سه مرد که متهم به مسمومیت و قتل یک پیرمرد مشهدی هستند. با دستور قاضی وحید خاکشور، بازپرس جنایی دادسرای عمومی و انقلاب مشهد به محل جرم بازگردانده شدند تا هر کدام از نقش خود در این پرونده پیچیده که یکی از متهمان، همسر مقتول است، پرده بردارند.

تابستان امسال پرونده‌ای جنایی در مشهد به وقوع پیوست و در جریان آن



دردسر می شود. خودم یک فکر دیگری می کنم، بعد یک روز دیگر به من پیام داد که نقشه عوض شده است؛ می رویم خانه اش، فقط ببین می توانی کلید بدهی گفتن. من کلید این خانه را ندارم. گفت: یک کاری بکن، یادت باشد درباره دخترت چه گفته ام. یک دسته کلید پیدا کردم و دادم به اصغر که بعد گفت: به در نخورده است. بعد حاج آقا (مقتول) به من گفت می خواهد به سروروی طبقه پایین دستی بکشد و اجاره بدهد. وقتی حاج آقا این جور ی گفت، علی اصغر گفت: پس حالا که این طوری است، خودت باید بروی در را باز کنی تا آن دو نفر که به یکی از آن ها مثل می گفتند، بیایند داخل و تو فقط باید در را باز کنی. همان شب به حاج آقا گفتم، دخترم در آرایشگاه با صاحب کارش دعوا کرده، می روم ببینم چه شده و دختر بزرگم اسباب کشی دارد، یک سر می زنم و برمی گردم. رفتم و دو دختر کوچکم را برداشتم و آمدم بعد با حاج آقا رفتم طبقه پایین و یک دوری زدیم و آنجا را دیدیم و گفت: «می خواهم رنگ بزنم و تا آخر هفته اجاره اش بدهم». بعد آمدم طبقه بالا و مستقیم رفتم داخل اتاق و سرپال نگاه کردیم. اصغر مدام زنگ می زد که رد می دادم. به زهر اگفتم: ببین این میز ام چه می گوید، زهر ا گوش ی را برد و برگشت و گفت: «من حرف نزنم، فقط گفته است که در ا دو دقیقه بعد بازکن، ولی من نمی روم. از اصغر خوشم نمی آید و چندشم می شود». اصغر به من گفت: «اگر امشب در را باز کنی، خودت و دخترت را در ماشین آتش می زنم. بنزین هم خریده ام». زهر رفت در را باز کرد و برگشت. بعد من و زهر ا رفتم و حاج آقا تا نصفه کوچه نیز آمد.گفتم: برو خانه، مواظب خودت باش و شب بند را انداخت و رفت داخل. اصغر به من زنگ زد و پرسید: «از خانه آمدی بیرون؟» که جوابش را دادم و دیگر هیچ کس را ندیدم. ما بعد هم راهم را کشیدم و رفتم خانه دخترم که دیدم پسرش زنگ زد و پرسید: شما کجایید؟گفتم: آمده ام خانه دخترم. از دیروز خانه دخترم هستم. گفت: به بابا زنگ می زنم و جواب نمی دهد.گفتم: دوباره زنگ بزن. خودم هم زنگ زد م و دیدم جواب نداد. بعد پسرش دوباره به من زنگ زد و گفت: شما نبودید بابا می خواسته غذا درست کند. خانه را آتش زده، به اصغر زنگ زد م و پرسیدم: مگر شما خانه را آتش زده اید؟ که جواب منفی داد و بعد گفت که قصدمان آتش سوزی خانه بوده است. نیم ساعت بعد دوباره پسرش زنگ زد و گفت: «خوب شد؟ بابا حالش خوب نیست، بابا را داریم می بریم بیمارستان». من باوانت دادام و دختر کوچکم رفتم بیمارستان.

- متادون را از کجا تهیه کردید؟
- من صبح می رفتم سر کار و شب می آمدم خانه، نمی دانم. اصغر خریده بود.
- از کجا می دانستید با متادون می میرد؟
- نمی دانستم، اصلا قرار مر دمنش نبود و قرار بود مسموم بشود و حادثه ایجاد شود.
- چه چه بشود؟
- نمی دانم. من برنامه قتل نداشتم.
- پس چطور می خواستی به مهریه وارثه برسی؟
- من سهمم را بخشیدم خودم.
- شما برنامه قتلش را داشتی؟
- اره، می خواست قتل بشود.
- می خواستید بمیرد که چه بشود؟
- من از خانه آن ها بیایم بیرون و اصغر دوباره با من ازدواج کند. من از حق و حقوقم گذشته بودم.
- به آن دو نفر چقدر پول دادی؟
- یک ۱۷ میلیون تومان، بعدش پرداخت کردیم و اصغر و

و پایین را نشان داد و گفت: «از صبح در این خانه مشغول کار بوده ام و خسته شده ام». به او گفتم که بیا برویم بالا بنشینیم. کمی توی اتاق نشستیم، حاج آقا گفت: «بگذارید میوه بیاورم». گفتم بگذارید من بیاورم که اجازه نداد. نشستیم و میوه آورد؛ ولی جای نخوردیم. من زیاد چیزی نخوردم. همان جا ام. مادرم گفت که برو در را بازکن. گفتم من پشیمان شده ام، ولش کن و در را باز نکن. بگذار پشت در بماند. مادرم گفت: «نه برو فقط در را بازکن». من رفتم و در را بازکردم و دیدم که دو نفر آمدند داخل. تار یک بود. صورتشان را پوشیده بودند. همین که وارد شدند، من صورتم را کردم طرف دیگر و آمدم پشت در بالا ایستادم و آن ها رفتند بالای سرویس پله. من در را بازکردم و آمدم خانه. حالم بد شده بود، به مادرم می گفتم که برویم، من استرس دارم. رفتم پایین رفتم توی حیاط ایستادم و حاج آقا آمد جلوی در و رفتم. حاج آقا تا وسط کوچه آمد و ما رفتم خانه خواهرم. یادم نمی آید که دقیقا کجا بودیم که اصغر زنگ زد که پسرهای پیرمرد زنگ می زنند، چکار کنیم که مادرم گفت محل ندهید. ما خانه خواهرم بودیم که امیر زنگ زده بود. نیم ساعت بعد زنگ زد و گفت: «خیالت جمع شد؟ بابام رو کشتی و خانه آتش گرفته است». پنج دقیقه بعد زنگ زدند و ما رفتم بیمارستان.

- قبل از ماجرا، مادرتان تحت فشار بود؟

من چیزی ندیدم، ولی این آقا (اشاره به اصغر) مریض هستند و قبلا که خانه مان جای دیگری بود، مدام می رفت و می آمد و ما را زیر نظر داشت.

من فقط پیرمرد را نگه داشتم

سعید، یکی از متهمان اصلی این پرونده است. او با رفیقش شبانه وارد خانه پیرمرد می شوند و او را وارد به خوردن متادون و شیره تریاک می کنند و پس از آتش زدن خانه از محل می گریزند. او نیز صحنه جرم را بازسازی کرد و به پرسش های قاضی خاکشور پاسخ داد.

- توضیح بده اینجا چه اتفاق هایی افتاد؟

شب اول آمدم گفتند نمی شود بیایید داخل خانه بروید. شب دوم اصغر گفت که با خانم هماهنگ کرده است که برویم داخل خانه. آمدم و درون کوچه ایستادیم و اصغر هماهنگ کرد که دخترش در را باز کند. دختر در را باز کرد و آمد بالا و جلوی در ایستاد. اصغر گفت: «بروید بالا بایستید تا خانم و دختر بروند». چند لحظه ای بودیم که آن ها رفتند و پیرمرد تا وسط پله آمد و گوش ی زنگ خورد و برگشت بالا و داشت با گوش ی صحبت می کرد.

- با هم آمدید داخل؟

اول محمد آمد و بعد از دو دقیقه من آمدم. از پنجره نگاه می کردم خانم و دختر بروند. وقتی وارد شدید هم پیرمرد داشت با گوش ی صحبت می کرد. گوش ی را محمد گرفت و من پیرمرد را از بغل گرفتم. تا آمد حرف بزند، محمد دهنش را گرفت که دندانش بیرون آمد و محمد آن را گذاشت کنار تخت. بعد محمد قوطی متادون را خالی کرد درون دهانش. قیلش گفته بودند شیره هم دارد. پایین تخت پلاستیک کوچکی بود و جمع کردیم. اندازه یک نخود شد و آن راهم محمد به خوردش داد. من فقط نگه داشتم بودم.ش. بعد محمدگشت دنبال لوازم: یک دریل و یک دیجیتال برداشت. اینجا کلا حال پیرمرد خوب نبود، بعد که محمد داشت می کشید، اصغر به من زنگ زد و گفتم که یک نفر مدام به گوش ی پیرمرد زنگ می زد که اصغر گفت: «برو داخل آشپزخانه گوشه فرش را آتش بزن و گوش ی را بده به محمد، که گوش ی را به محمد داد و رفتم آشپزخانه. بعد محمد گفت که «پسرش دارد می آید». پیرمرد را خوابانیدم و داخل آشپزخانه گوشه فرش را آتش زدم و محمد آمد و گفت برویم که گوش ی پیرمرد را بپرت کرد طرف این. بعد کیسه باز کنید که دو شمله را باز کردم، اما به سماور دست نذیدیم. محمد عقب بود و من پشت سرش بودم. در بالا را باز گذاشتم؛ ولی در پایین را بستیم.

- چقدر پول گرفتید؟

همه را به محمد داد. کلا گفته بود ۲۷ میلیون زده است که نصف کردیم.

- چقدر پول گرفتید؟

همه را به محمد داد. کلا گفته بود ۲۷ میلیون زده است که نصف کردیم.

من متادون را به پیرمرد دادم

محمد، معروف به «ممل»، فردی بوده که کار اصلی یعنی خوردن متادون به پیرمرد را انجام داده است. او نیز پس از بازسازی صحنه قتل به پرسش های مقام قضایی پاسخ داد.

- توضیح بده چه کار کردید؟

دو هفته قبل اصغر آمد و داخل ماشین نشستیم و گفت می خواهد پیرمرد را مسموم کند و تمام برنامه ریزی ها را خود مان می کنیم؛ حتی روی بلندگو گذاشت و با خانم صحبت کرد و خانم گفت: «خودم همه کارها را می کنم و خودم بهتان می گویم کی بیایید و چه کار کنید». بعد از دو هفته اصغر آمد جای ما و گفت که فقط باید مسمومش کنید و خود می شنیده بود. اما به پیرمرد که در بیمارستان کارش رایکسر می کنند. آمدم اینجا و نتوانستیم از بالای در برویم. گفت فرداش بیایید، فرداش یک دختری در را باز کرد که حتی چهره اش را ندیدیم. آمدم بالا و روی پله ها ایستادم. صدای آن ها را که شنیدیم، یک پله پایین تر آمدم و پیرمرد برگشت داخل خانه. مادر و دختر که در راستند، اول من آمدم داخل و بعد از دو دقیقه سعید آمد. پیرمرد داخل اتاق بود و با تلفن صحبت می کرد. صحبتش که تمام شد و آمد قطع کند. من تلفن را گرفت و سعید وارد بغل گرفت. من از جلو آمدم و گفتم ببین شربت را بخور. یاد ستم دهانش را گرفتیم و گفتم: «باید این شربت را بخوری». اینجا دندانش بیرون آمد. گفتم دندانن را در بیآور که درآورده و انداختم لبه تخت. بعد شربت را به او دادم خورد. اصغر گفته بود که شیره هم خریده. آن ها را پیدا کنید. یک نخود پخش شده بود و آن راهم دادم خورد. گوش ی سعید زنگ خورد و رفت توی آن اتاق و برگشت و گفت اصغر باتو کار دارد. اصغر به من گفت: «پسرش دارد می آید، زودتر از خانه خارج شوید. گوش ی را می چت کن». پیرمرد را دراز کشاندم و گوش ی را انداختم روی این؛ ولی نشکستم. سعید گوشه فرش را آتش زد و از خانه رفتم بیرون. یک دستگاه دیجیتال، یک دریل، یک سینی و لیوان استیل و کمی سیم برداشتم و توی کیسه برنجی ریختم. سعید شیر گاز را باز گذاشت و رفتم پیش اصغر که منتظر مان بود.

عکس شهروان

افزایش ملموس قیمت لبنیات در بازار

بازار

با وجود اینکه سخنگوی انجمن صنایع لبنی افزایش قیمت محصولات لبنی در روزهای اخیر را رد کرده است، اما این موضوع در سفره مردم لمس شدنی است و با مراجعه به فروشگاه‌ها این افزایش قیمت‌ها مشاهده می‌شود. به گزارش شهرآرآنوز، با وجود اینکه قیمت محصولات لبنی امسال یک مرتبه افزایش یافته است، اما در روزهای اخیر شاهد

تغییرات در نرخ این محصولات هستیم. این درحالی است که با وجود پیگیری‌های انجام شده از سازمان حمایت و وزارت جهاد کشاورزی، تا لحظه تنظیم خبر حاضر به اظهار نظر در این باره نشده‌اند. گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد که خامه ۱۰۰ گرمی که در تابستان امسال ۱۶ هزار و پانصد تومان تا ۱۹ هزار تومان

بود، اکنون به قیمت ۲۶ هزار و ۵۰۰ تومان تا ۲۷ هزار تومان به فروش می‌رسد. قیمت شیرموز و شیرکاکائو پاکتی کوچک نیز در روزهای اخیر افزایش یافته و از ۱۵ هزار تومان به ۱۸ هزار تومان رسیده است و قیمت شیر پاکتی کوچک گاومیش از ۱۷ هزار تومان به ۱۹.۵ هزار تومان رسیده است. شیرکاکائو بطری کوچک که تا اواسط دی ماه به قیمت



مشهد، محور توسعه تجارت ایران و تاجیکستان

به بهانه سفر رئیس‌جمهور به تاجیکستان، شهرآرا ظرفیت‌های این کشور در مرادوات اقتصادی با خراسان رضوی را بررسی می‌کند

گزارش خبری



تاجیکستان، اولین مقصد رئیس‌جمهور به کشورهای حوزه اوراسیاست. سفر دکتر مسعود پزیشکیان روز چهارشنبه آغاز شد و یکی از ویژگی‌های آن، همراهی یک هیئت بزرگ تجاری با رئیس‌جمهور است. همین موضوع بهانه‌ای برای نوشتن این گزارش درباره ظرفیت‌های اقتصادی این کشور به‌ویژه برای خراسان رضوی شد.

استان مازنی کلیدی در تجارت ایران با تاجیکستان ایفا می‌کند. چرا؟ برخی دلایل از جمله اشتراکات فرهنگی و زبانی به دلیل مجاورت با کشورهای آسیای میانه را می‌توان به همه کشور تعمیم داد. اما جایگاه جغرافیایی خراسان رضوی، موقعیت این استان را در ارتباط با کشورهای آسیای میانه از جمله تاجیکستان، ویژه کرده است.

خراسان رضوی ظرفیت‌های متعددی برای برقراری مرادوات اقتصادی با تاجیکستان دارد. به‌ویژه مشهد با امکانات پیشرفته پزشکی و حضور گردشگران متعدد از تاجیکستان، ظرفیت چشمگیری در حوزه گردشگری سلامت دارد. این زمینه می‌تواند روابط اقتصادی دو کشور را فراتر از تجارت سنتی گسترش دهد.

همچنین این استان با تولید محصولات متنوع صنعتی و کشاورزی، از جمله مواد غذایی، مصالح ساختمانی و تجهیزات صنعتی، ظرفیت تأمین نیازهای بازار تاجیکستان را دارد. همچنین تاجیکستان می‌تواند مواد اولیه‌ای چون پنبه و میوه‌های خاص را برای صنایع تبدیلی در خراسان رضوی تأمین کند.

بنابراین به‌واسطه موقعیت جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی خاص خود، نه‌تنها نقش محوری در تجارت با تاجیکستان ایفا می‌کند، بلکه می‌تواند الگویی برای گسترش روابط اقتصادی ایران با کشورهای آسیای میانه باشد. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های این استان و تقویت دیپلماسی اقتصادی می‌تواند سهم خراسان رضوی را در تعاملات منطقه‌ای به‌طور چشمگیری افزایش دهد.

تاجیکستان، یکی از کشورهای عضو کوودر همسایگی چند کشور مهم آسیایی قرار دارد. این کشور از جنوب به افغانستان، از شرق به چین، از غرب به ازبکستان و از شمال به قرقیزستان هم‌جوار است. باتوجه به این موقعیت، فعالان اقتصادی تاجیکستان را دروازه‌ای به آسیای میانه می‌دانند.

باتوجه به اینکه خراسان رضوی به‌عنوان دروازه شمال شرقی ایران، مسیر مهمی برای دسترسی به کشورهای آسیای میانه از جمله تاجیکستان به شمار می‌آید. موقعیت جغرافیایی این استان امکان دسترسی به بازارهای منطقه را از طریق کریدورهای ریلی و جاده‌ای فراهم می‌کند. بر این اساس مشهد، با بهره‌گیری از شبکه حمل‌ونقل پیشرفته، از جمله راه‌آهن و مسیرهای جاده‌ای به‌عنوان مرکز مهم ترانزیتی در تجارت با تاجیکستان است. بنابراین پروژه‌های توسعه‌ای در بخش زیرساخت‌ها می‌تواند این نقش را تقویت کند که باید به آن نگاه ویژه ملی داشت.

۷۸ درصد سهم استان از صادرات به تاجیکستان صادرات کشور در ۹ ماه امسال به تاجیکستان حدود ۲۰۳ میلیون دلار بوده است. کالاهای صادراتی به این مقصد بیشتر کالاهای معدنی، فلزی، شیمیایی، صنایع غذایی و بسته‌بندی هستند. نکته مهم اینکه حدود ۷۸ درصد صادرات به تاجیکستان، یعنی حدود ۱۵۸ میلیون و ۴۷ هزار دلار از سه مرتز لطف‌آباد، مشهد و منطقه آزاد اقتصادی سرخس در خراسان رضوی بوده است.

سهم صادرات به این کشور نسبت به مجموع صادرات استان نیز درخور توجه است. بر این اساس حدود ۱۰ درصد ارزش دلاری کل صادرات استان به تاجیکستان بوده است. در آن سوی تراز تجاری، میزان کل واردات از تاجیکستان به ایران بیش از ۵۸ میلیون دلار بوده که بیش از ۴۸ میلیون دلار آن از مرزهای خراسان رضوی انجام شده است.

هدف‌گذاری برای مبادلات تجاری ۷۰۰ میلیون دلار رئیس‌اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی خراسان رضوی، با تأکید بر اهمیت گسترش روابط اقتصادی ایران و تاجیکستان، تاجیکستان، به‌عنوان یکی از همسایگان فرهنگی و تاریخی ایران و از کشورهای فارسی‌زبان آسیای میانه، ظرفیت‌های منحصر به فردی برای توسعه همکاری‌های تجاری و اقتصادی با کشورمان دارد. او گفت: وجود اشتراکات عمیق زبانی، دینی و فرهنگی بین دو ملت و همچنین موقعیت جغرافیایی ویژه تاجیکستان به‌عنوان پلی میان ایران و بازار آسیای میانه، فرصت‌های

ارزشمندی برای تقویت این تعاملات فراهم کرده است. بر این اساس توسعه مسیرهای ترانزیتی به‌ویژه کریدورهای جاده‌ای و ریلی می‌تواند دسترسی به بازارهای منطقه را بهبود بخشد. محمدرضا توکلی‌زاده با اشاره به لزوم بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها افزود: اگر این فرصت‌ها به‌درستی بررسی و برنامه‌ریزی شود، می‌تواند دریچه‌های جدیدی در تعاملات اقتصادی دو طرف باز کند. او گفت: طراحی و اجرای راهبردهای مناسب، نه‌تنها منافع مشترک ایران و تاجیکستان را تأمین می‌کند، بلکه موجب تقویت همکاری‌های دوجانبه بر اساس اشتراکات فرهنگی و تاریخی خواهد شد.

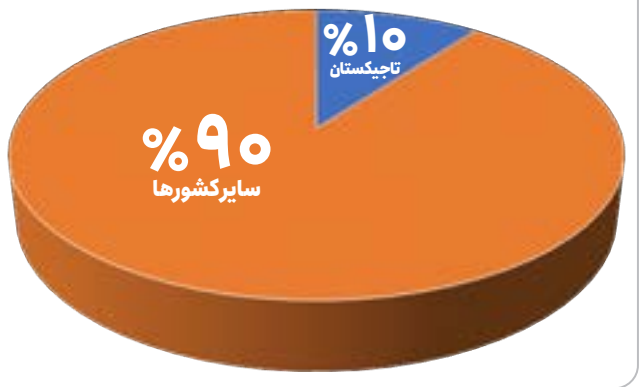
وی با توضیح برخی مزایای تجاری تاجیکستان به مواردی چون هم‌زبانی و فرهنگ مشترک، موقعیت استراتژیک این کشور و نیازهای اقتصادی مکمل آن اشاره و اظهار کرد: زبان فارسی تاجیکی و فرهنگ نزدیک دو کشور، زمینه بسیار خوبی برای توسعه سرمایه‌گذاری و همکاری‌های اقتصادی ایجاد کرده است. به گفته او، این اشتراکات می‌تواند مذاکرات تجاری را ساده‌تر کرده و

اعتماد بیشتری میان فعالان اقتصادی دو کشور به وجود آورد. رئیس‌اتاق بازرگانی استان با اشاره به روند روبه‌رشد مبادلات تجاری ایران و تاجیکستان در سال‌های اخیر، گفت: تبادلات تجاری دو کشور که پنج سال قبل تنها ۵۷ میلیون دلار بود، سال گذشته به حدود ۲۷۰ میلیون دلار رسید. او افزود: هدف‌گذاری جدید برای رسیدن به ۷۰۰ میلیون دلار میان مقامات دو کشور جریان دارد که نشان‌دهنده ظرفیت‌های بالای همکاری اقتصادی موجود است.

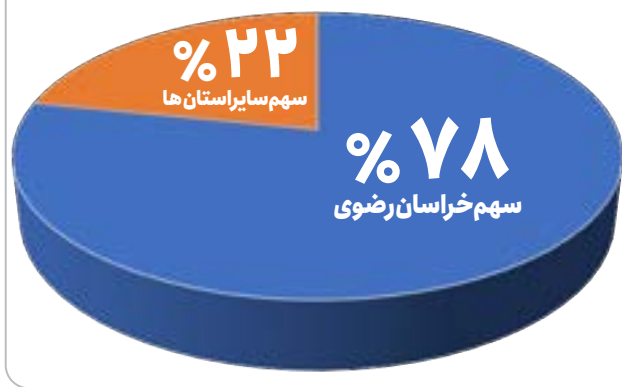
توکل‌زاده درباره اعزام هیئت اقتصادی ایران به تاجیکستان هم توضیح داد: هم‌زمان با سفر رئیس‌جمهوری به این کشور، از ۲۵ تا ۲۷ دی‌ماه، هیئتی اقتصادی از نمایندگان بخش خصوصی ایران به تاجیکستان سفر خواهند کرد. او این سفر را فرصتی بی‌نظیر برای گفت‌وگوهای مستقیم میان فعالان اقتصادی دو کشور دانست و اضافه کرد: این اقدام می‌تواند فصل جدیدی از همکاری‌های راهبردی و تعاملات اقتصادی ایران و تاجیکستان را رقم بزند.

صادرات به تاجیکستان در ۹ ماهه امسال	وزن	ریال	دلار
کشور	۳۳۴۵۴۷۹۷۱	۹۱,۸۳۸,۵۲۶,۳۷۵,۸۹۰	۲,۲۹۳۷۰۶۱
خراسان رضوی	۲۷۵۲۰۶۶۱۲	۷۲,۰۴۷,۷۵۹,۵۵۸,۰۸۰	۱۵۸۶۴۶۶۸۱
سهم استان از صادرات کشور به تاجیکستان	۸۲	۷۸	۷۸
سهم تاجیکستان از مجموع صادرات استان	۱۱	۱۰	۱۰

سهم تاجیکستان از صادرات خراسان رضوی

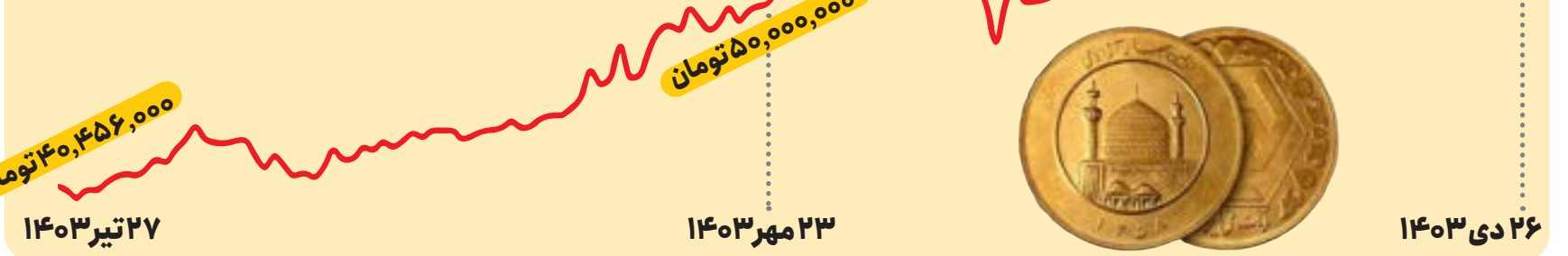


ارزش دلاری صادرات به تاجیکستان



روند افزایش قیمت سکه از تابستان امسال تاکنون

فعالان بازار طلای جهانی، چشم به سرانجام آتش‌بس در غزه دوخته‌اند و معتقدند که عملی شدن آتش‌بس می‌تواند در کاهش قیمت طلا نقش داشته باشد. اما در مقابل، گروهی با اشاره به آتش‌بس در لبنان و بی‌توجهی قیمت‌ها به این اتفاق، معتقدند که این موضوع هم در قیمت‌ها اثرگذار نخواهد بود. از سوی دیگر جزئیات مذاکرات ایران و اروپا در ژنو و همچنین سخنان مسعود پزیشکیان درباره اعلام آمادگی ایران برای مذاکره با غرب، از جمله موضوعاتی هستند که به عقیده تحلیلگران می‌توانند مسیر حرکت بازار را طی دو روز آینده دستخوش تغییر کنند. با این همه، براساس پیگیری اقتصادنیوز از معامله‌گران فنی، قیمت سکه امامی با سطح حمایتی ۵۶ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان روبه‌روست و هرگونه کاهش قیمت از سطح یادشده، باعث اصلاح قیمت‌ها به کانال پایین‌تر خواهد شد. مقاومت کلیدی سکه نیز در سطح ۵۷ میلیون تومان قرار دارد که عبور از آن می‌تواند روند صعودی جدیدی را آغاز کند.



روی خط

اقتصاد

قیمت ارز تابع نرخ تورم است

غیراتلایین اصغر سمیعی، کارشناس بازار ارز، در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه چرا علی‌رغم اینکه دلار به کریدور هفتم بازگشت، دوباره رکورد قیمتی را شکست؟ گفت: قیمت ارز تابع نرخ تورم است. ما یک نرخ تورمی در کشور داریم و یک نرخ تورم در کشورهای صاحب ارزهای معتبر مانند دلار، لایحه باید تفاضل این دو نرخ تورم به قیمت ارز افزوده شود، یعنی وقتی تورم کشور ما بیش از ۴۰ درصد و تورم کشورهای حوزه دلار کمتر از ۴ درصد است، به معنای آن است که سالانه ۳۶ درصد باید به قیمت ارز اضافه شود تا تعادل خود را حفظ کنند. اگر غیر از این باشد به معنای مصنوعی بودن قیمت ارز است، در واقع اگر قیمت ارز بیش از ۳۶ درصد افزایش پیدا کند، نشانه نوعی حباب است و اگر کمتر از ۳۶ درصد افزایش پیدا کند، به معنای این است که فتر نرخ ارز دارد جمع می‌شود.

واگذاری مدیریت مصرف انرژی صنایع به استان

ایرنا مدیرکل صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی با پذیرش همه مشکلات بخش تولید، واگذاری مدیریت مصرف انرژی صنایع در زمان اوج بار و اعمال خاموشی به استان را بهترین راهکار دانست و گفت: طبق رابزنی‌های انجام شده با مسئولان در تهران، هر آنچه سهم صنایع خراسان رضوی از مدیریت مصرف برق است به خود استان واگذار می‌شود. امیررضا رجیبی اظهار کرد: همه انرژی‌ها در این روزها صرف ورودی و خروجی برق و گاز صنایع شده و تمام تلاش ما معطوف به این موضوع شده است که با کمترین ورودی گاز و برق بتوانیم بیشترین خروجی در بخش تولید را داشته باشیم.

کشف تخلف ۷۱۹ میلیارد ریالی یک شرکت حمل‌ونقل

شهرآرا معاون بازرسی و حمایت از مصرف‌کنندگان اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان خراسان رضوی گفت: در راستای بررسی عملکرد یک شرکت حمل‌ونقل کالا در مشهد به دلیل دریافت حق کمیسیون اضافه از رانندگان کامیون‌ها، با موضوع گران‌فروشی بررسی و بیش از ۷۱۹ میلیارد ریال پرونده تخلف این شرکت به تعزیرات حکومتی برای رسیدگی ارسال شده است. علی‌بیانی قله‌زو افزود: حق کمیسیون باربری، هزینه‌ای است که شرکت‌های حمل‌ونقل در ازای انجام خدمات باربری از راننده دریافت می‌کنند که این هزینه براساس نرخ کرایه از راننده دریافت می‌شود.

بورس

دلیل صعود

شاخص بورس



بعد از رشد ۳۰ درصدی و بدون وقفه شاخص کل بورس در بازه دو ماهه اخیر و شروع روند عرضه‌های اولیه، کارشناسان مهم‌ترین دلیل تحولات اخیر بازار را سیاست‌های جدید ارزی قلمداد می‌کنند. به گزارش اقتصادآنلاین، یکی از مهم‌ترین عوامل صعود شاخص بورس، رشد نرخ ارز نیمايي از محدوده ۴۰ هزار تومان در ابتدای سال به محدوده ۶۵ هزار تومان است. با تغییر سیاست‌های ارزی و افزایش نرخ ارز در سامانه نیمايي، درآمد شرکت‌های صادرات‌محور، به‌ویژه در حوزه‌های پتروشیمی و فلزات، به شدت تحت تأثیر قرار گرفته است. شرکت‌های فعال در این حوزه‌ها که بخش مهمی از بازار بورس را تشکیل می‌دهند، از این تغییر سود برده‌اند. افزایش نرخ ارز نیمايي به معنای افزایش ارزش ریالی صادرات آن‌ها و در نتیجه بهبود عملکرد مالی است. این عامل باعث شده است که سرمایه‌گذاران توجه بیشتری به سهام این شرکت‌ها نشان دهند و روند صعودی شاخص کل بورس شکل بگیرد. با تثبیت نرخ ارز در سامانه‌های رسمی و ادامه سیاست‌های حمایتی از صنایع صادرات‌محور، انتظار می‌رود که شاخص کل بورس همچنان به روند صعودی خود ادامه دهد. در عین حال نوسانات نرخ ارز و تغییرات در سیاست‌های اقتصادی می‌تواند مانع رشد بیشتر بازار شوند.



دخل و خرج

پاسخ به سؤالات روابط کار

کارهای سخت و زیان‌آور به چه کارهایی گفته می‌شود؟ کارهای سخت و زیان‌آور کارهایی است که در آن‌ها عوامل فیزیکی، شیمیایی، مکانیکی و بیولوژیکی محیط کار، غیراستاندارد بوده و در اثر اشتغال کارگر، تنش به‌مراتب بالاتر از ظرفیت‌های طبیعی (جسمی و روانی) در وی ایجاد شود. نتیجه آن بیماری شغلی و عوارض ناشی از آن است.

منظور از نوع الف و ب در کارهای سخت و زیان‌آور چیست؟ گروه الف: مشاغلی که صفت سخت و زیان‌آوری با ماهیت شغل وابستگی دارد اما می‌توان با به‌کارگیری تمهیدات بهداشتی، ایمنی و تدابیر مناسب توسط کارفرما سختی و زیان‌آوری آن‌ها را حذف کرد.

گروه ب: مشاغلی که ماهیتاً سخت و زیان‌آور بوده و با به‌کارگیری تمهیدات بهداشتی، ایمنی و تدابیر فنی توسط کارفرما، صفت سخت و زیان‌آوری آن‌ها کاهش یافته ولی کامکان سخت و زیان‌آوری آن‌ها حفظ می‌شود.

شرایط بازنشستگی در کارهای سخت و زیان‌آور چیست؟ مطابق با بخش اول بند (ب) تبصره ۲ قانون بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان‌آور، داشتن حداقل بیست سال متوالی یا بیست و پنج سال متناوب اشتغال در کارهای سخت و زیان‌آور که در هر مورد حق بیمه مدت مزبور را نیز به صندوق تأمین اجتماعی پرداخت کرده باشند، بدون شرط سنی می‌تواند درخواست خود را به ادارات کار و امور اجتماعی استان‌ها برای طرح در کمیته‌های استانی ارائه کند.

ملفودی
به اطلاع می‌رساند کارت موقت کار
اینجانب علی آقا یعقوبی به شماره
خاتوار ۹۷۷۳۴۶۸۱۲۳ مفقود و از درجه
اعتبار ساقط می‌باشد.

شهرآرا

شماره ۵۵
شماره ۱۵
شماره ۳۳۰

۰۹

اقتصاد

اقتصاد

مروری کوتاه بر کتاب «یادداشت‌های روزانه مقاومت»، خاطرات

میکیس تئودورا کیس آهنگ‌ساز شهیر یونانی

مقاومت و هنر و حافظه از ملزومات مبارزه با استبداد

کتاب «یادداشت‌های روزانه مقاومت» به قلم میکیس تئودورا کیس (۱۹۲۵-۲۰۲۱)، مجموعه‌ای از خاطرات، تحلیل‌ها و تأملات نویسنده درباره مبارزات سیاسی و اجتماعی در دوران سرکوب و دیکتاتوری در یونان است. این کتاب به عنوان سندی ارزشمند از تاریخ معاصر یونان شناخته می‌شود که هم روایت شخصی دارد و هم نگاهی عمیق به مقاومت جمعی مردم این کشور ارائه می‌دهد. نویسنده در این اثر، با زبانی صریح و بی‌پرده، مبارزات خود و همراهانش را در برابر ظلم و ستم به تصویر می‌کشد. میکیس تئودورا کیس، آهنگ‌ساز و رهبر ارکستر و نویسنده شهیر یونانی است که بیشتر به واسطه ساخت موسیقی فیلم‌هایی همچون «زوریای یونانی» (مایکل کاکویانیس) و «سریپیکو» (سیدنی لومت) شناخته می‌شود. او همچنین مبارزی سیاسی بود که طعم زندان و تبعید را نیز چشید و البته بعدها، در نظامی که خود در برپایی آن کوشیده بود، چندمنصب حکومتی را عهده دار شد. آثار هنری تئودورا کیس نیز مشوق مبارزه و مقاومت‌اند.

کتاب اخیر در قالب یادداشت‌های روزانه نوشته شده است و به همین دلیل حس نزدیکی بیشتری به مخاطب می‌دهد. این سبک نگارش واقع‌گرایانه باعث می‌شود که خواننده بتواند مستقیماً با احساسات، نگرانی‌ها و امیدهای نویسنده ارتباط برقرار کند. تئودورا کیس در این یادداشت‌ها، نه تنها از رویدادهای سیاسی و اجتماعی، بلکه از تجربیات شخصی و زندگی روزمره خود نیز سخن می‌گوید.

یکی از مهم‌ترین مفاهیم این کتاب نیز تأکید بر نقش مقاومت در برابر دیکتاتوری و استبداد است. نویسنده بارها به این نکته اشاره می‌کند که ایستادگی در برابر ظلم، حتی در سخت‌ترین شرایط، وظیفه‌ای انسانی و اخلاقی است. او با روایت نمونه‌هایی از شجاعت مردم یونان، روحیه جمعی مقاومت را به تصویر می‌کشد.

تئودورا کیس، در بخش‌هایی از کتاب، به تحلیل ریشه‌های دیکتاتوری و ابزارهای سرکوب اشاره می‌کند. او معتقد است که توسل به ترس و جهل مهم‌ترین ابزارهای دیکتاتورها برای کنترل مردم هستند. مبارزه و ایستادگی نیازمند آگاهی و اتحاد است. این دست‌تحلیل‌هاست که باعث می‌شود این اثر فراتر از یک خاطره‌نویسی ساده باشد و به اثری فلسفی و تحلیلی تبدیل شود.

یکی دیگر از محورهای اصلی کتاب توجه به نقش هنر و فرهنگ در مبارزه با استبداد است. تئودورا کیس بارها تأکید می‌کند که موسیقی، شعر و ادبیات می‌توانند به عنوان ابزارهایی قدرتمند برای الهام بخشی و ایجاد انگیزه در مردم عمل کنند. او تجربه شخصی خود به عنوان یک آهنگ‌ساز را در این زمینه به اشتراک می‌گذارد و نشان می‌دهد که چگونه هنر می‌تواند، در کنار سیاست، به مبارزه با بی‌عدالتی بپردازد. در بخش‌هایی از «یادداشت‌های روزانه مقاومت»، نویسنده به تجربه‌های تلخ زندان و شکنجه اشاره می‌کند. این توصیفات تصویری واضح و دردناک از سختی‌هایی ارائه می‌دهد که فعالان سیاسی در دوران دیکتاتوری تجربه کرده‌اند. با این حال، حتی در این بخش‌ها، تئودورا کیس امید خود را از دست نمی‌دهد و بر لزوم ادامه مبارزه تأکید می‌کند. کتاب، همچنین، به مسائل اخلاقی و انسانی در دوران بحران می‌پردازد. نویسنده به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه شرایط سخت شخصیت انسان‌ها را آشکار می‌کند و گاهی شجاعت و گاهی خیانت را نمایان می‌سازد. این تأملات کتاب را به اثری عمیق و چندبعدی تبدیل می‌کند. یکی از فصول مهم کتاب به بررسی نقش رهبران مقاومت اختصاص دارد. تئودورا کیس در این بخش ویژگی‌های یک رهبر واقعی را شرح می‌دهد و تأکید می‌کند که رهبری موفق باید با مردم همراه باشد. از درد و رنج آن‌ها آگاه باشد و بتواند امید را در دل‌ها زنده نگه‌دارد.

فصل دیگری از کتاب به موضوع اتحاد و همبستگی اجتماعی می‌پردازد. نویسنده توضیح می‌دهد که چگونه اتحاد مردم می‌تواند قدرتی عظیم برای تغییر ایجاد کند. او، با مثال‌هایی از مبارزات مردم یونان، نشان می‌دهد که اتحاد حتی در سخت‌ترین شرایط نیز می‌تواند به موفقیت منجر شود. تئودورا کیس در فصل‌های پایانی «یادداشت‌های روزانه مقاومت» نشان می‌دهد که به آینده امید دارد. او بر این باور است که هرچند مبارزه با استبداد سخت و طولانی است، در نهایت، آزادی و عدالت پیروز خواهند شد. این پیام امیدبخش نیز کتاب را به اثری انگیزشی برای فعالان سیاسی و اجتماعی تبدیل می‌کند.

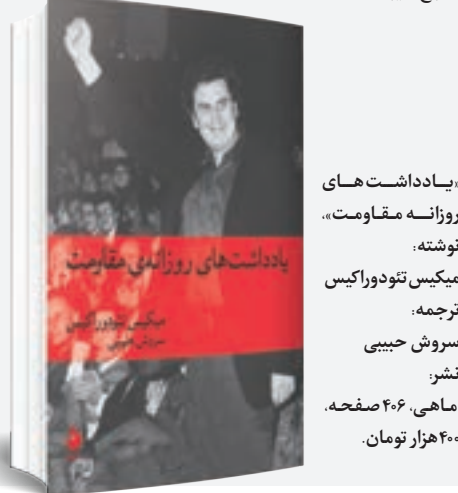
در طول این کتاب، نویسنده بارها بر اهمیت حافظه تاریخی تأکید می‌کند. او معتقد است که فراموش کردن گذشته می‌تواند باعث تکرار اشتباهات شود. به همین دلیل، حفظ خاطرات مقاومت برای نسل‌های آینده ضروری است.

بخشی از کتاب

جمعه، ۱۲ آوریل ۱۹۶۷، روز کودتای نظامی در یونان با روح فدریکو گارسیا لورکا خلوت کرده بودم. یک ماه پیش، آخرین اثرم را، منظومه‌ای روی ترجمه یونانی هفت شعر لورکا، تمام کرده بودم. شاعر بزرگ اسپانیایی برای اجرای اشعار خود در زبان مادری او، اودیسیاس الیتیس را یافته بود.

در نخستین هفته‌های بعد از کودتای نظامی که در اکتفا به سر می‌بردم به هیچ‌روی نمی‌توانستم به سخن کوچک‌ترین آهنگی فکر کنم. یادداشت‌های این روزنامه شاهد این وضع‌اند.

منبع: ایبنا



یادداشت‌های روزانه مقاومت، میکیس تئودورا کیس ترجمه: سروش حبیبی نشر: ماهی، ۴۰۶ صفحه، ۴۰۰ هزار تومان

شهریار

شنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۳ شماره ۳۳۳

۱۰

فرهنگ و ادبیات

با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در نیشابور

«گذر فرهنگ و هنر» افتتاح شد



مرتیضی محمدپورا آیین افتتاح و بهره‌برداری از گذر فرهنگ و هنر نیشابور، ظهر دیروز (۲۶ دی ۱۴۰۳) با حضور سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، غلامحسین مظفری استاندار خراسان رضوی و جمعی از مسئولان استانی، اعضای مجمع نمایندگان خراسان رضوی و مدیران استان برگزار شد. بنابر اعلام مسئولان شهری، کلنگ زنی این گذر در تیرماه ۱۴۰۰ انجام شد و پس از سه سال، امروز با زیربنای ۱۴۰۰ مترمربع در زمینی به مساحت هزار مترمربع به بهره‌برداری رسید تا در بخش‌های مجزا مشتمل بر کافه کتاب، نگارخانه، جمعه‌بازار هنر و سالن‌های تمرین و اجرای تئاتر در اختیار هنرمندان و اهالی فرهنگ قرار بگیرد.

بنیاد ملی عطار و خیام در انتظار تأسیس سیدیحیی سلیمانی، نماینده مردم نیشابور در مجلس شورای اسلامی، با تأکید بر اینکه در این شهرستان، همواره هنر زیربنای توسعه بوده است، تصریح کرد: در شرایط فعلی، اجلاس بین‌المللی

گفت‌مان فرهنگی بین‌الملت‌ها به همت دانشگاه نیشابور برگزار می‌شود. این مزیت ارزنده‌ای است، اما این ضرورت هم وجود دارد که بنیاد ملی عطار و خیام نیز هرچه زودتر روال قانونی خود را سپری کند و ایجاد شود. وی تأکید کرد: ما نیازمند برگزاری هفته نیشابور هستیم. باید ساختارهای اداری و سازوکارهای اجرایی در حوزه فرهنگ به شکلی تقویت شود که بنیادهای ملی و تفاهم‌نامه‌های مختلف با تشکل‌های مردمی، کمک‌حال دستگاه‌های دولتی برای پیشبرد طرح‌ها باشند. همه چیز پول و بودجه و اعتبار نیست. گاهی اوقات حمایت معنوی می‌تواند بیشتر از هر تزریق اعتباری راه‌گشا باشد و این مسئولیتی ویژه برعهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

شهر فرهنگ و ادب، همچنان بدون کتابخانه! مهدی دونده، فرماندار نیشابور نیز در ادامه این مراسم گفت: نیشابور سهم بسزایی در شکل‌گیری تاریخ و تمدن ایران اسلامی داشته است. تا اوایل قرن ششم هجری، بیش از ۴ هزار و ۳۰۰ نفر از

المیرا حسن زاده، پژوهشگر ادبیات حماسی، از زیبایی‌ها و چالش‌های آموزش «شاهنامه» به کودکان می‌گوید

گذشتن از هفت خان با بچه‌ها

محبوبه عظیم زاده



بچه‌ها به او نمی‌گویند «خانم حسن زاده»، یا «خانم معلم». مثلاً، او را «خانم شاهنامه»، برای او می‌زنند و «المیرا جادوگر»، چون از آن سکوی بلندتر از قد بچه‌ها که اغلب معلم‌ها

علاقه دارند رویش بایستند و به دانش آموزان امرونهی کنند و می‌گویند «بخوان» و «حفظ کن» و «از بر بگو» پایین آمده. آمده یابین و یابش را گذاشته روی همان زمینی که پای بچه‌ها رویش است. معلم نیست. هم‌بازی‌شان است. برایشان از اسطوره‌ها می‌گوید. از کیخسرو و جام جهان‌بین. از دیو ایندر یا همان دیو بی‌نظمی. او مدت‌هاست با کلمات و بازی‌هایی که خلق می‌کند بچه‌ها را به دل قصه‌های «شاهنامه» می‌برد و برایشان از فردوسی بزرگ می‌گوید و حکمت و خرد. المیرا حسن زاده سال‌هاست که دغدغه‌اش شده دنیای کودکان. و هم و غمش آشنایی آن‌هاست با اثری که معتقد است هویت‌ساز ماست و میراثی گران‌بها. او کارشناسی و کارشناسی ارشدش را ادبیات محض خوانده و در دوره ارشد بیشتر با آثار عطار مانوس بوده. اما در مقطع بالاتر، یعنی دکتری، گرایش ادبیات حماسی را دنبال می‌کند و موضوع رساله‌اش هم می‌شود «اقتباس از داستان‌های شاهنامه». حسن زاده بر این باور است که اقتباس‌دریابی است وسیع و بی‌کری. نکته‌ای که در روش آموزشی‌اش، یعنی «بازی و شاهنامه»، سعی می‌کند برای بچه‌ها به خوبی جایبندازد. دقایقی با این پژوهشگر ادبیات حماسی گپ‌زدیم تا او بر این‌امان از چالش‌ها و زیبایی‌های آموزش «شاهنامه» به کودکان بگوید.

چند سال است در حوزه آموزش «شاهنامه» به کودکان فعالیت می‌کنید؟

من از سال ۱۳۸۸ پژوهش در حوزه ادبیات کودک را شروع کردم و از سال ۱۳۹۴ با «هورام»، کارگروه ادبیات کودک و نوجوان دانشگاه فردوسی، همکاری می‌کنم. پژوهش و فعالیت در حوزه کودک و شاهنامه» را از سال ۱۳۹۵ آغاز کرده‌ام.

چگونه‌ای از این سال‌ها که با دنیای کودکان و «شاهنامه» در ارتباط بودید برای ما بگویید.

پیش از هر چیزی باید بگویم اصلاً چرا وارد این حیطه شدم. حقیقتاً از دیدن تکراری تکراری برای آموزش «شاهنامه» که متناسب با نیاز کودک نیست رنج می‌بردم. متأسفانه، هنوز برخی از این روش‌ها طرف‌دارانی دارد. برخی از مدیران مدارس یا خانواده‌ها تمایل دارند بچه‌ها بیت‌هایی از «شاهنامه» را حفظ کنند و از بر بخوانند تا تشویق دیگران را داشته باشند. این روش آموزش متناسب با نیازهای کودک نیست. متأسفانه، ما اغلب درگیر ظاهر می‌شویم و معنا را گم می‌کنیم. روزی که به طلب معنا، فارغ از خودنمایی و کمیت‌گرایی، وارد جهان «شاهنامه» و دیگرتاثرات شاخص ادبی بشویم، می‌توانیم امیدوار باشیم که سرزمینمان و دنیایمان عوض بشود. در نهایت، این دغدغه مندی سال‌ها پژوهش در حوزه کودک باعث شد تا سعی کنم با شخصی برای این سؤال پیداکنم. چگونه می‌شود «شاهنامه» و اساطیر را با روشی جذاب و متناسب با نیازهای کودکان به آن‌ها آموزش داد. روشی که علاوه بر آموزش داستان‌های جذاب «شاهنامه»، هم‌زمان توانمندی‌های شناختی آن‌ها را پرورش دهد؟



دنیای امروز بیش از هر چیزی به آگاهی و صلح نیاز دارد و «شاهنامه» با نیازهای خلاق، مدخل مناسبی برای ارتقای هوش درون فردی و میان فردی کودکان است

مقاله‌ای مشترک با عنوان «طراحی روشی خلاق برای آموزش شاهنامه به کودکان» هم منتشر کرده‌اید.

بله. این مقاله یکی از مقالات مستخرج از رساله دکتری من است.

شیوه بازی‌ها در این روش به چه صورتی است؟

بازی‌هایی را برمی‌نمای غلیت‌های جادویی و داده‌های اساطیری طراحی و در چهار دسته طبقه‌بندی کرده‌ام که به ترتیب باید اجرا بشوند. دسته اول بازی‌های پیش‌زمینه‌ای است که پیش از روایت داستان از این بازی‌ها استفاده می‌شود. هدف اصلی در این دسته از بازی‌ها گذراندن کیدوازه‌های اصلی داستان در ذهن بچه‌هاست. پس از یک یا دو بازی پیش‌زمینه‌ای، بخشی از داستان «شاهنامه» روایت می‌شود.

در مرحله بعد، از بازی‌های مروری برای تثبیت اطلاعات استفاده می‌شود. بنابراین، با کمک این بازی‌ها، داستان بارها و بارها برای کودک تکرار می‌شود تا هم جزئیات را به خاطر بسپارد. هم با روایت و رویدادهای آن ارتباط برقرار کند. دسته سوم بازی‌های تجسمی است که به تصویرسازی شخصیت‌ها و فضای داستان در ذهن کودک کمک می‌کند. در واقع، کودک تلاش می‌کند با استفاده از خلاقیت خودش شخصیت‌ها و فضای داستان را در ذهن‌پاری کاغذ ترسیم کند. پس از طی این سه مرحله، کودک آماده انجام بازی‌های نمایشی-داستانی است.

در این دسته از بازی‌ها، کودک می‌تواند خود را به جای شخصیت‌های قصه بگذارد و نظرش را درباره اعمال و گفتار و رفتار آن‌ها مطرح کند و با تحلیل خود داستان را تغییر بدهد. به جای شخصیت‌های داستان بیندیشد و صحبت کند. اینجاست که بچه‌ها خودشان به عنوان اقتباس‌گر وارد می‌شوند و با متن داستان تعامل خلق خواهند داشت.

اینکه بازی‌ها مبتنی بر واقعیت جادویی است یعنی چه؟

یعنی داستان‌ها و بازی‌ها مبتنی بر غلیت‌های جادویی است و هر بازی یک داستان جادویی دارد؛ مثلاً، در بازی «بری قصه‌گو» بچه‌ها برای رهایی از افسون‌پری قصه‌گو باید با کلماتی که در جعبه این



بازخوردهایی که احیاناً از اجرای این روش‌ها گرفته‌اید چگونه بوده است؟

از سال ۱۳۹۷، از طرف «قطب علمی فردوسی و شاهنامه» و «هورام»، بارها - حضور و آنلاین- دوره‌های مربی‌گری «بازی و شاهنامه» برگزار کرده‌ام. مربیان زیادی از ایران و خارج از کشور این روش را فرا گرفته‌اند و خود بازخوردهای مثبتی دریافت کرده‌اند. اما همچنان چالش‌هایی وجود دارد. متأسفانه، برخی از مدیران مدارس فقط به دنبال نمایش‌های ظاهری هستند و به عمق یادگیری توجه نمی‌کنند. یکی از مربیان به من گفت که مدیر مدرسه به او اعتراض کرده که چرا مادام بازی می‌کند، و انتظار داشته بچه‌ها فقط ابیاتی از «شاهنامه»، را بخوانند تا به والدینشان نمایش دهند. این نگاه سطحی و کمیت‌گرایانه مانعی جدی برای یادگیری عمیق است.

این بعضی فروخورده‌ای است که سال‌هاست در گلولی من است. همین روش‌ها و اعمال کاری باعث شده بچه‌ها بتمن و مرد عنکبوتی و هالک را بشناسند، اما رستم و زال و اسفندیار و کاوه را نشناسند. کلیبی می‌دیدم که مصاحبه‌کننده از کودکان می‌پرسید، اگر رستم با هالک یا مرد عنکبوتی بجنگد، چه اتفاقی می‌افتد.

حتماً می‌گویند هالک رستم را می‌کشد!

جمله‌هایی که گفتند خیلی دردناک تر بود و به نظر من یک رنگ خطر جدی است. اکثر کودکان قهرمان ملی‌شان را مغلوب می‌کردند، مثلاً می‌گفتند: «رستم زیر پای هالک له می‌شود!» گناهی به گردن بچه‌ها نیست. این تقصیر ماست. فیلم‌نامه‌ها، بازی‌ها، انیمیشن‌ها، همه، تکراری است و بدون کوچک‌ترین دانشی درباره اقتباس بچه‌ها را می‌بیس می‌زند، چون عاری از هرگونه خلاقیتی است.

چایگاه «شاهنامه» در زندگی خود شما کجاست؟

من گم شده‌هایم را در «شاهنامه» و اسطوره‌ها پیدا می‌کنم. اندیشه اسطوره‌ای این آزادی را به من می‌دهد که جهان را به شکلی که دوست دارم تجربه کنم و، از طرف دیگر، تلاش کنم تا جهان را به شکلی که می‌خواهم دربریاوم. درمو آنچه ما موقعیت‌ها را می‌بینیم بلند این اثر ارتباط برقرار کند. به‌گمانم، فردوسی هم این را می‌نامی خواهد. دکتر زاله آموزگار سخن‌ارزشمندی دارد، می‌گوید: «شاهنامه را ابتدا دقیق بخوانید، بعد دوستش بدارید؛ نگذارید شاهنامه مدی شود خالی از معنا». افزون بر نقل‌ها، متأسفانه،

بسیاری از مربیان هم شناخت کافی از «شاهنامه» ندارند و در روایت داستان دخل و تصرف‌های بسیاری می‌کنند که در مقام آموزش این اشتباهه بخشودنی نیست. ما ابتدا باید داستان را برمی‌نمای تصحیحی معتبر (دکتر خالقی مطلق) برای کودکان روایت کنیم، بعد با بازی‌ها به آن‌ها اجازه بدهیم که خلاقانه وارد داستان بشوند و روایت خودشان را بسازند. در نهایت، شخصاً هنر نقالی را برای کودکان زیر دوازده سال توصیه نمی‌کنم.

آیا از دیدگاه شما «شاهنامه»، به‌طور کلی متون کلاسیک، باید غیرمستقیم به کودکان آموزش داده شود؟ برخی معتقدند کودکان باید مستقیماً با اصل اثر درگیر شوند. دیدگاه شما در این باره چیست؟

نظریات نوین یادگیری بر اهمیت تدریس فعال تأکید دارند، و این روش به ویژه برای آموزش کودکان بسیار مؤثر است. در تدریس فعال، نقش معلم به عنوان تسهیلگر برجسته می‌شود؛ معلم، به جای انتقال مستقیم داده‌ها، تفکر کودکان را هدایت می‌کند تا خودشان پاسخ‌ها را کشف کنند. در روش‌های سنتی، معمولاً بر کمیت و حافظه تأکید می‌شود و کودکان به عنوان دستگاه‌هایی برای ذخیره‌سازی اطلاعات در نظر گرفته می‌شوند. اما در تدریس فعال، هدف آموزش شیوه اندیشیدن و تقویت توانمندی‌های شناختی و هوش‌های چندگانه است.

این اهداف تنها زمانی محقق می‌شوند که یادگیری برای کودک تجربه‌ای جذاب و لذت‌بخش باشد. اگر مربی بتواند با روشی خلاقانه و جذاب کودکان را با یکی از داستان‌های «شاهنامه» آشنا کند و بذر علاقه‌رادر دل‌آن‌ها بکارند، آن‌ها خودشان درآینده با «شاهنامه» خواهند رفت.

بازخوردهایی که احیاناً از اجرای این روش‌ها گرفته‌اید چگونه بوده است؟

از سال ۱۳۹۷، از طرف «قطب علمی فردوسی و شاهنامه» و «هورام»، بارها - حضور و آنلاین- دوره‌های مربی‌گری «بازی و شاهنامه» برگزار کرده‌ام. مربیان زیادی از ایران و خارج از کشور این روش را فرا گرفته‌اند و خود بازخوردهای مثبتی دریافت کرده‌اند. اما همچنان چالش‌هایی وجود دارد. متأسفانه، برخی از مدیران مدارس فقط به دنبال نمایش‌های ظاهری هستند و به عمق یادگیری توجه نمی‌کنند. یکی از مربیان به من گفت که مدیر مدرسه به او اعتراض کرده که چرا مادام بازی می‌کند، و انتظار داشته بچه‌ها فقط ابیاتی از «شاهنامه»، را بخوانند تا به والدینشان نمایش دهند. این نگاه سطحی و کمیت‌گرایانه مانعی جدی برای یادگیری عمیق است.

حتماً می‌گویند هالک رستم را می‌کشد!

جمله‌هایی که گفتند خیلی دردناک تر بود و به نظر من یک رنگ خطر جدی است. اکثر کودکان قهرمان ملی‌شان را مغلوب می‌کردند، مثلاً می‌گفتند: «رستم زیر پای هالک له می‌شود!» گناهی به گردن بچه‌ها نیست. این تقصیر ماست. فیلم‌نامه‌ها، بازی‌ها، انیمیشن‌ها، همه، تکراری است و بدون کوچک‌ترین دانشی درباره اقتباس بچه‌ها را می‌بیس می‌زند، چون عاری از هرگونه خلاقیتی است.

چایگاه «شاهنامه» در زندگی خود شما کجاست؟

من گم شده‌هایم را در «شاهنامه» و اسطوره‌ها پیدا می‌کنم. اندیشه اسطوره‌ای این آزادی را به من می‌دهد که جهان را به شکلی که دوست دارم تجربه کنم و، از طرف دیگر، تلاش کنم تا جهان را به شکلی که می‌خواهم دربریاوم. درمو آنچه ما موقعیت‌ها را می‌بینیم بلند این اثر ارتباط برقرار کند. به‌گمانم، فردوسی هم این را می‌نامی خواهد. دکتر زاله آموزگار سخن‌ارزشمندی دارد، می‌گوید: «شاهنامه را ابتدا دقیق بخوانید، بعد دوستش بدارید؛ نگذارید شاهنامه مدی شود خالی از معنا». افزون بر نقل‌ها، متأسفانه،

مزیت شهرآرا ایجاد حافظه تاریخی مشهد است

رضا میرزاده

گزارش خبری

مؤسسه فرهنگی شهرآرا شب گذشته میزبان دکتر سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بود که در جریان سفر به استان خراسان رضوی و مشهد، با اهالی فرهنگ و هنر و رسانه نیز دیدار داشت. در این دیدار که در فضایی صمیمی شکل گرفت، سید میثم موسوی مهر، مدیرعامل مؤسسه فرهنگی شهرآرا، به تشریح فعالیت‌های صورت گرفته در این مؤسسه پرداخت و گزارشی از اقدامات انجام شده در حوزه رسانه‌های مکتوب و برخط این مؤسسه ارائه کرد.

روز مشهد، یک نخ

تسبیح برای هویت شهر

مشهد است

صالحی درباره تصویب یک روز به نام روز

مشهد گفت: این دغدغه هست که روزی

به نام مشهد ثبت شود و به نوعی به یک

نخ تسبیح برای هویت شهر مشهد تبدیل

شود و جای روز مشهد در تقویم خالی

است.

تکمیل و افتتاح پردیس تئاتر مشهد

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

درباره افتتاح نشدن پردیس تئاتر مشهد

بر اساس تعهدات زمان کلنگ زنی این

پروژه گفت: در زمان دولت دوازدهم

و زمانی که کلنگ ساخت پردیس تئاتر

مشهد به زمین زده شد، این شرط

مطرح بود که کار ساخت پردیس در همان دولت دوازدهم تمام شود و کلنگ زنی‌هایی نکنیم که پایان پیدا نکند و به یک مسئله بی پایان تبدیل شود.

وی افزود: در تعامل با شهردار وقت، این برنامه تنظیم شد که پردیس تئاتر تا پایان دولت دوازدهم به پایان برسد، البته کرونا هم بود که موجب شد در بسیاری از پروژه‌ها وقفه ایجاد شود. اما در نهایت، متأسفانه این اتفاق نیفتاد و دولت دوازدهم تمام شد.

صالحی ادامه داد: یکی از مواردی که در این سفر با همراهی استاندار خراسان رضوی پیگیری آن هستیم و قرار است با شهردار مشهد نیز در این زمینه گفت‌وگو کنیم، این است که این پردیس برای مسکن، برای مشهد یک تنفس حیاتی درخور توجه است. با توجه به ظرفیت

در هنرهای نمایشی، این پردیس می‌تواند به کمک حوزه نمایش بیاید. اینکه پروژه پردیس تئاتر هنوز پیشرفت درخور توجهی نداشته، مطلوب نیست و امیدواریم با همت شهردار مشهد و استاندار خراسان رضوی این پردیس به انجام برسد.

مشهد و استاندار خراسان رضوی به انجام برسد و اگر لازم بود، ما نیز ورود پیدا کنیم تا به نتیجه درستی برسیم.

بودجه متناسب با حیطه وظایف وزارت ارشاد نیست

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره لزوم از نظر گرفتن سهم بیشتر برای مشهد در میزان اعتبارات فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: متأسفانه بودجه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بودجه درشتی نیست. در سال آخر دولت دوازدهم، این بودجه ۱۲۰۰ میلیارد تومان بود و در این دولت به ۳ هزار میلیارد تومان



عکس: محمد حسن عطائیان/شهرآرا

رسیده است.

وی افزود: این به معنای آن است که بودجه شهرداری مشهد به میزان ۵۶ برابر بودجه وزارت ارشاد در سال پایانی دولت دوازدهم است.

● برگزاری افتتاحیه فجر، فرصتی برای فضای تئاتر خراسان است

صالحی درباره نادیده گرفته شدن سهم مشهد در جشنواره تئاتر فجر گفت: اینکه تئاترهای خراسانی در جشنواره تئاتر فجر حضور چندانی نداشتند، احتمالاً عوامل مختلفی دارد که یکی از آن‌ها، داوری جشنواره است؛ اما افتتاحیه در مشهد برگزار می‌شود و ظاهراً چند تئاتر خراسانی هم به مجموعه این تئاترها اضافه شده است. برگزاری افتتاحیه تئاتر فجر در مشهد، یک فرصت برای فضای تئاتر در خراسان است و فضای هنرهای نمایشی را در استان خراسان رضوی جدی تر می‌کند.

وی افزود: مشهد و خراسان را می‌توان به یک قطب فرهنگی و هنری تبدیل کرد. با حضور استاندار خراسان رضوی

و مسیری که ما در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دنبال می‌کنیم، این نگاه وجود دارد که برگزاری رویدادهای فرهنگی بیشتر در خراسان می‌تواند کمک کند که این قطب فرهنگی خراسان بتواند در فضای ایران جلوه‌گری بیشتری داشته باشد.

● اقدامات شهرآرا برای ایجاد حافظه تاریخی مشهد ستودنی است

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پاسخ به پرسش دیگری درباره اختصاص نیافتن یارانه کاغذ به ناشران، گفت: یارانه‌ای که به مطبوعات داده شده، باقی مانده به برکت حضور حضرت امام رضا(ع) از دولت دوازدهم که مبلغی به عنوان یارانه و تخصیص ارز ارزان قیمت تر گرفته شد، در دولت سیزدهم ادامه پیدا کرد و این یارانه اختصاص داده شده به مطبوعات در دوره اخیر نیز ادامه همان یارانه بوده است.

وی افزود: در دولت سیزدهم هیچ مصوبه جدیدی به عنوان یارانه کاغذ، نداشتیم، به هر دلیل مطبوعات و ناشران



در نشست هم اندیشی برگزاری دومین نمایشگاه مشترک ایران و افغانستان با عنوان «حس همسایگی» بیان شد

پیوند هنر و صنعت برای تشویق سرمایه‌گذاران افغانستانی

میرزاده

گزارش خبری

نشست هم اندیشی برگزاری دومین نمایشگاه مشترک ایران و افغانستان با عنوان «حس همسایگی»، با حضور جمعی از نمایندگان دستگاه‌های فرهنگی روز گذشته در موزه بزرگ

خراسان برگزار شد.

در این نشست که با حضور نمایندگان از اداره کل اتباع خارجی استانداری خراسان رضوی، نمایندگی شمال شرق وزارت امور خارجه، ادارات کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، نمایندگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و جمعی از نمایندگان رسانه‌های استان خراسان رضوی برگزار شد، پیرامون برگزاری دومین نمایشگاه «حس همسایگی» به عنوان نمایشگاهی مشترک میان کشورهای همجوار فارسی زبان در حوزه ارائه محصولات هنری بحث و تبادل نظر شد. همچنین علاوه بر تعیین «بهمن ماه» به عنوان افتتاحیه نمایشگاه «حس همسایگی»، درباره استفاده از فرصت‌های موجود در حاشیه برگزاری این نمایشگاه سه روزه در موزه خراسان بزرگ، بحث و تبادل نظر شد و ضمن ارائه پیشنهادهایی از جمله برگزاری کارگاه‌ها و همایش‌های توانمندسازی هنری برای اتباع افغانستانی ساکن مشهد، جشنواره مشترک غذا در ایام نوروز و... تعیین دقیق برنامه‌های حاشیه این نمایشگاه نیز به جلسه آتی موکول شد.

● نمایشگاه «حس همسایگی» با محوریت حضور جوانان افغانستانی

محمد زبیر رحیمی، تاجر اهل هرات و مسئول برگزاری نخستین دوره این نمایشگاه، ضمن ارائه گزارشی از روند برگزاری نخستین دوره این نمایشگاه در سال ۱۴۰۱ گفت: تلاش کرده‌ایم در قالب برنامه‌هایی با عنوان «نذر هنر» و همکاری با هنرمندان در برگزاری برنامه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی، پیوند مستحکمی بین حوزه اقتصاد و فرهنگ ایجاد کنیم.

وی با اشاره به برگزاری نخستین دوره این نمایشگاه در قالب یک نمایشگاه خیریه افزود: این رویداد



با استقبال قابل توجه اتباع افغانستانی ساکن در مشهد روبه‌رو شد و پس از یک سال وقفه، دومین دوره این نمایشگاه نیز بهمن ماه امسال برگزار می‌شود. حیدری با اشاره به تقاضای فراوان اتباع هنرمند افغانستانی مقیم مشهد از برگزاری نمایشگاه حس همسایگی گفت: دومین دوره این نمایشگاه با تأکید بر شناسایی و توانمندسازی ایده‌های هنری جوانان افغانستانی مقیم جمهوری اسلامی ایران و پیوند هنر و صنعت با تشویق تجار و سرمایه‌گذاران، با محوریت حضور جوانان برگزار می‌شود.

● توسعه تبادل فرهنگی و هنری دو ملت ایران و افغانستان

مجید خالق نیا، رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در هرات، با اشاره به مناسبات و سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه افغانستان، و برخی از رویدادهای مشترک فرهنگی میان ایران و افغانستان طی چهار سال گذشته از جمله برگزاری نمایشگاه خوشنویسی «از توس تا پیر هرات»، نمایشگاه «بوی جوی مولیان» و «هرات جان» اشاره کرد و از برگزاری دومین دوره این نمایشگاه به عنوان یک فرصت مغتنم فرهنگی برای توسعه همکاری‌های مشترک فرهنگی میان مردم ایران و افغانستان نام برد.

وی افزود: نمایشگاه «حس همسایگی» با هدف معرفی هنرمندان و توسعه بازار تبادل محصولات

ملت کمک کند. وی افزود: اشتراکات فرهنگی میان ملت‌ها و به ویژه اشتراکات فرهنگی میان جمهوری اسلامی ایران و افغانستان، موجب می‌شود از رهگذر اشتراکات فرهنگی، زمینه‌ساز فعالیت‌های مشترک سیاست و اقتصاد نیز باشیم.

او بهره از برگزاری شب شعر، نمایشگاه دائمی افغانستان در ایران و عقد تفاهم نامه میان مراکز فرهنگی ایران و افغانستان برای برگزاری نمایشگاه‌های مشترک در زمینه‌های مختلف فرهنگی در دو کشور را به عنوان فرصت‌هایی در حاشیه برگزاری دومین نمایشگاه «حس همسایگی» یاد کرد. او افزود: آمادگی داریم در این زمینه از ظرفیت‌های مهم نهاد‌های فرهنگی افغانستانی استفاده کنیم.

وی همچنین با تأکید بر حفاظت از اشتراکات فرهنگی موجود میان دو کشور، از فضاهایی مانند موزه بزرگ خراسان به عنوان مراکز مهم در احیای میراث مشترک فرهنگی و انتقال آن به نسل‌های آینده یاد کرد. بهره‌گفت: از این‌گونه فرصت‌ها باید برای حفظ و احیای ارزش‌های دینی و فرهنگی استفاده کرد و ضمن اینکه خود در مسیر فراگیری این ارزش‌ها گام برداریم. آن را در جامعه خود نیز ترویج دهیم. ارزش‌ها با باورها و عقاید ما پیوند مستحکمی دارد و بزرگان فرهنگی، چراغ راه در مسیر عمل به باورها و اعتقادات دینی هستند.

● موزه بزرگ خراسان، معرف میراث مادی و معنوی خراسان بزرگ است

علی صفرزاد، مسئول موزه بزرگ خراسان، در این نشست با بیان اینکه این موزه به عنوان اولین موزه منطقه‌ای ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی تأسیس شده است، گفت: هدف از تأسیس این موزه، معرفی میراث مادی و معنوی فرهنگی خراسان بزرگ در طول تاریخ است.

وی با اشاره به اشتراکات فرهنگی میان دو ملت ایران و افغانستان، «ارز امیدواری کرد که برگزاری این نمایشگاه در کنار رویدادهای فرهنگی و هنری، گامی در راستای معرفی هنرمندان اتباع جوان افغانستانی ساکن در ایران و افغانستان باشد.

اخبار
هنری
مشهد

برگزاری نشست‌های هنری در جهاد دانشگاهی



سلسله نشست‌های فرهنگی هنری فرهنگ سرای جهاد دانشگاهی مشهد برگزار می‌شود. به گزارش شهرآرا، اولین نشست با حضور شادی جمشیدیپور، نقاش و تصویرساز، سه شنبه ۲ بهمن ماه برگزار خواهد شد. در

دومین نشست، احسان مهدوی، طراح گرافیک، سه شنبه ۱۶ بهمن ماه سخنرانی خواهد کرد. همچنین نشست سوم با حضور مهدی سیم‌ریز، نویسنده و کارگردان تئاتر، در روز سه شنبه ۲۰ بهمن ماه برگزار خواهد شد. این نشست‌ها رأس ساعت ۱۷ در کتابخانه تخصصی هنر فرهنگ سرای جهاد دانشگاهی مشهد برگزار می‌شود.

انتشار فراخوان جشنواره موسیقی فجر استان



با انتشار فراخوان، نخستین جشنواره موسیقی فجر خراسان رضوی آغاز به کار کرد.

این جشنواره با محوریت وفاق ملی، از تاریخ ۲۳ تا ۲۹ بهمن ۱۴۰۳ در شهر نیشابور برگزار خواهد شد. در متن فراخوان اشاره شده است که این جشنواره

فرصتی برای شناسایی، ظرفیت‌سازی و حمایت از فعالیت‌های خلاقانه هنرمندان و گروه‌های موسیقی در سطح استان است. ستاد برگزاری جشنواره از تمامی گروه‌های موسیقی دعوت می‌کند تا با مطالعه دقیق فراخوان و ارسال آثار خود در این رویداد هنری مشارکت کنند. شرایط شرکت شامل تمامی گونه‌های موسیقی از قبیل دستگاهی، مقامی، کلاسیک و تلفیقی است. در بخش ویژه این جشنواره، دو جایزه ویژه با عنوان «نقارخانه» به آثار با محوریت‌های امام رضا(ع) و «صلح و مقاومت» به آثار تولید شده با محوریت ایثار و شهادت اعطا خواهد شد. مهلت ثبت نام و ارسال مدارک تا ۴ بهمن ۱۴۰۳ به دبیرخانه جشنواره واقع در فرهنگ سرای امام رضا(ع) است.

چارسوق
هنر

«بازی مافیا، دن» و «دیو ماه پیشونی ۲» مجوز گرفتند



مدیرکل نظارت و تطبیق ساترا از صدور مجوز انتشار این سازمان برای دو اثر جدید در شبکه نمایش خانگی خبر داد. به گزارش صبا، مهدی سیفی، مدیرکل نظارت و تطبیق ساترا، درباره تازه‌ترین مصوبات جلسه شورای صدور مجوز انتشار

این سازمان گفت: «بازی مافیا، دن» عنوان مسابقه‌ای به کارگردانی محمدرضا درخشان است که مجوز انتشار آن در سکو «فیلم نت» صادر شده است. طراح و تهیه‌کننده این مسابقه محمد جواد سلطانی است و امیرعلی نبویان، حامد آهنگی و بهار قاسمی میریان آن هستند؛ در این مسابقه بازیکنان، مافیا و شرکت‌کنندگان با هدایت این سه نفر به رقابت می‌پردازند. وی افزود: در جلسات مذکور مجوز انتشار یک سریال نیز صادر شده است. سریال «دیو و ماه پیشونی ۲» به تهیه‌کنندگی مهدی یاری و کارگردانی حسین قناعت به زودی از سکو «نماوا» منتشر خواهد شد.

بازیگران سریال «آسمون نارنجی» معرفی شدند



اولین گروه بازیگران سریال «آسمون نارنجی» به نویسندگی و کارگردانی روشن امیری معرفی شدند. به گزارش مهر، اتابک نادری، مینانوروزی، حسن اسدی، شیوا خسرومهر و مریم وطن‌پور از جمله بازیگرانی هستند که در این

اثر مقابل دوربین رفتند. سریال «آسمون نارنجی» که فیلم برداری آن در شهر تهران آغاز شده است، روایت‌کننده داستان صابر دلآوری است. او فردی متمول، پول دوست و مغرور است که شان انسان‌ها را در میزان دارایی‌شان می‌بیند و صاحب رستورانی بزرگ است.

ستاره پسیانی با «آنتیک» به فجر می‌آید



با مشخص شدن زمان نمایش فیلم سینمایی «آنتیک» در سینمای رسانه جشنواره فیلم فجر، تصویر ستاره پسیانی و آن‌ها افسار به عنوان بازیگران اصلی زن این فیلم سینمایی منتشر شد. کمدی «آنتیک» با سوژه‌ای متفاوت و بحث‌برانگیز از

دل تاریخ معاصر را هادی نائیجی کارگردانی و محمود بابایی تهیه‌کنندگی کرده است. پیش از این، از گروه بازیگران این فیلم پرچهره، نام پیمان جمشیدی و بیژن بنفشه‌خواه به عنوان زوج اصلی «آنتیک» رسانه‌ای شده بود. کمدی سینمایی «آنتیک» در دومین روز جشنواره، شنبه ۱۳ بهمن ماه سانس چهارم در سینمای اهالی رسانه در برج میلاد به نمایش درمی‌آید.

زنجبیل؛ هم غذا، هم دوا

درباره ادویه همه کاره‌ای که به جز آشپزی در طب هم کاربرد فراوانی دارد

امیرمقدم | زنجبیل یا زنجبیل یا زنجبیل گیاهی بومی آسیا با هزاران سال قدمت است که به جز چاشنی در غذاها در صنعت دارویی هم کاربرد فراوانی دارد. ما ایرانی‌ها معمولاً زنجبیل را به صورت خشک و پودر شده و به عنوان ادویه استفاده می‌کنیم. این گیاه معطر و تند و تیز ظاهری شبیه سیب زمینی دارد و یک غده خوراکی است. خیلی‌ها آن را ریشه گیاه می‌دانند. در حالی که قسمت مورد استفاده گیاه، ساقه متورم شده زیرزمینی آن است که «ریزوم» نام دارد و از داخل همین ریزوم ها ساقه برگ و گل زنجبیل می‌روید. اگر تا حالا به زنجبیل فقط به عنوان یک ادویه معمولی نگاه می‌کرده‌اید، توصیه می‌کنیم، مطلب امروز ما را که درباره خواص و کاربردهای بسیار این گیاه است، بخوانید تا به جایگاه واقعی این ادویه در آشپزخانه و سبک زندگی‌تان بیشتری ببرید.

ترکیبات زنجبیل

مواد مغذی زیاد موجود در زنجبیل از آن یک مجموعه غذایی کامل ساخته است.

تشکیل دهنده اصلی	مقدار در ۱۰۰ گرم (خشک)
انرژی	۳۳۵ کیلوکالری
کربوهیدرات	۷۱٫۶۲ گرم
پروتئین	۸٫۹۸ گرم
چربی	۴٫۲۴ گرم
آب	۹٫۹۴ گرم
فیبر	۱۴٫۱۰ گرم
قند	۳٫۳۹ گرم
کلسترول	۰٫۰۰ میلی‌گرم

نام ویتامین	مقدار در ۱۰۰ گرم (خشک)
ویتامین A	۲٫۰۰ میکروگرم
ویتامین D	۰٫۰۰ میکروگرم
ویتامین E	۰٫۰۰ میلی‌گرم
ویتامین K	۰٫۸۰ میکروگرم
ویتامین C	۰٫۷۰ میلی‌گرم
تیامین (B1)	۰٫۰۵ میلی‌گرم
ریبوفلاوین (B2)	۰٫۱۷ میلی‌گرم
نیاسین (B3)	۰٫۶۲ میلی‌گرم
کولین (B4)	۴۱٫۲۰ میلی‌گرم
پانتوتیک اسید (B5)	۰٫۴۸ میلی‌گرم
ویتامین B6	۰٫۶۳ میلی‌گرم
فولات (B9)	۱۳٫۰۰ میکروگرم
ویتامین B12	۰٫۰۰ میلی‌گرم

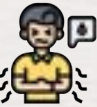
نام ماده معدنی	مقدار در ۱۰۰ گرم (خشک)
کلسیم	۱۱۴٫۰۰ میلی‌گرم
آهن	۱۹٫۸۰ میلی‌گرم
منیزیم	۲۱۴٫۰۰ میلی‌گرم
فسفر	۱۶۸٫۰۰ میلی‌گرم
پتاسیم	۱۳۲۰٫۰۰ میلی‌گرم
سدیم	۲۷٫۰۰ میلی‌گرم
روی	۳٫۶۴ میلی‌گرم
مس	۰٫۴۸ میلی‌گرم
منگنز	۳۳٫۳۰ میلی‌گرم
سلنیوم	۵۵٫۸۰ میکروگرم

خواص بی‌شمار

از بین ده‌ها خاصیتی که برای ادویه زنجبیل می‌توان نام برد، این خواص از اهمیت بیشتری برخوردارند.

- مفید برای دستگاه گوارش به ویژه معده
- کاهش التهاب و دردهای مفصلی
- مفید برای درمان مشکلات ریوی
- کمک به برطرف شدن تهوع بارداری
- مدیریت سطح قند خون و بهبود حساسیت به انسولین
- کمک به گردش خون بهتر
- تقویت سیستم ایمنی در برابر بیماری‌های ویروسی
- کمک به کاهش وزن و لاغری
- تسکین دهنده دردهای قاعدگی و از بین برنده نشانه‌های یائسگی
- افزایش سطح تستوسترون در مردان و بهبود عملکرد جنسی آن‌ها

عوارض جانبی



مصرف زنجبیل برای بیشتر افراد امن و بدون آثار جانبی خاص و نگران‌کننده است، با این حال برخی ممکن است به آن حساسیت نشان بدهند. مانند افرادی که داروهای خاص استفاده می‌کنند، زنان باردار و شیرده یا بیماران مزمن. عوارض جانبی مصرف این ادویه معمولاً در چند دسته کلی خلاصه می‌شود.

- حساسیت پوستی مانند آلرژی، قرمزی، خارش و تحریک پوست
- مشکلات گوارشی مانند سوء هاضمه، سوزش معده و تجمع گازهای روده
- تداخل با داروهایی مانند وارفارین، دیکلوفناک و داروهای قند خون
- تحریک عضلات رحم در دوران بارداری

تداخل دارویی

مصرف هم‌زمان زنجبیل با برخی داروها احتمال تداخل دارویی را افزایش می‌دهد. از بین این داروها می‌توان به این موارد اشاره کرد.

- انوکسپارین سدیم
- وارفارین
- داروهای قند خون
- داروهای کاهنده فشار خون

- ناپروکسین
- آسپرین
- دیکلوفناک
- پلاویکس
- سیکلو سپورین

میزان مصرف زنجبیل نسبت به طبع و شرایط هرفرد متفاوت است. معمولاً مصرف روزانه یک تا سه گرم زنجبیل تازه برای یک فرد بزرگ سال سالم بدون اشکال است. برای مصرف عصاره یا مکمل آن باید نظر پزشک را پرسید.

میزان مصرف

گرم و خشک

زنجبیل طبع گرم و خشکی دارد و برای افرادی که مزاج سرد و تری دارند یک انتخاب عالی است.

مصرف ناشتا

خوردن ناشتای زنجبیل سبب افزایش سوخت و ساز بدن و چربی سوزی بیشتری می‌شود و به کاهش سطح کورتیزول و استرس در طول روز کمک می‌کند.

مزه دار کردن غذاها

برای خوش طعم کردن مواد غذایی مانند مرغ و ماهی که طبع سردی دارند و بوی زهم می‌دهند، زنجبیل یک انتخاب عالی است. برای این منظور باید زنجبیل تازه را رنده کرد و چند ثانیه تفت داد تا عطر آن خارج شود و در کنار این غذاها استفاده کرد.

طعم دهنده شیرینی‌ها

کسی که به پخت شیرینی و دسر علاقه مند است نباید از معجزه زنجبیل غافل شود. عطر بی نظیر این گیاه در تهیه کیک، بیسکویت، شیرینی و دسر می‌تواند آن‌ها را به بهترین و خوش طعم‌ترین خوراکی‌ها تبدیل کند.

نگهداری اصولی از زنجبیل

نوع ماده غذایی	مدت زمان نگهداری	محل نگهداری
زنجبیل تازه کامل	دو تا سه هفته	یخچال
زنجبیل تازه	شش ماه	فریزر
زنجبیل تازه رنده شده	یک هفته	یخچال
پودر زنجبیل خشک	۱۸ ماه	محیط خانه

درمان موضعی

زنجبیل با دارا بودن حدود ۴۰ نوع آنتی‌اکسیدان یک مسکن و ضد التهاب قوی شناخته و میزان اثربخشی آن با داروهای آرام بخش رایج مانند ایبوپروفن مقایسه می‌شود. برای این منظور می‌توان زنجبیل پودر شده را مستقیم در محل درد به آرامی ماساژ داد و روی آن را با پارچه‌ای تمیز بست. زنجبیل رطوبت موضعی را می‌کشد و سبب کاهش درد و التهاب می‌شود.

روش تهیه پودر زنجبیل

بهتر است تا حد امکان پودر زنجبیل را از بازار تهیه نکرد، چون هم کیفیت آن در خانه بسیار ساده و هم کیفیت و تاژی آن تضمین شده است. برای این منظور کافی است:

- پوست زنجبیل را جدا کنید. اگر زنجبیل نرم و تازه است، نیازی نیست پوست آن را جدا کنید.
- با استفاده از یک چاقوی تیز زنجبیل را به حلقه‌های کوچک تر تقسیم کنید. اگر قصد رنده کردن آن را دارید، از قسمت درشت رنده استفاده کنید.
- تکه‌های زنجبیل را ۴ تا ۸ ساعت در دمای ۳۵ درجه سانتی‌گراد قرار دهید. برای این کار می‌توان از دستگاه مخصوص خشک کردن میوه ها کمک گرفت.
- زنجبیل‌های خشک شده را در آسیاب بریزید و به پودری نرم و یکدست تبدیل کنید. (از آسیاب کردن یک چهارم پیمانه زنجبیل خشک، یک قاشق غذاخوری پودر زنجبیل به دست می‌آید).
- پودر زنجبیل را در ظرفی شیشه‌ای و دردار بریزید و در جایی خشک و خنک نگهداری کنید.

روش تهیه حبه زنجبیل خانگی

پاستیل یا حبه‌های زنجبیل یکی از شیرینی‌های خوشمزه و سالم ایرانی است که معمولاً به همراه چای سرو می‌شوند. این حبه‌ها را هم می‌توان به راحتی در خانه تهیه کرد.

مواد لازم
زنجبیل تازه: ۲۰۰ گرم
پودر زلاتین: ۴ قاشق غذاخوری
پودر هل و دارچین: مقدار

- روش تهیه**
- زنجبیل تازه را پوست بگیرید و رنده ریز کنید.
 - زنجبیل رنده شده را همراه یک لیوان آب داخل یک قابلمه کوچک بریزید تا کامل بپزد.
 - زنجبیل که پخت آن را داخل مخلوط کن بریزید و به خوبی مخلوط کنید.
 - زنجبیل زده شده را داخل یک پارچه نخی بریزید و با فشار دست عصاره‌اش را بگیرید.
 - عصاره زنجبیل را به همراه ۲ لیوان آب داخل قابلمه‌ای بریزید و روی حرارت ملایم قرار دهید. کمی پودر هل و دارچین به آن اضافه کنید.
 - نشاسته را در نصف لیوان آب سرد به خوبی باز کنید.
 - پودر زلاتین را هم به نصف لیوان آب اضافه و روی حرارت بخار آب به روش بن ماری باز کنید.
 - پودر زلاتین و نشاسته با زنده و شکر را به قابلمه اضافه کنید و کمی هم بزیند تا مواد یکدست شوند و به غلظتی مانند فرنی برسند.
 - مایه پاستیل را داخل یک سینی لیه دار یا قالب بریزید که از قبل چرب شده است. یک شب آن را در یخچال نگهداری کنید تا خوب منجمد شود.
 - سینی را از یخچال خارج کنید و به اندازه حبه‌های قند برش بزنید و در آرد سفید بغلتانید.
 - حبه‌های زنجبیل را در ظرف مد نظرتان بچینید و یکی دو روز در دمای محیط قرار دهید تا رطوبتشان کامل از بین برود.

از این حبه‌ها می‌توان برای طعم دار کردن غذاها یا دسرها و نوشیدنی‌ها نیز استفاده کرد.

دمنوش زنجبیل

بهترین روش استفاده از زنجبیل، مصرف چای و دمنوش آن است. برای تهیه دمنوش این گیاه بهتر است از زنجبیل تازه استفاده کرد. برای این منظور به ۸۵ گرم زنجبیل تازه نیاز است.

- پس از شست و شوی کامل پوست آن را بگیرید.
- زنجبیل را به لایه‌های نازک برش بزنید.
- کتری را تا نصف آب کنید. حدود ۸۰۰ میلی لیتر و بگذارید جوش بپايد.
- تکه‌های زنجبیل را درون آب بریزید و به مدت ۲۰ دقیقه بر روی حرارت غیرمستقیم دم کنید.
- دمنوش را از درون صافی عبور دهید و به آن کمی عسل به اضافه کنید.

چای سرد



برای تهیه چای سرد زنجبیل بهتر است از زنجبیل تازه استفاده کرد. برای این منظور زنجبیل رنده شده انتخاب بهتری است.

- ۸۵ گرم زنجبیل تازه را کامل بشوید و پوست آن را بگیرید و رنده کنید.
- زنجبیل رنده شده را به حدود یک لیتر آبجوش اضافه کنید و روی حرارت ملایم بگذارید.
- یک عدد لیموی تازه را بفشارید و داخل یک لیوان به همراه مقدار زیادی یخ بریزید.
- چای گرم را به لیوان یخ اضافه و از یک شیرین کننده طبیعی برای شیرین شدن نوشیدنی خود استفاده کنید.

معجون بیماری‌های هوای سرد



افرادی که به دنبال یک سوپ عالی برای این روزهای سرد هستند تا از سرما خوردگی، کرونا و آنفلوآنزا پیشگیری یا روند درمانشان را تسریع کنند، باید سوپ هویج و زنجبیل را امتحان کنند.

مواد لازم
هویج: ۴ عدد
پودر زنجبیل: ۱ قاشق چای خوری
جعفری و پیازچه ساتوری شده با ساقه: ۲ فنجان
پیاز خرد شده: ۱ عدد
روغن زیتون یا کنجد: ۲ قاشق غذاخوری
آب مرغ یا عصاره مرغ: به میزان لازم
سیب زمینی خرد شده: ۱ عدد
نمک و فلفل: به میزان لازم

- روش تهیه**
- پیاز، سیب زمینی و هویج‌های خرد شده را داخل ظرفی بریزید و با روغن زیتون کمی تفت بد دهید.
 - سبزی‌های ساتوری شده را به آن اضافه کنید و پس از کمی تفت دادن پودر زنجبیل را به آن بیفزایید.
 - آب یا عصاره مرغ حل شده در آب را به مواد اضافه کنید و در ظرف را بگذارید تا کمی با بخار آب مواد سوپ نرم شوند.
 - مواد را پس از کمی نرم شدن با یک مخلوط‌کن پوره و داخل ظرف مد نظرتان سرو کنید.



رواق مسقف سیدالشهدا(ع) در حرم حضرت زینب(س)



فاز نخست پروژه صحن حضرت زینب(س) در حرم امام حسین(ع) که ۷۰ درصد آن اجرا شده است



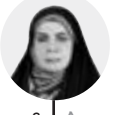
تکاپو در زینبیه

اینجا مجموعه زینبیه است؛ مجموعه ای جمع و جور و کوچک که همه، برکت کاروبارشان را از شکوه نام ائمه(ع) دارند. بچه های زینبیه فعالیت های گوناگونی می کنند؛ در کنار توسعه حرم ائمه(ع)، قرارگاه محرومیت زدایی هم راه انداخته اند، روستاهایی را که نیاز به کمک دارند، شناسایی می کنند و بعد از آن، نوبت به رصد مشکلاتشان می رسد؛ در اولویت گذاشتن مهم ترین هایش. همه این برنامه ها در حاشیه ساخت و ساز حرمین در عتبات عالیات انجام می شود. اصلا شکل گیری «مجمع خیرین حرم ساز» که در «زینبیه» واقع است برای خود جریانی دارد. به قول محمد طه لعلیانی، مدیرعامل مجمع خیرین حرم ساز استان، «ما در حوزه های مختلفی مثل مسجد، مدرسه و مسکن سازی... مجمع خیرین داریم، به جز موضوع حرم سازی که یک اتفاق باعث شد اسفند سال گذشته، این مجموعه درکل کشور تأسیس شود؛ ۳۱ استان در این حوزه مشارکت دارند و ۱۱ شهر فعال تر هستند. خراسان رضوی یکی از این استان هاست». همه این ها به برکت یک جریان است.

مشهدی های حرم ساز

روایتی از تلاش خیران شهرمان برای توسعه و بازسازی حرم حضرت زینب(س)

گزارش روز



مجموعه قرآنی کربلا خیرنگار

«می شود من را به اسم دعا کنید لطفا؟». همین مشهد، توی یکی از کوچه پس کوچه های شهرمان، میان بالا و پایین و تالطم این دنیای سخت، حالا بهترین فرصت برای حرف زدن است. زیارت حتی از راه دور هم می چسبد و رودر بایستی نمی گنم و می گویم می شود من را به نام دعا کنید بی بی جان؟ بعد آهسته و برآی لحظه ای کوتاه، چشم هایم رامی بندم. انگار می خواهم اولین نفری باشم که می رسم به ضریح و دست می کشم به درچه های مشبک و نورانی اش. دل سپردن به یک نیروی عظیم و بزرگ، همیشه آدم را سبک می کند. انگار پشتت به کوه گم کرده است و کسی نمی تواند زیر پایت را خالی کند. قرار است روایت امروزمان درباره خیران حرم ساز باشد و توسعه حرم حضرت زینب(س)، پس همه چیز را به خودش می سپارم.

ما آنجا را نساختیم آن ها ما را ساختند!

لعلیانی عبارت جالبی به کار می برد: «ما آنجا را نساختیم؛ آن ها ما را ساختند؛ البته کار به این سادگی ها که فکرش را می کنید، نبوده است. گاه کارگره می خورد و پیش نمی رفت و مستأصل و خسته می ماندیم. اغراق نیست که بگویم معجزه رخ می داد؛ مکرر و پشت سرهم؛ مثل آن روز که اوضاع خوب نبود و کار پیش نمی رفت. یک شب حرم حضرت رقیه(س) بودم با حال گرفته. داشتند ضریح ایشان را عوض می کردند و اطرافش بسته بود. یکی از دوستان پرسید: دوست داری بروی زیارت؟ گفتم: نیکی و پرسش؟ زیارت در هر حالی نشاط معنوی دارد اما بعضی وقت ها بیشتر به دل آدم می چسبد. زیارت آن شب، خیلی به من چسبید. سبک شده بودم. انگار که توی زمستان سرد، گرمای آفتابی را جرعه جرعه توی رگ هایم ریخته باشند. شاید باورتان نشود، از فردا کارها ردیف شد؛ خیلی باور نکردنی، برگشته بودم. مشهد قرار ساخت دو در طلا در مشهد بود؛ یکی برای قسمت مردانه و یکی هم برای بانوان. یادم هست هنرمندی که با او همکاری قرار داد بسته بودیم، رنگ زد و گفت سوریه هستم. اولش فقط حال و احوال کردیم و مکالمه تمام شد اما بعد یادم افتاد حالا که فرصت پیش آمده او رفته است سوریه، چه خوب است که جای درها را هم اندازه بگیرد تا دوباره کاری نشود. زنگ زد. گفت: «مشهد هستم اما بر حسب اتفاق، مدیر هنری ستاد توسعه و بازسازی عتبات عالیات آنجا بود و من این کار را انجام دادم». من فهمیدم ساخت و ساز کار ما نیست و هدایت کننده شخص دیگری است.»

انتخاب شدن توسط حضرت زینب(س)

اول از همه، تحقیقات را شروع می کنند و بعد مقدمات سفر به سوریه را. لعلیانی تعریف می کند: «اولین سفرمان به سوریه بود. هم من و هم جوانی که قصد انجام کار برای حرم بی بی(س) را داشت. خلاصه اش کنم؛ رسیدیم به حرم و زانو زدیم و اجازه ورود خواستیم. از حرکات جوان مشخص بود که حجت بر او تمام شده و از تصمیمی که گرفته، راضی است. خواست کار را شروع کنیم. من هم کم نیاوردم و گفتم قدر این انتخاب شدن را بدان! پیشنهاد اول این بود که مصلی را بازسازی کنند. مصلی ۲ هزار مترمربع فضای سوله مانند چسبیده به حرم بود که برای برگزاری مراسم مختلف استفاده می شد؛ نماز جمعه و امثالهم. کار به مرحله طراحی نقشه هم رسید. خبر به رهبر معظم انقلاب رسیده بود و آقا گفتند صلاح نیست کار آنجا انجام شود و اگر برنامه ای داریم، در خود حرم انجام شود و با این حکم، دست ما بازتر شد». تمام لحظه هایی که لعلیانی ماجرای این اتفاق را تعریف می کند، به این موضوع فکر می کند که انس با ائمه(ع) هم به کار دنیا می آید و هم به کار آخرتیمان: «روزهای اول تصور عملی شدن این اتفاق و تمام شدن آن در حد یک آرزو بود. اما کارها زودتر از چیزی که تصورش را می کردیم، پیش رفت. سفر ما در اسفند ۱۳۹۹ رخ داد. تفاهم نامه ما با ستاد توسعه و بازسازی عتبات عالیات کل کشور، سال ۱۴۰۰ بسته شد و رواق سیدالشهدا(ع) در سالروز میلاد حضرت علی(ع) در سال گذشته، رسماً به بهره برداری رسید. او سعی می کند تمام ماجرا و رفت و آمد این چند سال را خلاصه تعریف کند: «حساب و کتاب کردیم. فضای مسقف حرم حضرت ششصد مترمربع بود؛ یعنی به اندازه یکی از مسجدهای ما. در این طرح، ۳۰۰ هزار و ۳۰۰ مترمربع برای این رواق در نظر گرفته شد، با این حساب فضاهای مسقف به ۲ هزار و ۹۰۰ مترمربع افزایش یافت. و مرحله بعد رسید؛ سپردن کارها به دست اهلس؛ هنرمندان و اهل فن. در همه کارها زبده ترین و حرفه ای ترین استادها به کار گرفته شدند و همچنین بهترین مصالح؛ همه و همه از سنگ و کاشی و آیینه کاری گرفته تا انتخاب لوسترها». لعلیانی انگشت اشاره اش را به سمت لوسترهایی می گیرد که به نظر در همان فضای تصویری مثل اونگ تکان می خورد. می گوید: در طراحی و استفاده آن ها سعی کردیم با فضا همخوانی داشته باشد. او از موضوعی یادش می آید و می خواهد که در روایتمان این نکته از قلم نیفتد: «خیلی قبل تر از ما مرحوم سید حسین صدیقی که خدا با او لیا هم نشینش کند، ستون های این رواق را بنا کرده بود اما اجل مهلتش نداد؛ البته افراد زیادی در این مسیر همراهی و کمکمان کردند که یکی از آن ها سردار شهید سیدرضی موسوی بود که نقش مهمی در جبهه مقاومت داشت. همه کسانی که گوشه ای از کار را گرفتند، می دانند که ائمه(ع) همه رؤف هستند و زیر دین کسی نمی ماند.»

حرم هرگز غریب نمی ماند!

هرگز وجود حاضر غایب شنیده ای / من در میان جمع و دلم جای دیگر است
ما دوریم، نه، آنچه دور از حرم است، جسم ماست اما جانمان تا ابد چراغ دار حرم خواهد بود. ما نزدیکیم. حکایت ما «وجود غایب حاضر» است. در اقصای عالم هم اگر باشیم، جای ما در حرم است و نقش ما مدافع حرم. ما را نماد او ایس قرن است که از یمن، عطر مصطفی(ص) را استشمام می کرد. به او عشق می ورزید. برای او جان می داد. در قرن ۱۱۵ اگر «قرن» ما را به هرجا ببرند، باز ما را با حرم شما حکایتی است که جز به حکمت زینتی نمی توان فهمید. ما امسال هم شام وفات شما



غلامرضا بنی اسدی

می دانند. این خوانش هم تحریری است و به ویرایش رسیده از روایت نبوی «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَاهُ هَذِهِ الْأُمَّةُ مِنْ وَ عَلِيٌّ» دو پدر این امت هستیم». ما شما را عمه صدا می کنیم. صلا یمان در جهان هم بر صد است؛ آن گونه که اصحاب تکفیر هم بدانند که حساب حرم با ماست. دستنی غبار برافشانند، در آن دفن خواهد شد. دور باشیم یا نزدیک، فرقی نمی کند. غیرت شیعه، غریب زداست. این را به سالیان گواهی دادیم؛ در شام ماندیم تا صاحب به احترام شما بی بی، خورشید به سلام آید. بعد این هم با افتخار خواهد آمد. هر چند حکایت ما همان است که شیخ اجل سعدی (علیه الرحمه) به روزگاران خوانده است؛

روزی که درها به روی مردم باز شد

حالا لعلیانی به وقت تعریف کردن از تاریخ افتتاح می رسد: «در آن خلوت ناب حرم حضرت زینب(س) با همان خیر جوان دو رکعت نماز خواندیم و بعد درها به روی دل های مشتاق مردم باز شد. ما دعا کردیم درگوشه ای از دفتر و دستک حضرت زینب(س) و امام حسین(ع)، نام ما هم باشد». کمی بیشتر که حرف می زند، می فهمم بین گروه های مختلفی که هر کدام بخشی از کار را عهده دار هستند، سید محمد کاظم مظلوم زاده، هنرمند اصفهانی، از همه شهره تر است؛ طراح کارهای سنتی حرم های مختلف و به ذهن می سپارم که حتما سراغش بروم. لعلیانی به این جای کلام که می رسد، لازم می داند در مورد طرح توسعه حرم مطهر امام حسین(ع) هم حرف بزند که کمک خیران در نقاط مختلف می تواند گروه گشا باشد: «در طرح توسعه ۳۸ هکتاری حرم امام حسین(ع) قرار است سه صحن ساخته شود که صحن حضرت زینب(س) در حال ساخت است و فاز اول آن، صحن عقبله بنی هاشم(ص) نام گرفته است. صحن و شبستان حضرت زینب(س) مساحت پنج هکتاری دارد و با پایان این پروژه، پنج برابر ظرفیت فعلی برای زائران فراهم می شود که در ایام و مناسبت های خاص مثل اربعین و... خیلی کمک حال خواهد بود. ما برای سرعت بخشیدن به این طرح، شهرها و شهرستان ها را برای جمع آوری مبالغ کمک، بسیج می کنیم. ما هزینه نما سازی بیست حجره را قبول کردیم و یک طرح پیشنهادی هم داریم. کسانی که توانایی مالی دارند، می توانند در کار حرم سازی شریک شوند. هزینه این کار به صورت معمول یک میلیارد تومان است و در عوض، سردر کاشی های آن حجره، نام شخص و امواتش، قید و برای شخص، سند معنوی صادر می شود». حرف های لعلیانی زیاد است اما وقت ما کوتاه. فکر می کنم عمرم به اینجا رسیده و هنوز قسمت نشده است بروم سوریه زیارت، ولی نشاط معنوی اش را همین طور هم حس می کنم و این طور وقت ها درمی مانم. باید فرهنگ لغت دیگری باشد وقت تعریف از این روزها و لحظه ها و همان جمله اول را وقت خدا حافظی تکرار می کنم: «اگر قسمت شد رفتید سوریه، می شود من را به اسم دعا کنید لطفا؟»

علاقه مندان برای مشارکت در طرح توسعه و بازسازی حرم حضرت زینب(س) می توانند مبالغ اهدایی خود را به شماره ۰۸۱۸۶۱۱۴۷۲۰۰۸ بانک صادرات با شماره ۴۴۶۰ واریز کنند.

۶۰ سال عاشقی در حرم بی بی(س)

با سید محمد کاظم مظلوم زاده، هنرمند اصفهانی، تلفنی گپ می زنم. کسی که شصت سال کار هنری می کند. کاشی، مقرنس و آیینه کاری و... شصت سال یک روز و دو روز که نیست. حساب یک عمر است. از همان ده سالگی که همراه حاج حسن، پدرش، برای پروژه ای که دستش گرفته بود، رفت سوریه و ماندگار شد کنار خانواده اش. رفته رفته شبیه پدرش عاشق این کار شد. افتخارش این است که هم سال های کودکی و هم سالمندی اش را در حرم حضرت زینب(س) مشغول بوده است؛ البته او کارنامه پروپیمان از فعالیت های هنری در حرم های ائمه(ع) دارد؛ درست مثل پدرش از کار کردن در فضاهای مذهبی لذت می برد. استاد می گوید: اول کارم در حرم حضرت زینب(س) با این شروع شد که کاشی ها را برای نصب، نمره زنی می کردم؛ البته گروه زیادی بودیم. این بار هم گروه زیادی بودیم که کاشی کاری و کاشی کاری و آیینه کاری رواق سیدالشهدا(ع) را در سوریه انجام دادیم.

راه تعزیت می نشینیم. اگر جسم ما را در حرم جایی نیست، جانمان حرم شماست. ما حرم را تنها رها نمی کنیم. مرزها هم که دیوار شوند، قطعا شهدایمان از دیوار خواهند گذشت. امسال حرم شما را شهدای مدافع حرم، غبار خواهند روفت. اقدامه عزا خواهند کرد. کربلا خوانی به پا خواهند داشت تا بیزید و اسلاف و البته اخلافت در امروز بفهمند که عاشورا همچنان در امتداد است. این بار، ایل عجم ها قامت افراشته است. ترجمه فرمایید برای بیزید و بیزیدی ها که: ایل ما ایل عجم هاست که یک کودک ما/ جگری با جگر شیر برابر دارد. نه، امسال هم غریب نیستید عمه جان! هیچ وقت غریب نخواهید ماند. جوانان بنی فاطمی تا قیامت، در غربت زدایی و دفاع از حرم غیرت دارند.

دست ما هم کوتاه باشد، به دلمان، پاسدار حرم می شویم. مدافع حرمتی می شویم که به نام شما بی بی، به همه ما احترامی تاریخی داده است. دست ما بسته هم اگر باشد، باز دلمان را به هر تیش، فدای شما می کنیم. «مقام سیده زینب(س)» چون خود حضرتان محترم است. داعش که آتش برپا کرد، گفتیم اگر بسوزیم هم، این آتش را چنان فرومی نشانیم که از بارافروزدگانش هم جز خاکستر نماند. مدافعان حرم فقط کسری از عاشقان بودند که سعادت حضور در میدان یافتند. هر کدام نماینده بسیاری بودند که اگر روزی اقتضا کند، «قضا» ی حضور را چنان «ادا» خواهند کرد که به غیبت «غیر» بینجامد. شما فقط عمه سادات نیستید؛ عمه همه کسانی هستید که در ایمان به امت، خود را در هندسه عاشورا صاحب نقش

یادداشت

دست ما هم کوتاه باشد، به دلمان، پاسدار حرم می شویم. مدافع حرمتی می شویم که به نام شما بی بی، به همه ما احترامی تاریخی داده است. دست ما بسته هم اگر باشد، باز دلمان را به هر تیش، فدای شما می کنیم. «مقام سیده زینب(س)» چون خود حضرتان محترم است. داعش که آتش برپا کرد، گفتیم اگر بسوزیم هم، این آتش را چنان فرومی نشانیم که از بارافروزدگانش هم جز خاکستر نماند. مدافعان حرم فقط کسری از عاشقان بودند که سعادت حضور در میدان یافتند. هر کدام نماینده بسیاری بودند که اگر روزی اقتضا کند، «قضا» ی حضور را چنان «ادا» خواهند کرد که به غیبت «غیر» بینجامد. شما فقط عمه سادات نیستید؛ عمه همه کسانی هستید که در ایمان به امت، خود را در هندسه عاشورا صاحب نقش

خداوندا، ز آفاتش نگه دار!

ادله منطقی برای عمر طولانی امام مهدی (عج)



حجت‌الاسلام والمسلمین خداداد نصیر...
کارشناس مرکز تخصصی علوم اسلامی

غیبت طولانی که از همان نخستین سال‌های حیات حضرت مهدی (عج) (حدود پنج سالگی) شروع شده، عاملی است که موجب می‌شود ما از امور و مسائل زندگی شخصی امام زمان (عج)، اطلاعات دقیق و مستندی نداشته باشیم. بسیاری از علاقه‌مندان امام زمان (عج) درباره زندگی ایشان و اینکه آیا همسر و فرزندی دارند یا نه، سؤال می‌پرسند، البته پاسخی متقن و مستند نمی‌توان به این پرسش‌ها داد، چون این هم از پیامدهای غیبت حضرت بقیه... الاعظم (عج) است. اما بی‌اطلاعی از آن‌ها به معرفت و شناخت ما از امام عصر (عج) ضرری نمی‌رساند و دانستنشان، اعتقادات ما را تقویت نمی‌کند. خوب است درباره موضوعاتی سخن بگوییم که به تقویت دین و اعتقادات و معرفت ما به امام، کمک کند.

از ویژگی‌های حضرت مهدی (عج) طول عمر ایشان است. بیش از ۱۲۰۰ سال از عمر امام مهدی (عج) می‌گذرد (تقریباً ۱۱۸۰ سال). این عمر طولانی برای آن است که طبق اراده الهی، آن حضرت، آخرین حجت خدا و بقیه... الاعظم (عج) برای اجرای اهداف اولیا و انبیا هستند که باید تا زمان ظهور و قیام جهانی این حیات ادامه یابد. ممکن است درباره چرایی این طول عمر پرسیده شود؛ چون در دنیای امروز ما، عمرها محدود است و تعداد کمی از انسان‌ها به بالای صد سالگی می‌رسند. لذا باور عمر چندقرنی سخت است. اما این موضوع از نظر عقل و علم پزشکی و تاریخ و از نظر کتاب‌های آسمانی تورات، انجیل و قرآن، عجیب و غریب نیست و امکان دارد.

در قرآن، آیه‌ای است که نه تنها از عمر طولانی بلکه از امکان زنده ماندن انسان تا روز قیامت خبر می‌دهد؛ چنان‌که می‌فرماید: اگر حضرت یونس (ع) در شکم ماهی تسبیح خدا را نمی‌گفت، تا روز قیامت در شکم ماهی باقی می‌ماند؛ یعنی علاوه بر حضرت یونس (ع) آن نهنگ هم عمر جاودان می‌یافت.

علاوه بر این، قرآن کریم در آیه ۱۰۴ سوره مبارک عنکبوت می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا آلَى قَوْمِهِ فُلَيْتَ فِيهِمْ آلُفَ سَنَةً إِلَّا خَشِيَ بُنْعَامًا...» و به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم. پس در میان آنان، هزار سال به استثنای پنجاه سال درنگ کرد...» یعنی حضرت نوح (ع) فقط ۹۵۰ سال نبوت داشته است. در روایات برای ایشان عمر ۲۴۵۰ سال ذکر شده است و نیز برخی روایات بر عمر ۴ هزار سال ایشان تأکید می‌کنند.

امام سجاد (ع) فرمودند: «در مهدی (عج) ما شیوه و سنتی از نوح (ع) است و آن، طول عمر ایشان است». درباره حضرت عیسی (ع) نیز قرآن می‌فرماید: «وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَّوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ» یعنی عیسی (ع) کشته نشده و به صلیب کشیده نشده است، بلکه خدای تعالی او را به آسمان برده است. در آیه ۱۵۷ سوره مبارک نسا بر زنده بودن حضرت عیسی (ع) تصریح می‌شود. مهم آنکه همه فرق اسلامی حتی وهابیت به استناد قرآن، به این حیات اعتقاد دارند که نزدیک به ۲ هزار سال از عمر ایشان گذشته است.

در تورات و انجیل هم از عمر طولانی برخی انبیا سخن به میان آمده است، چنان‌که می‌گوید: تمام ایام آدم، ۹۳۰ سال بود که فرمود، تمام ایام نوح ۹۵۰ سال بود که فرمود، تمام ایام قینان پیغمبر ۹۱۰ سال بود که فرمود، یعنی تورات، افرادی را که پیش از ۹۰۰ سال عمر داشته‌اند، به تصریح نام برده است. در عهد جدید، بخش اعمال رسولان، آیات یک تا ۱۲ به زندگی دوباره حضرت عیسی (ع) و آمدن دوباره او اشاره شده است. عمر بشر در آیین یهود و مسیح هم به ۱۰۰۰ سال محدود نمی‌شود. همچنین از نظر علمی و عقلی طول عمر پذیرفته شده است. علم پزشکی هم این موضوع را تأیید می‌کند.

فراتر از این، باید بدانیم چه کسی عصای موسی (ع) را از آنها کرد، چه کسی از دل کوه برای صالح (ع) شتر بیرون آورد، چه کسی بنی اسرائیل را به سلامت از نیل عبور داد، پاسخ همه این سؤالات، خداست. چنین خدایی نمی‌تواند عصاه معجزات همه انبیا و اولیای الهی را که مجری همه وعده‌های قرآن است، در آخرین ذخیره خود که قائم برحق است، قرار دهد و به او عمری طولانی عنایت کند؟ امام حسن مجتبی (ع) فرمودند: «خدا عمر او را در دوران غیبتش، طولانی می‌کند و بعد به قدرت خدایی اش، در سیمای جوانی تقریباً چهل ساله آشکار می‌کند تا مردم بدانند خدا بر هر کاری تواناست.»

پاک‌کنندگی تابش آفتاب

در این ستون به پرسش‌های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید پرسش‌های خود را به شماره پیامک ۲۸۹۰۲۰۰۰ یا ما در میان بگذارید.

پرسش: آیا تابش نور آفتاب می‌تواند البسه و پتو یا فرش را هم پاک کند؟

آفتاب؛ زمین و ساختمان و چیزهایی مانند در و پنجره که در ساختمان به‌کار برده شده‌اند و همچنین میخی را که به دیوار کوبیده‌اند و جزو ساختمان حساب می‌شود، با شش شرط پاک می‌کند:

[اول]

چیز نجس به طوری تر باشد که اگر چیز دیگری به آن برسد، تر شود، پس اگر خشک باشد، باید به وسیله‌ای آن را تر کند تا آفتاب خشک کند.

[دوم]

اگر عین نجاست در آن چیز باشد، پیش از تابیدن آفتاب، آن را برطرف کنند.

[سوم]

چیزی از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند، پس اگر آفتاب از پشت پرده یا پر و مانند این‌ها بتابد و چیز نجس را خشک کند، آن چیز پاک نمی‌شود، ولی اگر ابر به قدری نازک باشد که از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند، اشکال ندارد.

[چهارم]

آفتاب به تنهایی چیز نجس را خشک کند، پس اگر مثلاً چیز نجس به واسطه باد و آفتاب خشک شود، پاک نمی‌شود، ولی اگر باد به قدری کم باشد که نگویند به خشک شدن چیز نجس کمک کرده است، اشکال ندارد.

[پنجم]

آفتاب مقداری از بنا و ساختمان را که نجاست به آن فرورفته است، یک مرتبه خشک کند، پس اگر یک مرتبه بر زمین و ساختمان نجس بتابد و روی آن را خشک کند و دفعه دیگر زیر آن را خشک کند، فقط روی آن پاک می‌شود و زیر آن نجس می‌ماند.

[ششم]

مایین روی زمین یا ساختمان که آفتاب به آن می‌تابد، جسم پاک دیگری فاصله نیابد.

[*]

همچنین آفتاب، حصیر نجس را پاک می‌کند و درخت و گیاه نیز به واسطه آفتاب پاک می‌شوند.

[*]

بنابراین تنها راه پاک شدن لباس و پتو یا فرشی که نجس شده است، شستن با آب است و این وسایل اگر نجس شوند، با تابیدن آفتاب بر آن‌ها پاک نمی‌شوند.



شنبه
۱۵ دی ۱۳۹۳
شماره ۴۴۰

۱۴
SHAHARANNEWS.IR



حضرت محمد (ص): إِنْ أَمَّا... يُبْعَثُ النَّبِيَّ فِي حَيَاتِهِ، السَّخِرَ عِنْدَ وَفَاتِهِ (میزان الحکمه، جلد پنجم)

روشنا

خداوند از کسی که در زمان حیات خود خسیس باشد و در هنگام فرارسیدن مرگش بخشنده شود، نفرت دارد.

بررسی فزاینده‌ی مهم زندگی عقیده ولایت، حضرت زینب (س) که محور مقاومت را زنده نگه داشت

حامی ولایت، ناجی مقاومت

آمنه مستقیم! بیشتر ما حضرت زینب (س) را به نقش آفرینی بی‌مثالشان در واقعه کربلا و رساندن پیام عاشورای حسینی می‌شناسیم و شاید کمتر توجه کرده باشیم به اینکه آن بانو یک شبه به چنان فضایل و مقامات دست نیافت، بلکه عمری مجاهدت، خودسازی و تربیت در محضر معصومان (ع) بود که سرانجام کار را به جایی رساند که به تعبیر شاعر، کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب (س) نبود. به مناسبت فرارسیدن سالروز رحلت عقیده بنی‌هاشم (س) و در بررسی سیره و منش آن بانوی بزرگوار، با معصومه ظهیری، استاد حوزه و دانشگاه، گفت‌وگو کرده‌ایم.

خدا محور در همه لحظات

نیمه‌ماه‌رجب در تاریخ قمری، مصادف است با رحلت جانسوز عقیده ولایت امیرالمؤمنین (ع)، ثمره ازدواج امیرمؤمنان (ع) و زهرای مرضیه (س) و همچنین چهره درخشانی که بسیاری از مورخان وقتی می‌خواستند وقایع این خانواده را بنگارند، بعد از امام حسین (ع) و امام حسن (ع) رسیدند به دختری که زینت پدر نام گرفته بود و زندگی مبارکش سراسر ایمان، تقوا، جهاد، هجرت، انبار وفاداری، صبر و استقامت، شجاعت، مدیریت بحران، علم و خدامحوری در همه لحظات بود.

مدیریت امور با عقلانیت

تای به‌کاررفته در واژه «عاقله» برای حضرت زینب کبری (س)، از جنس تأیید نیست، بلکه تای تکثیر است؛ یعنی بانویی که بسیار اهل عقلانیت است و امور را با عقل مدیریت می‌کند و با وجود زن بودن، عقل بر احساسش غلبه دارد و در کنار ذکاوت و حسن تدبیر و اندیشمندی، بانویی محدث، مفسر و معلم است و این ویژگی معلم و عالمانه بودن در تأثیرگذاری ایشان بر امور اجتماعی و ارتباط با مردم، کاملاً محسوس و مورد توجه بوده است.

اثرگذار در حیات ۷ معصوم (ع)

کمتر چهره‌ای داریم که محضر هفت معصوم (ع) را درک کرده و در همراهی با آن‌ها تأثیرگذار بوده باشد. زینب کبری (س) محضر پیامبر (ص)، حضرت زهرا (س)، امیرالمؤمنین (ع) و سپس امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، امام سجاد (ع) و امام باقر (ع) را درک و به آن‌ها خدمت کردند؛ هرچند اوج قله حرکت فردی، خانوادگی و اجتماعی حضرت زینب (س) از مدینه به مکه، سپس به کربلا، از آنجا به کوفه و شام و نهایتاً بازگشت به مدینه است.

همراهی آگاهانه با کاروان کربلا

حضرت زینب (س) از نظر شخصیتی، فردی مدیر، وفادار به امامت و بانویی امین برای امامت و عبد صالح خدا و تکلیف‌مدار بودند و همراهی ایشان با کاروان کربلا یک انتخاب فردی و آگاهانه بوده است. علاوه بر این، ایشان همسری وفادار و همدل بودند و با اینکه همسرشان به دلیل شرایط جسمی امکان همراهی امام حسین (ع) را نداشت، به حضرت زینب (س) اجازه حضور در کنار سیدالشهدا (ع) و کاروان کربلا را داد.

نزدیک‌ترین چهره به معصومان (ع)

وقتی از حضرت زینب (س) به‌عنوان نزدیک‌ترین چهره به معصومان (ع) -که خود معصوم نیست- یاد می‌کنیم، می‌بینیم سیره و روش، منش و اندیشمندی، ایشان را به قدری بلندمرتبه کرده است که در نگاه‌های مهم صدر اسلام، نامشان در کنار حضرات معصوم (ع) می‌آید و جنبه‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی و نیز عملکرد و کنشگری و تأثیر اجتماعی این بانو بسیار درس‌آموز است. برای درک بهتر این درس‌ها باید زندگی عقیده خانه ولایت را در سه برهه زمانی بررسی کنیم.

حضور اثرگذار به‌عنوان مادر شهید

از ویژگی‌های مهم سیره حضرت زینب (س) نقش آفرینی درست و به‌جا در همه برهه‌هاست. ایشان در هنگام واقعه عاشورا اگرچه پنجاه و چهار سال سن داشتند، از نظر فردی، مسئولیت‌پذیر، مسلط بر اوضاع، ولایت‌مدار و دارای قدرت مدیریت بحران بودند. در جایگاه مادری نیز فرزندان را تربیت کردند که حامی و مدافع امام زمان خود بودند و بنا بر نقل تاریخ، دو پسر ایشان در یکی از منزلگاه‌ها به کاروان امام حسین (ع) پیوستند و در کربلا به شهادت رسیدند. زینب کبری (س) با وجود تمام عشق مادری حتی با پسر مطهر آن‌ها مواجه نشدند تا می‌آید آس مادری پرور و حیه ایشان غلبه کند!

راوی خطبه حضرت زهرا (س)

مرحله اول در زندگی ایشان در محضر و همراهی با مادر گذشت و با اینکه بسیار کوتاه بود، این انس و بهره‌مندی از عاطفه و علم مادر به قدری در وجودشان تأثیر گذاشت که نام حضرت زینب (س) جزو راویان خطبه حضرت زهرا (س) آمده است. پس از آن، همراه پدر بودند تا اینکه شرایط ازدواج به‌نگام برایشان مهیا شد و تشکیل خانواده دادند اما باز هم از همراهی با امام زمان خود و ولایت، دست نکشیدند و بعد از به خلافت رسیدن پدرشان، امیرالمؤمنین (ع)، همراه ایشان به کوفه رفتند.

حفاظت از بقیه... زمان

شخصیت، ایمان و اراده و تدبیر زینب کبری (س) به‌گونه‌ای بود که مسئولیت اجتماعی مقابله با ظلم و زیاده‌طلبی، دفاع از ولایت، همراهی و شاید فرماندهی در میدان در زمانی که اقتضای آن می‌کند و هنگامی که امام زمانشان و یاران‌شان به شهادت رسیده‌اند و حفظ جان بقیه... یعنی امام سجاد (ع)، به این بانو سپرده می‌شود. لذا این برهه از حیات عقیده بنی‌هاشم، همه ابعاد زندگی ایشان را شامل می‌شود؛ کسی که جز خدا را نمی‌بیند و او را حاضر و ناظر بر همه احوال خود می‌داند.

آموزش زنان کوفه

در دومین دوران زندگی، حضرت زینب (س) علاوه بر هجرت از مدینه به کوفه، به دلیل وضع مالی خوب همسرشان، مهمان‌خانه‌ای برای میزبانی از نیازمندان برپا کردند و پذیرای آن‌ها بودند. علاوه بر این، برای زنان و دختران کوفه، کرسی درس و بحث به‌راه‌انداختند و در آن کرسی، تفسیر قرآن و حدیث می‌گفتند و به سؤالات بانوان پاسخ می‌دادند. احاطه علمی ایشان بر مسائل به قدری بود که امام سجاد (ع) از ایشان به «عالمه غیرمعلمه» (بانویی دانشمند که از کسی آموزش ندیده است)، یاد می‌کند.

نقش آفرینی در مدینه

فصل سوم حیات بابرکت زینب کبری (س)، بعد از شهادت امیرالمؤمنین (ع) و بازگشت به مدینه آغاز می‌شود، برهه‌ای که با وقایع خاص همراه است. اینجا هم حضرت زینب (س) مورد اعتماد امام زمان خود است و در زمان شهادت امام حسن مجتبی (ع)، زینب کبری (س) نزد برادرشان، امام حسین (ع)، می‌آیند و امور مدیریت می‌کنند؛ البته این فصل دو بخش دارد: نخست زمان امامت امام حسن (ع) که به همراه امام، به امور زنان مدینه هم رسیدگی می‌کردند و بخش دوم، همراهی با امام حسین (ع).

زنده نگاه داشتن محور مقاومت

از مهم‌ترین فزاینده‌های حیات زینب کبری (س)، مدیریت امور داخلی کاروان کربلا در آن شرایط بحرانی و جنگ تحمیلی بوده که امام حسین (ع) کار رسیدگی به امور زنان و کودکان و تقسیم ارزاق در شرایط تحریم رایه‌ایشان سیر شدند. بعد از شهادت امام حسین (ع) و یاران‌شان نیز تسکین دهنده آلام کاروان اسرا بودند و با عکس‌العمل‌های با مقابله دشمن، محور مقاومت را زنده نگاه داشتند و در شرایطی که به‌ظاهر همه چیز به نفع دشمن تمام شده بود، کاری کردند که از خاکستر و آتش کربلا، ققنوس‌های تازه نفس متولد شدند؛ برای همین می‌گویند: «کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب (س) نبود.»

درسی بزرگ برای تاریخ

با مدیریت به‌جا و عقلانی و مشی اقتدار و سعه صدر حضرت زینب (س)، زنان و کودکان کاروان کربلا راوی حق شدند و نقاب از چهره زور و تزویر و ریای دشمن برداشتند و پیام عاشورا را از مرزهای محصور نینوا، خارج و به بیرون از مرزهای شبه جزیره عربستان صادر کردند. این چنین، جمع‌بندی فوق‌العاده بین‌توان فردی، ایجاد همدلی میان دختران و پسران هاشم و نقش آفرینی اجتماعی فراز از زمان و مکان برای زینب کبری (س) رقم خورد و عقیده ولایت برای همیشه ثابت کردند که زنان نیز در کنار مدیریت احساس همسری و عاطفه مادری و در عین اینکه دستی بر گروه‌تربیت نسل صالح‌دارند، بادیست دیگر، سلامت و سعادت جامعه را در محور رضایت الهی رقم می‌زنند.

دیدگاه معصومان (ع) درباره نظم و انضباط

نظم و نظام باعث آسودگی است

غذا و چربی وجود داشت و فکر می‌کرد که این لکه‌ها قابل رؤیت نیستند، لکه‌هایی که بر اثر طولانی بودن مدت حضورشان بر روی لباس، ثابت شده بودند. در کنار همه این‌ها، او معتقد بود از نظم ذهنی خوبی برخوردار است و در پی تمام این بی‌نظمی‌ها، نظم وجود دارد، نظمی که فقط خودش آن را می‌دید، در ذهنش بود ولی هیچ نمود خارجی و بیرونی نداشت. نظم و ترتیب در انجام همه کارها،

نیولوفر نویسی دفتر، کیف پول، سوئیچ ماشین، کلاه و شال‌گردن، جوراب، عینک، انگشتر، ساعت، پلاستیک خریدهایش و پوست شکلاتی که پشت در خانه آخرین تکه‌اش را خورده بود، به ترتیب وسایلی بودند که بر روی پیشخوان آشپزخانه جا خوش کرده بودند. سویشرت و شلوارش نیز روی مبل کناری بود، چرا که فردا عصر، کلاس داشت و باید دوباره همان لباس‌ها را می‌پوشید. از راه که می‌رسید، خسته بود. وقت شستن خریدها و میوه‌ها را نداشت. از پلاستیک میوه‌های نیست کنار سینک ظرفشویی، یک سیب و یک پرتقال برداشت و آن‌ها را آبی کشید. چاقویی پیدا کرد، گوشه‌اش

سبب می‌شود در کمترین زمان ممکن، بیشترین بهره‌وری را داشته باشیم. در دین مبین اسلام نیز توصیه‌ها و احادیث بسیاری از معصومین (ع) در این باره آمده است. در نامه ۴۷ نهج البلاغه، امام علی (ع) در وصیت‌نامه خود شان خطاب به دو فرزند بزرگوارشان، امام حسن (ع) و امام حسین (ع)، می‌فرماید: «به شما و همه فرزندانم و هرکه نامم‌ام به او رسد، به ترس از خدا و نطم در کارهایتان، سفارش می‌کنم» و همچنین در نامه ۵۳ نهج البلاغه، حضرت خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «هر چیز را در جای خود قرار بده و هر کار را در هنگام خود انجام بده!».



شنیدنی

گفت‌وگو با محمدرضا مدبری، آکروبات‌کار قدیمی که یک عمر مردم را با جنگ‌های مختلف در پارک «ملت» مشهد سرگرم کرد

ژانگولربازی از چشم همه افتاده است

قاسم فتحی، تترسی برای محمدرضا مدبری ۷۷ ساله فقط یک ویژگی ظاهری نیست. او به معنای دقیق کلمه جرئت دارد و تادلتنان بخواد با شهامت است؛ یعنی انکار این خصیصه تبدیل شده به ماهیچه‌ای توی تنش که مدام توی این سال‌ها ورزش داده و فریه شده است؛ مثلا او سال‌ها می‌خوابیده زیر چرخ‌های تراکتور یا یک جیب ساده و اجازه می‌داده است از روی سینه و دست‌هایش رد شوند. سال‌ها از بالکن مدارس می‌پریده وسط حیاط و برنامه اجرا می‌کرده است. مدبری تا همین ده دوازده سال پیش هم مشغول به کار بود. روی یک چرخه‌اش سوار می‌شد و زیر صدلی میزها شبیه‌های نوشابه می‌گذاشت و از آن‌ها بالا می‌رفت و کلی کار عجیب و غریب می‌کرد که به سن و سالش نمی‌آمد. حالا هم با بدن تومند و استوار دارد گوشه‌ای کنار پسرش در شهرک «مهرگان» زندگی می‌کند. پسر کوچک‌ترش راه پدر را ادامه داده است و با گروه‌های سیرکی مختلفی در مشهد و دیگر شهرهای ایران کار می‌کند. به نظر می‌رسد سرگرم کردن توی خون مدبری است. از نوجوانی کارهایی می‌کرد که مردم دورش حلقه می‌زدند و هورا می‌کشیدند؛ ژیمناستیک‌کار بلد و پیگیری که با تن منعطفش طوری از بالای بالکن درجا پشت بارو می‌زد که تماشاگرها یک دقیقه برایش کف می‌زدند. وقتی با مدبری، توی خانه‌شان فیلم‌های اجراهایش را می‌دیدم، همان حسرت همیشگی هنرمندان صحنه را به زبان آورد: «دلم برای اجرا کردن و روی صحنه بودن تنگ شده است». مردی که سال‌ها مردم را با اجراهایش در پارک «ملت» مشهد سرگرم کرده است حالا می‌خواهد به خواش ما دوباره روی صحنه برود و خاطره‌هایش را مرور کنند.



چهره هویتی

عکس: مصطفی گنای افشار

او ۱۰ تن و مخلفاتش از روی من رد شد. من خواستم این کار را بکنم. اصلا با همین خواستن‌ها اسمم افتاد توی دهان همه. سر تترسی داشتم ولی توی این سر تترس باید یک چیزی باشد به اسم جرئت. «او احساس می‌کرد ورزشکار است. تنش ورزیده شده و آماده هرکاری است. پهلوان است و پهلوان بودن یعنی جرئت داشتن. عکس‌ها نشان می‌دهد جیب و تراکتور هم از روی تن شصت‌کیلویی عریانش رد شده است. او هم آنجا دراز کشیده است و انکار دارد خستگی درمی‌کند.»

بچه مدرسه علمیه «ابدال خان» ۲۵ پشتک بارو می‌زد

پدرش زابلی است و مادرش بچه نوغان؛ اما این ازدواج همه خانواده را به سیستان و بلوچستان کشاند. به شهر خاش. پدرش آنجا مغازه داشت. آنجا درس می‌خواند. تا ششم ابتدایی درس می‌خواند تا اینکه مدتی بعد پدرش به او اجازه داد برود مشهد. چون آدمی متدین و مذهبی بود، دلش می‌خواست پسرش طلبه شود و برود توی حوزه علمیه مشهد درس بخواند. شد طلبه مدرسه «ابدال خان». کنار قبر پیر پالان دوز. حالا می‌توانست هم ورزش کند و هم درس بخواند. یک سال مشهد بود. نوجوانی دوازده‌سیزده‌ساله بود. اما نبودنش خانواده را رنجاند. خودش دلتنگ مادر شده بود. اولین باری که به ورزش علاقه‌مند شد توی حمام عمومی بود. با پدرش رفته بودند توی حمام و آنجا شنا یاد گرفته بود. تا ششم ابتدایی درس خواند و دیگر ادامه نداد؛ اما باشگاه «سعدآباد» اجازه نمی‌داد کسانی که دانش‌آموز نیستند ورزش کنند. به هر حال، با هر ضرب وزوری که بود، می‌رفت آنجا. آن روزها، دیگر، هم کار می‌کرد. هم شب‌ها می‌رفت باشگاه و ژیمناستیک تمرین می‌کرد. می‌رفت باشگاه سعدآباد که به هر بهانه‌ای توی برنامه‌های رقابتی و تفریحی‌اش شرکت کند. از طرف دیگر، او یک شناگر حرفه‌ای هم به حساب می‌آمد. هرچا برنامه ورزشی بود. او هم حضور داشت. حالا هم یاد گرفته بود پشتک بزند. هم کلی شیرین‌کاری تازه انجام دهد؛ جمعیتی از دیدنش به‌وجود می‌آمدند. ورزش کردن نه بخشی از زندگی مدبری که حالا به همه زندگی‌اش تبدیل شده بود، «آن زمان، توی مشهد، چند باشگاه ژیمناستیک بود، یکی سمت چهارراه میدان بار فعلی، باشگاه دیگری در میدان سعدآباد بود و باشگاه دیگری هم در خیابان نادری که هم عمومی تری بود و هم دانش‌آموزان می‌توانستند آنجا تمرین کنند. من درعین حال شده بودم طلبه حوزه علمیه. حالا هم زورخانه می‌رفتم و هم ژیمناستیک کار می‌کردم. شیرین‌کاری‌هایم از اینجا شروع شد؛ یعنی دیگر جدی شد برابیم، یعنی می‌توانستم ۲۵ پشتک بارو درجا بزنم. این طور بود که اگر دو اجر هم می‌گذاشتند، هر ۲۵ پشتک بارو را روی آجر پایین می‌آمدیم.» حالا محمدرضا مدبری پانزده‌ساله است. مرتب ورزش می‌کند. مرتب باشگاه می‌رود، زورخانه می‌رود و احتمالا به قهرمانی‌های بزرگ‌تر فکر می‌کند؛ اما این بار دیگر باید برای چهار سال برگردد خاش. آنجا برای اولین بار توی یکی از عروسی‌ها هم شیرین‌کاری می‌کند. آنجا سروکله یکی به نام پهلوان حسن پور توی زندگی‌اش پیدا می‌شود.

سرگرم کردن مردم در گوشه دنج شهر بازی پارک «ملت»

مدبری توی مشهد ماندگار شد. ازدواج کرد و صاحب هشت فرزند شد. تا قبل از انقلاب همه جا می‌رفت و برنامه اجرا می‌کرد اما زندگی عیال‌واری با چندبچه قدونیم‌قد او را به عنوان راننده به استخدام آموزش و پرورش درآورد؛ هم‌زمان از او برای اجرا به ارگان‌ها و سازمان‌های مختلف دعوت می‌کردند. موسیقی در آن دوره به حاشیه رفته بود و سرگرمی و کارهای آکروباتیک انگار خیلی حساسیتی برنمی‌انگیخت و برای مردم هم جذاب بود. مدبری توی آموزش و پرورش هم نتوانست دوام بیاورد و خیلی زود از آنجا خارج شد. در یکی از روزهای سال کمی بیشتر توی پارک «ملت» مشهد می‌گردد. می‌بیند عجب جمعیتی وجود دارد و عجب فضای خوبی مهیاست برای اجرای برنامه. جلوتر حتی می‌فهمد یک شعبده‌باز دارد توی آن محوطه برنامه اجرا می‌کند. مدبری دلش می‌خواهد دوباره شروع کند. برای همین نامه‌ای از شهردار وقت، اکبر صابری فر، می‌گیرد و کارش را شروع می‌کند. با داربست برایش یک سالن ایجاد می‌کنند و سه روز در هفته می‌تواند آنجا برنامه اجرا کند. آن زمان فقط می‌توانست با موسیقی فیلم «محمد رسول...» برنامه‌اش را اجرا کند. در همان روزهای جنگ شروع کرد و مردم استقبال بی‌نظیری از برنامه‌هایش کردند. اول خودش تنهایی با قرقه و بندبازی و حرکات تعادلی و کار با شمشیر اجرا می‌کرد. سال بعدش با او فرار داد بهترین بستند؛ «سال ۱۳۶۱ بود که دیگر رفته توی یک سالن ثابت. سالن نسبتا مجهزی بود با پانصد صدلی. آنجا دیگر با پسر بزرگم شروع کردم؛ بعد، دیگر بچه‌هایم هم آمدند. برادرم هم آمد. سال ۱۳۶۳ اوج کارهای ما بود. در بهترین نقطه پارک و شهر بازی، رویه‌روی «فانفار»، برنامه ما برگزار می‌شد و مردم صف بلندی می‌بستند. مدبری روزی ۱۰ ستانس اجرا می‌رفت. هر ستانس هم حدود نیم‌ساعت بود. حالا برنامه هنرمندان دیگر هم رونق گرفته بود. یکی خیمه‌شب‌بازی می‌کرد، یکی شعبده‌بازی می‌کرد و یکی هم ژانگولربازی و آکروبات‌کاری. توی برنامه‌هایش همه‌کاری می‌کرد؛ بندبازی، راه رفتن روی سیم‌بکسل و تک چرخ سواری و حرکات کارد و شمشیر. او یک کار بی‌نهایت خطرناک دیگر هم انجام می‌داد؛ «سماور نفتی روشنی را که آب جوشش داشت قل‌قل می‌کرد. روشن. با یک وسیله‌ای می‌بردم. آن را بالا و روی پیشانی‌ام نگه می‌داشتم. پایین آوردنش هم این طور بود که می‌زدم که پایه و سماور را روی هوا می‌قاییدم. این حرکت‌ها را دانه‌دانه از الگویی برمی‌داشتم و خودم هم چیزهایی به آن اضافه می‌کردم. یک کار دیگرم این بود که دختر کوچکم روی نوک شمشیر می‌خوابید و من شمشیر را با دانه‌نگه می‌داشتم. کار فکی هم می‌کردم. سی کیلو را روی فکم نگه می‌داشتم.» مدبری از مشکلات ریز و درشت روزهای دهه ۶۰ هم یاد می‌کند؛ روزهای جنگ و روزهایی که انگار سرگرم شدن به امر نامعمولی تبدیل شده بود؛ «وقت‌هایی می‌شد که یک عده می‌آمدند و می‌گفتند ما در حال جنگ هستیم. شما چرا دارید می‌خندید. در صورتی که مردم واقعا تفریحی نداشتند و نکته اصلی اینجاست که اتفاقا مردم نیاز به سرگرمی داشتند. یا مثلا ما با آهنگ «اکسین» خیلی بعدها توانستیم برنامه اجرا کنیم؛ چون استفاده از این دست موسیقی‌ها برای ما مشکل ایجاد می‌کرد. از این دست درس‌ها هم نداشتیم. بعدها ما با آهنگ برنامه «ورزش و مردم» کار می‌کردیم. ما حتی گاهی سر یک موزیک بی‌کلام هندی مکافات داشتیم.»



تو هنرمند می‌شوی، تو معروف می‌شوی

حسن پور معرکه‌گیر نبود؛ جادو و جنبل هم بلد نبود. کارش پرستیژ داشت و برای هنرش ارزش قائل بود. برای همین شهر به شهر می‌رفت و بلیت می‌فروخت. آن روز که توی خاش و در خانه یکی از اقوام شیرین‌کاری‌ها و حرکات‌های مدبری را دیدید بود. بلافاصله درگوشش خواند؛ «تو هنرمند می‌شوی. تو معروف می‌شوی.». این اولین بار بود که مدبری دلش می‌خواست کاری بکند. کاری که به آن فکر نکرده بود. اما هنرش را داشت و بدنش از پس هر حرکت عجیبی برمی‌آمد. مدبری، پهلوان حسن پور و همسر پهلوان یک گروه تشکیل دادند که هر روز در یکی از شهرها و روستاهای کوچک و بزرگ اجرا می‌کردند. شرح وظایف مدبری این بود؛ با دست و پایهایش ماشین را نگه می‌داشت یا ماشین از روی بدنش رد می‌شد. زن پهلوان حسن پور هم برنامه اجرا می‌کرد؛ زنی که روی قرقه می‌ایستاد و کلی کار دیگر می‌کرد و این برای تماشاگران خیلی چیز جذابی بود. برنامه این بود که روزهای جمعه توی محوطه یکی از مدارس بلیت فروشی می‌کردند. بلیت‌ها خیلی زود فروش می‌رفت. شهر کوچک خاش نه سالی داشت. نه فضای مخصوصی برای این کار. مدبری اسم این شکل از کار را گذاشته بود پهلوانی کلاسیک؛ «ما یک هفته تبلیغات می‌کردیم و پنجشنبه جمعه‌ها هم در یکی از مدارس برنامه‌مان را اجرا می‌کردیم. تقریبا همه بلیت‌هایمان هم فروش می‌رفت. ولی به خاطر محدودیت‌ها، مثلا برای خانم‌ها و دخترها، صبح برنامه داشتیم و برای عموم مردم بعد از ظهر.» با گروه‌شان همه ایران را رفتند؛ از گناباد و شاهرود و تهران تا ساندج و بلوچستان و بوشهر و سبزوار و تربت. از شاهرود اما خاطره ویژه‌ای دارد. از شهری که دانش‌آموزانش قهرمان ژیمناستیک ایران بودند؛ «یک بار در شاهرود توی دبیرستان پسرانه‌ای برنامه داشتیم. آن موقع معروف بود که دانش‌آموزان شاهرودی ژیمناستیک‌کارهای خیلی درخشانی هستند. دبیرستان آن‌ها دوطبقه بود و من برای اجرای برنامه‌ام از طبقه دوم پشتک می‌زدم و می‌آمدم وسط جمع و برنامه‌ام را اجرا می‌کردم. وقتی پهلوان حسن پور من را معرفی می‌کرد، من روی هوا بودم و می‌آمدم پایین وسط میدان مدرسه. «رضا زاهدانی وارد می‌شود؛ این طوری صدایم می‌زدند. از آن بالا تا پایین پنج شش متر ارتفاع داشت. بعدها همین موضوع باعث جدایی من از گروه پهلوان حسن پور شد. رفته بودیم سمنان. قرار بود همین کار را تکرار کنم ولی حیاط مدرسه سنگ صاف ناچوری داشت. او اصرار داشت من حتما باید بیروم ولی راضی نشدم. گفتم بابا اگر من از آن بالا بیروم صد درصد باهیم می‌شکند. هرچه گفت، گفتم؛ نه نمی‌کنم، مگر دیوانه‌ام؟! عصبانی شد. خودش هم که دیگر نمی‌توانست مثل سابق کار کند. ۱۲۰ کیلو وزنش بود. من هم رفته بی کار خودم.»

در سر تترس باید چیزی باشد به اسم جرئت

آلبوم عکس‌های رد شدن ماشین از روی بدن و دست‌های مدبری کهنه‌تر و قدیمی‌تر از باقی عکس‌هاست. می‌پرسم شهامت داشتن و تترس بودن یک چیز است ولی رد شدن چندتن آهن از روی پوست و گوشت و استخوان آدمی زاد مسئله دیگری است. توی چه موقعیتی شهامت و تترس‌تن آدم را به آهن تبدیل می‌کند؟ «بله، گفتنش آسان است و حتی شاید تکراری ولی شما باید بخواهید. باید جرئت کنید. جرئت از تترسی و شهامت هم زور بیشتر است. پادم می‌آید رفته بودم قهوه‌خانه‌ای در تهران. آنجا با اهل کافه بحثی پیش آمد و بگویم‌گویی و شاخ و شانه‌کشیدنی، گفتم شما فقط حرف می‌زنید. باید عمل کنید. بعد همه رفتیم توی گاراژ روبه‌روی همان قهوه‌خانه. به همه‌شان گفتم هرماشینی که انتخاب کردید من زیر چرخ‌هایش می‌خوابم. رفتند دنبال ماشین ده‌تنی که شش‌تن شیب داشت؛ یعنی به عبارتی می‌شد شانزده‌تن. من این کار را کردم

از یک جایی به بعد ما دیگر از چشم‌ها افتادیم

داشتم فیلم‌های قدیمی‌اش را می‌دیدم. می‌گفت دلش می‌خواهد دوباره این کارها را بکند ولی نمی‌تواند. صحنه کنش دارد. صحنه آدم را و سوسه می‌کند؛ «اگر بخوایم هم نمی‌تونم کاری بکنم. آخر آکروبات و ژیمناستیک مال جوانی است.» او البته تاجایی که توان داشت. روی صحنه بود. تا ۶۵ سالگی و دیگر کم‌کم سال ۱۳۹۲ بود که کنار کشید. از او پرسیدم آن روزهای اوج پارک ملت چقدر درآمد داشتی؛ «وقتی در آموزش و پرورش کار می‌کردم، حقوقم ماهی ۳ تا ۲ هزار تومان بود؛ اما فروش روزانه بلیت‌های ما به ۱۰ هزار تومان هم می‌رسید که نصف بیشترش سهم ما بود؛ یعنی روزی ۵ تا ۶ هزار تومان.» در واقع مدبری دوبرابر حقوق ماهانه‌اش را در یک روز درمی‌آورد؛ اما خاطره‌ای که هنوز پس ذهنش مانده است. به روزی برمی‌گردد که مرگ را از نزدیک دید. به روزی که نفس تماشاگران در سینه حبس شده بود؛ «یک بار مثل همیشه که داشتم برنامه‌ام را اجرا می‌کردم. شروع کردم به چیدن ده‌پانزده میز یک متری روی هم که به عبارتی می‌شد ۱۰ متر. من هر وقت از این ارتفاع می‌رفتم، اشهدم را می‌خواندم؛ کار همیشگی‌ام بود. از طرفی، این جوری نبود که خودم میزهایم را بچینم؛ بلکه هر میز را که دستم می‌رسید، می‌گذاشتم روی میز دیگر؛ یکی کوتاه بود، یکی بلند. این یک موضوع؛ موضوع دیگر اینکه پایه‌های میز اول روی چهار بطری شیشه‌ای قرار گرفته بود. من آن بالا بودم که یکی از بطری‌ها شکست؛ یعنی یک پایه میز من لق شد؛ اما خودم را کنترل کردم. تقریبا هزار نفر بودند. تماشاگران نفس نمی‌کشیدند. برای اینکه من تمرکز کنم؛ جوری سکوت کرده بودند که انگار توی سالن هیچ‌کس نبود. تا آمدم پایین، سالن ترکیب از تشویق. خیلی روز خوبی بود؛ خیلی خاطره‌انگیز بود.» اما از جایی به بعد که دیگر گوشه‌های موبایل و فضای مجازی و تلویزیون و سینما اوج گرفت و سرگرمی‌های بیشتر شد و نسل‌ها تغییر کرد؛ ژانگولربازی هم فراموش شد و هنرمندانش هرکدام منزوی شدند و بی‌کار دیگری رفتند؛ البته معدودی هم هنوز هستند که با سیرک‌های مختلفی در ایران و شهرهای مختلف همکاری می‌کنند؛ یکی‌اش فرزند کوچک مدبری که هنوز این همکاری را ادامه می‌دهد؛ باین حال، این یکی از لایه‌های جهان سرگرمی بود که جایش را به سرگرمی‌های دیگر داد. آن‌ها با همه وجودشان تلاش می‌کردند کمی از تلخی و بیهوش‌شادی در آن روزهای را کم کنند.



شنبه ۲۷ دی ۱۴۰۲ ۱۵ شهریور ۱۳۹۹

SHAHARANNEWS.IR



تاریخ و هویت

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز شهرداری مشهد مدیرمسئول سید میثم موسوی مهر سردبیر سید سجاد طلوع هاشمی

نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸-۵ شماره پیک: ۵۱-۳۸۴ ۳۷۵۲ شماره پیک: ۵۱-۳۸۴ ۳۷۵۲

۳۰۰۰۷۲۸۹

SHAHRARANEWS.IR

۵شنبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرآنیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق نامه اخلاق حرفه‌ای

دما: ۱۳°

رطوبت: ۵۳%

سرعت باد: ۲°

صبح: ۶

ظهر: ۱۲

عصر: ۸

شب: ۵

اوقات شرعی مشهد:

اذان ظهر: ۱۱:۴۱:۲۲ نیمه شب شرعی: ۲۲:۵۶:۵۷

غروب آفتاب: ۱۶:۴۱:۰۵ اذان صبح فردا: ۰۵:۱۲:۳۷

اذان مغرب: ۱۷:۰۱:۰۱ طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۴۱:۱۹

حضرت زینب (س)! آگاه باشید هرکسی که بر دوستی آل محمد (س) بپیرد، شهید است.

اثبات الهداة، ج ۲

شهید ناصر کلابخس محمدآباد

تاریخ شهادت: ۱۳۵۹/۱۰/۲۹

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۰۷/۰۱

محل تولد: مشهد

محل شهادت: سوسنگرد

کارتون شهر

نمی دانستم انگار! من از این بانوی بزرگ انگار هیچ نمی دانستم. غزل در بیت چهارم ماند و من در حسرت تمام شدم. اما این چهار بیت ناتمام برای من تمام خاطر اتم از مسیر سه روز را بعین است و از لحظاتی که کنار قدم های جابر قدم بر زمین گذاشتم که همراه رنج های حضرت زینب (س) باشم.

نقل کردند راویان در جنگ که گذشتی تو از تمام خودت سند کربلا روایت توست کربلا را زدی به نام خودت گاه پیش ریاب می رفتی گاه دنبال آب می رفتی در اسارت نبوده ای هرگز لحظه ای فکر التیام خودت گذراندید کوفه را تا شام و ای از شام گفتم و الشام وقت ایراد خطبه ات بانو پرده بردار از مقام خودت ذوالفقار تو خطبه های توند خطبه های تومدعای توند دختر کوفری و می گیری اذن پیکار از امام خودت

مسئول کمیته کارگروه مزد شورای اسلامی کار کشور: رضا جنگی

رقم سید معیشتی کارگران، امسال نباید کمتر از ۲۶ میلیون تومان باشد.

مناجات

الهی دانایی ده که از راه نیفتیم و بینایی ده که در چاه نیفتیم.

مناجات نامه خواجه عبدا... انصاری

اول شخص

مثل چشمه ها، زلال

یادی از واقف مدرسه ساز مشهدی و رزمنده سال های جنگ، شهید حاج کاظم غلامزاده تدین به بهانه چهلمین سالروز شهادتش



آزاده چشمه سنا نویسنده

همه چیز واضح بود. در زمانه ای که توی مدارس دوره پهلوی، جایی برای دختران دانش آموز محجبه وجود نداشت. آقای تدین اتاق های خانه اش را خالی کرده بود برای برپایی کلاس های درس ویژه دختران باحجاب خانواده های متدین. روزهای اول فقط فاطمه و زهرا و مرضیه، روی فرش کلاس هایش مشق می نوشتند و رفته رفته از خانواده های متدینان بزرگ شهر گرفته تا باقی همسایگان مذهبی، به مدرسه مخفیانه آقای تدین راه پیدا کردند. مدرسه ای که در کنار سواد خواندن و نوشتن، به آموزش قرآن و اصول اخلاقی نیز پافشاری داشت. رفته رفته داشت شمار متقاضیان ثبت نام از ظرفیت خانه بیشتر می شد. حاج کاظم و خانواده شش نفره اش از تمام خانه به یک اتاق اکتفا کردند و مابقی خانه تبدیل شد به مدرسه دخترانه آقای تدین.

پدری دل سوز و بی ریا بود بیاید خانه اش و مسئول ثبت نام ورودی های مدرسه خانگی اش باشد. بچه ها زیر چشمی به انگشت های کشیده زن نگاه می کردند. به سرخی خیره کننده روی ناخن ها و رنگ موهایش که از کنار روسری ریخته بود بیرون. اما هرچه بیشتر می گذشت، میهمان تازه وارد مدرسه، پیش از گذشته هم رنگ باقی مجموعه می شد. دیگر اثری از آن ظاهر عجیب و غریب روزهای نخست نبود. حاج کاظم صبر بی نهایتی داشت. بعدها خبر رسید همان زن، به یکی از معلمان قرآن و اخلاق شهر تبدیل شده. همه انگشت به دهان مانده بودند الاحاج کاظم که یقین داشت به لطف صبوری و حسن خلق می تواند هر نامکنی را ممکن کند. این اندازه نفوذ و اقبال و محبوبیت او، شده بود خار چشم حکومتی های یک روز آمدند ریختند توی خانه و به جرم آموزش قرآن و برپایی کلاس، او را به بازداشتگاه منتقل کردند. اما چند روز بعد با نصب یک تابلو سردر خانه، همه چیز ختم به خیر شد. روزی که از بازداشتگاه به خانه برگشت. چند قدمی عقب تر ایستاد و به تابلوی بالای در نگاه کرد. «آموزش اکابر» پوششی قانونی به پشتوانه نهضت سوادآموزی که دهان حکومتی هارمی دوخت. دروغی در کار نبود. حالا به پیشنهاد حاج کاظم، معادل همان پولی که از خوانندگی به جیب می زد، متعهد شده



آموزش اکابر و چیزهای دیگر

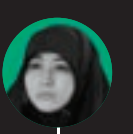
هیچ کس حق نداشت به عضو تازه وارد مدرسه نگاه متفاوتی داشته باشد. به همه سپرده بود هوای او را داشته باشند و کاری به ظاهر متمایز او نداشته باشند. زنی که تادریز برای امراض معاش توی محافل خصوصی و عمومی خوانندگی می کرد، حالا به پیشنهاد حاج کاظم، معادل همان پولی که از خوانندگی به جیب می زد، متعهد شده

برای نوشتن این مطلب از اطلاعات روزنامه شهرآرآنیوز و خبرگزاری رضوی استفاده شده است.

روایت روز

سند کربلا روایت توست

و می خواهد من هم همراهشان باشم. به هر شکل بود میخ سفر را تهیه کردم و راهی شدم. در مسیر برایشان تعریف کردم خاطرات آن هفت سال گذشته خواب این سفر را برایتان تعریف کردم؟ گفتند: نه! و هیچ چیز یادشان نمی آمد. اما من در کمال ناپاوری در آن مسیر بودم! مهم نبود که واسطه سفر به خاطر خوابم مراد دعوت کرده یا چه؟! مهم این بود من مسافر راهی بودم که حضرت زینب (س) به همراه کاروان اسرا طی کرده بودند. حس و حال غریب بود و حضرت زینب (س) را تصور می کردم که گاهی پیش حضرت سکهینه (س) است و گاهی غمخوار ریاب (س) خودم را کنار رقیه سه ساله می دیدم و دلداری اش می دادم. با خودم فکر کردم چه کسی عمه سادات را در آن سفر دلداری داده. نه نمی شد تصور کرد زنی که در چهار سالگی مادرش به شهادت رسیده چطور با شهادت دسته گل هایش رویه رو شده است؟ خواستم همانجا کلاف غزلی را برای ایشان سر ببندم. بیت اول را نوشتم و ادامه دادم اما زانم قفل کرد! نشد، نتوانستم.



عاطفه جعفری نویسنده و شاعر افغانستانی

همیشه عرش خدا گرم اختلاطش بود فرشته تشنه یک جرعه ارتباطش بود به جز نگاه حسینش پی چه بود؟ بهشت؟! بهشت باغچه کوچک حیاطش بود همیشه حمد به لب داشت. مَد نام حسین در امتداد دوتا واژه صراطش بود اگر کنار برادر تبسمی هم داشت هزار بغضی زبان بسته در نشاطش بود نخواست جان بدهد تا علم به دوشش هست اگر شکست سرش، حکم احتیاطش بود کربیه بود ولی از شما چه پنهان که پس از حسین فقط آه در بساطش بود

چکامه

عکس روز

سلام بر کوه صبر

سلام بر اسوه شکیبایی و استواری. سلام بر بانوی کربلا، زینت پدر، یاور برادر، سلام بر او که کوه صبر بود.

عکس: محمدحسن صلواتی / شهرآرآ